



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ
وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ هُمْ أَوْلِيَا
أَمْرِهِ يَوْمَ الدِّينِ

مبّلمان

۲۰۳

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

رمضان المبارک ۱۴۳۷ ق

خرداد - تیر ۱۳۹۵ ش

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه
اداره کل امور رسانهها

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی
■ سر دبیر: محمد علی قربانی
■ هیئت تحریریه: محمد حسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا،
سید جواد حسینی، محمد غلامرضائی، محمدمهدی ماندگاری، علی مختاری،
حسین ملاگوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

■ امور اجرایی: مجید خلیلی
■ امور مشترکین: میثم ابراهیمی منش
■ تیراژ: ۶۳۰۰ نسخه
■ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نشانی: قم، ۴۵ متری شهید صدوقی علیه السلام،
۲۰ متری فجر، خیابان دانش، معاونت تبلیغ و
آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه، اداره کل
امور رسانهها، دفتر مجله مبّلمان.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸
تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰
نمبر: ۳۲۹۱۴۴۶۶

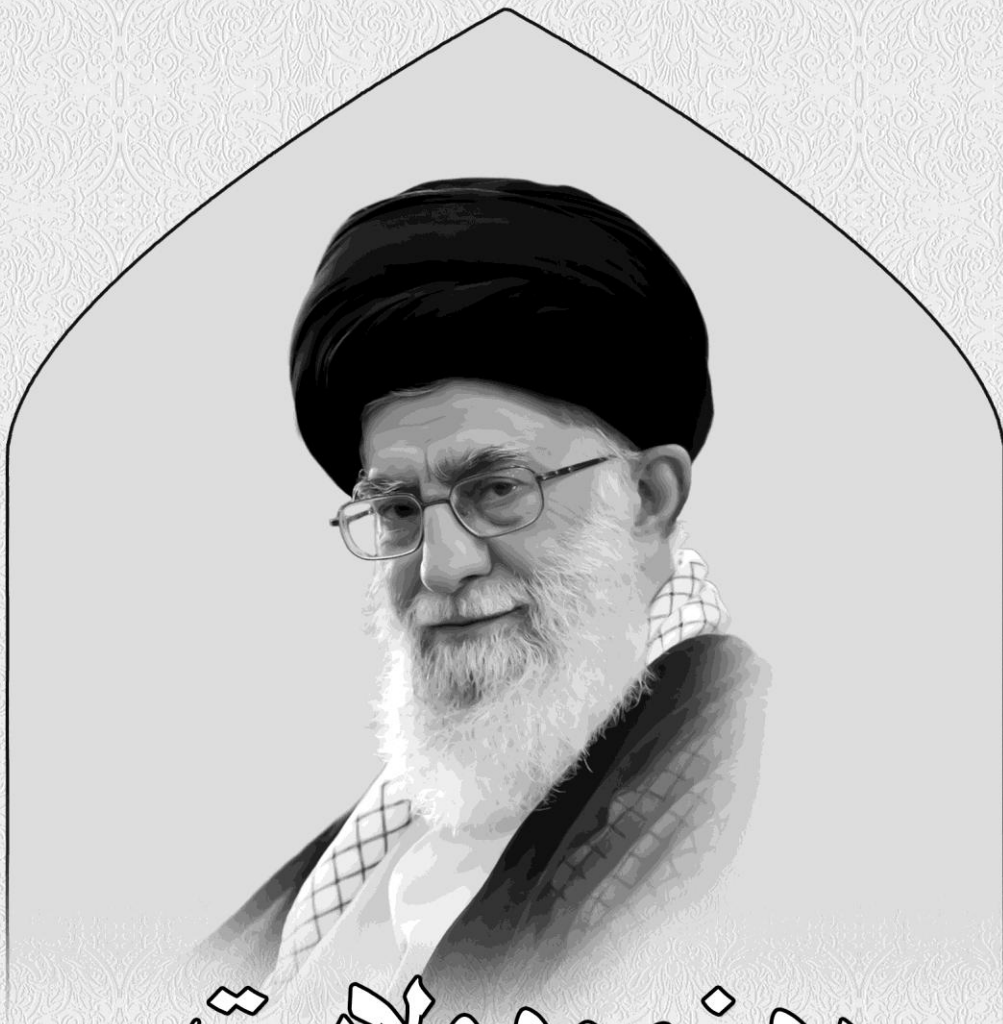
یادآوری:

- ✓ مطالب «مبّلمان» ویژه تبلیغ و مبّلمان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشتهها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دستنویس فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی-پژوهشی، منتشر می شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.



فهرست مطالب

۳ رهنمود ولایت
	سر مقاله
۴ * منکرات اجتماعی؛ ریشه‌ها و راه‌حلیها محمود مهدی‌پور
	تاریخ و سیره
۱۱ * در عزای اولین وصی (مرثیه امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>) جعفر واضحی
۱۶ * آیات مرتبط با رخدادها (۵۶) / غزوة بدر محمداسماعیل نوری زنجانی
۳۰ * خودی و غیر خودی در مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> (۵) / عوامل عزت آفرین عبدالله رضوانشهری
۳۸ * شیوه‌های تبلیغی حضرت موسی <small>علیه السلام</small> محسن ملاحسینی قطرمی
۴۸ * روز جهانی قدس از منظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> حسن دهقانی
	سوژه سخن
۵۸ * نقش کانون خانواده در سلامت جامعه اسلامی علی ملکوتی‌نیا
۶۸ * جایگاه طب اسلامی در تبلیغ علی محمد مظفری
	سیاست و اجتماع
۷۹ * مخالفت با نفوذ دشمنان در سخن و سیره علمای شیعه (۱) غلامرضا گلی زواره
۹۱ * حل بحران «فلسطین» در اندیشه امام خمینی <small>علیه السلام</small> حسن سلطانی
	گزارش و مصاحبه
۹۸ * مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالسید محمودی بهبهانی اداره کل امور رسانه‌ها
	گلشن احکام
۱۰۶ * سی و پنج مجلس بیان احکام سید جعفر ربّانی
۱۲۷ * بررسی فقهی مراجعه به پزشک جنس مخالف حسین وجدانی
	رهنمودها و خبرها
۱۳۸ * خبرها و هشدارها
	گونگون
۱۴۸ * پرسشنامه



رهنمود ولایت

اگر جمهوری اسلامی حاضر بود تبعیت استکبار را قبول نکند، با موشکش هم می‌ساختند، با انرژی هسته‌ای و انواع و اقسام چیزهایی که در این زمینه وجود دارد می‌ساختند و اسم حقوق بشر را هم اصلاً نمی‌آوردند. جمهوری اسلامی، با تعلیم الهی، حاضر نیست از دشمن مستکبر کافر تبعیت نکند، از جبهه کفر و استکبار تبعیت نکند؛ این است علت اصلی؛ همه تلاششان [برای] این است.

منکرات اجتماعی؛ ریشه‌ها و راه‌حلاها

محمود مهدی‌پور

عقاید انحرافی؛
۴. طلاق و ناپایداری خانواده‌ها؛
۵. پارتی بازی، رشوه خواری، رباخواری و اختلاس در نظام مالی و اداری؛
۶. دخالت ابرقدرتها در امور هسته‌ای کشور؛
۷. بی‌اعتمادی متقابل در روابط دولت و ملت؛
۸. عدم ثبات قوانین و ساختارهای اجرایی؛
۹. تقلب و مدرک‌فروشی در نظام آموزشی. انواع گوناگون منکرات اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، بهداشتی، درمانی، فرهنگی و... دست به دست هم داده و دنیای مردم را تهدید

بدون شک امروزه دنیای اسلام از جمله کشور اسلامی ایران با منکرات فراوانی مواجه است؛ این امر مورد قبول تمام گروه‌های مختلف اجتماعی است. این منکرات سدی در برابر استقلال، عزت، آزادی و رفاه امت اسلامی بوده و مانع روابط اجتماعی عاقلانه و زندگی در سایه فطرت سلیم انسانی است. فهرستی کوتاه از این منکرات بدین شرح است:
۱. اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان؛
۲. بدبینی و سوءظن گروه‌ها و جناح‌های اجتماعی به یکدیگر؛
۳. ترویج خرافات و

می کنند و از هر منکر بزرگ، دهها منکر و معضل دیگر متولد می گردد.

از دیدگاه نیروهای مذهبی نیز منکر بدحجابی و بی حجابی، قمار و برد و باختهای پیدا و پنهان، غارت و اختلاس بیت المال، عزل و نصبهای ناروا و خلاف قانون، توزیع نابرابر اموال عمومی، وجود سایتها و کانالهای غیر اخلاقی و ماهواره ها، وابستگی بیمه ها و بانکها به نظام کفر جهانی، تولید و اکران فیلمهای شیطنانی و... باری گران بر جسم و جان اندیشمندان و دلسوزان امت اسلامی است.

روش برخورد با منکرات

در برابر این ناهنجاریهای اجتماعی و محرمات رایج در میان مسلمانان، سه گونه برخورد امکان دارد:

۱. انکار و کتمان و نادیده گرفتن؛
۲. فرافکنی و مقصر دانستن عوامل خارجی و رقبای داخلی؛
۳. واقع نگری، ریشه یابی و تلاش برای حل آنها.

این برخوردها در

تمام دورانها کم و بیش وجود داشته است؛ ولی معمولاً از راه حلهای اول و دوم استفاده می شود و کم تر به راه حل سوم می پردازیم.

امروز هر کس وجود دردها و منکرات اجتماعی را انکار کند، عمداً سر در لاک فرو برده، چشم بر واقعیات تلخ جهان اسلام و کشور بسته است؛ البته هر کس هم خدمات، پیشرفتها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد گوناگون انکار نماید، او نیز قطعاً در اشتباه است.

پس ریشه های منکرات امروزی و واقع بینی در بررسی علل و عوامل آن، راه و رسم منطقی و عاقلانه و حق جویانه است. تنها با حرکت در این مسیر امید اصلاح و کاهش و زدودن منکرات فردی و اجتماعی وجود دارد.

ریشه منکرات اجتماعی

سؤال این است که :
مسئله اصلی و بذر اولیه مفاسد اجتماعی و منکرات ذکرشده چیست؟
این درخت ناپاک ریشه در کدام سرزمین دارد؟
و این غبار غم انگیز چگونه به دیار

اسلام منتقل می شود؟ و چه کسانی و چرا برخی به آلودگی فضای جامعه دامن می زنند؟ شاید بتوان گفت: «ترویج اندیشه های الحادی» و «تحریک هوسهای نفسانی» و «ایجاد ساختارهای غلط اجتماعی» مثلث شوم تولید و تکثیر مفساد اجتماعی است. «فقر»، «فساد» و «تبعیض» ریشه در «شرک اعتقادی»، «ابتدال اخلاقی»، «مبنای نادرست مدیریت» و «ساختار غلط اداری» دارد.

تأثیرپذیری مسلمانان از کفر جهانی در علوم انسانی و مدیریت اجتماعی این فضای شیطانی، فساد اداری و بیداد اجتماعی و فقر اخلاقی و فرهنگی را پدید آورده است. بزرگ ترین مفساد اجتماعی در سالهای اخیر، در بانکها و بیمه ها بروز کرده است؛ دو نهادی که هر دو ریشه در فرهنگ غرب دارند و با منکر بزرگ «ربا خواری» و «قماربازی» پیوند خورده اند. حمایت از مترفان و

نظام سرمایه داری به بهانۀ «کار آفرینی» سبب گردیده که به اقرار بانک مرکزی، هم اکنون بانکها ۶۱ بدهکار یکصد میلیارد تومانی دارند و گفتنی است که با ابلاغ مصوبه جدید دولت، بدهی ۱۷۲ بدهکار بزرگ بانکی که در لیست مفساد اقتصادی قرار دارند، قسطی شده و رقم معوقات بانکی صد هزار میلیارد تومان می باشد.^۱

بدون تردید منکرات اجتماعی کشور ریشه در مشکلات مدیریتی دارد و بدون اصلاح اندیشه ها و حاکمیت تقوا و پذیرش نظام مدیریتی اسلامی، فساد اخلاقی و اقتصادی هر روز در یک اداره و نهاد خود را نشان می دهد.

مراکز تصمیم گیری متعدد، کارهای خوب یکدیگر را خنثی می کنند و در کشور سیاست واحد دنبال نمی شود. برای شناخت بهتر ریشه منکرات اجتماعی به این اظهار نظر و عناوین اول برخی

۱. عبرتهای عاشورایی، شماره ۲۴۲، مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۸؛ در گزارش ابتدای سال ۱۳۹۴ از سوی وزیر اقتصاد، مطالبات معوق بانکی ۹۲ هزار میلیارد اعلام شد.

سایتها توجه کنید:

- مسائل ترافیکی ریشه در کمبودهای اخلاقی و فرهنگی دارد.^۱

- بدون تعارف مشکلات امروز جامعه ما ریشه در فرهنگ عمومی جامعه دارد.^۲

- ریشه مشکلات فرهنگی، عدم اعتقاد رایج و محکم برخی مسئولان به دین و ارزشهای دینی است.^۳

- ریشه مشکلات فرهنگی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی است . وقتی جوانان ما کار پی‌دا کنند، قطعاً به سوی معنویات روی خواهند آورد.^۴

البته رابطه منکرات فرهنگی و منکرات اقتصادی هنوز در بوتۀ ابهام قرار دارد و معلوم نیست کدام اول است!

ریشه منکرات از نگاه ما

ریشه منکرات اجتماعی از نگاه ما ، عدم تسلیم در برابر دستورات الهی است .

تغییر و تعویض مک‌رر قوانین، نفوذ ناصالحان در جایگاه های تصمیم گیری ، عدم هماهنگی

مدیران و عدم برخورد قاطع با مجرمان عامل گسترش منکرات است.

جهل و غرور، مطلق نگری، نگرش جزیره ای، بخشی نگری و نگاه تقلیدی به کشورهای غربی، ریشه عدم پذیرش قوانین الهی و نظام امامت است.

عملکرد نامط لوب، عدم نظارت بر اشخاص و مدیریتهای اجرایی، سپردن اداره کشور به افراد فاقد ایمان و تفکر ولایی و یا غیر متخصص و همچنین شک در امامت و ولایت، برداشت ناقص و نا رسا از محتوای امامت، تفکیک رهبری سیاسی و رهبری عبادی، تکذیب خدا و پیامبران و عدم پذیرش داوری امام و رهبری عادل، ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی است .

کلید حل مشکلات چیست؟

این قلم برای جستجوی کلید مشکلات در نهانخانه افکار و اندیشه ها ، گشتی در دنیای مجازی زد و حاصل این سفر را به خوانندگان نشریه تقدیم می دارد:

در دنیای مجازی

امور زیر به عنوان کلید حل مشکلات م عرفی شده است و کلید بودن

۱. جوان پرس.
 ۲. کازرون جنوب.
 ۳. عصر ایران، ۱۴/۵/۱۳۸۹.
 ۴. علیرضا رزم حسینی استاندار کرمان.

- برخی روشها و رفتارها
 زیرس و وال قرار گرفته
 است . بدین کلید واژه
 ها و عبارات که در
 برخی سایتها به عنوان
 کلید حل مشکلات و
 پیشگیری از منکرات
 معرفی شده، دقت کنیم:
۱. ارتباط با خدا؛
 ۲. صلوات؛
 ۳. دولت کار آفرین؛
 ۴. ترویج فرهنگ کار؛
 ۵. مسئولان فکر نکنند
 کلید حل مشکلات اقتصادی
 در برداشتن تحریمها
 است؛
 ۶. سرمایه گذاری بخش
 خصوصی، کلید حل مشکلات
 بیکاری است؛
 ۷. تقوا، کلید حل
 مشکلات است؛
 ۸. اهل بیت کلید حل
 مشکلات هستند؛
 ۹. کارهای پژوهشی
 کلید حل مشکلات در
 شرایط بحرانی است؛
 ۱۰. وحدت، کلید حل
 مشکلات است؛
 ۱۱. دعا، شاه کلید
 حل مشکلات و بیماریها
 است؛
 ۱۲. آیا کلید حل
 مشکلات اقتصادی ما در
 جیب آمریکا است؟
 ۱۳. وحدت و انسجام،
 تنها کلید حل مشکلات
 جهان اسلام است؛
 ۱۴. علم و فن آوری،

- کلید حل مشکلات است.
۱۵. استفاده از
 منابع انسانی کار آمد،
 متخصص و کارشناس، کلید
 حل مشکلات کشور است؛
 ۱۶. انجام واجبات و
 ترک محرمات، کلید حل
 مشکلات است؛ [وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
 يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ
 لَا يَحْتَسِبُ]؛^۱
 ۱۷. کلید حل مشکلات،
 اقتصاد مقاومتی است؛
 ۱۸. دعا و صدقه،
 کلید حل مشکلات است؛
 «الْصَّدَقَةُ تُدْفَعُ الْبَلَاءَ وَ هِيَ أَرْجَعُ
 دَوَاءً وَ تَدْفَعُ الْفَضَاءَ وَ قَدْ أَبْرَمَ إِبْرَاهِيمُ
 وَ لَا يَذُ هَبٌ بِالْأَدْعَاءِ إِلَّا الدَّعَاءُ وَ
 الصَّدَقَةُ»^۲
 ۱۹. خوش اخلاقی، کلید
 حل مشکلات است؛
 ۲۰. حفظ اسرار و
 امید، کلید حل مشکلات
 است؛
 ۲۱. استغفار کلید حل
 مشکلات است؛
 ۲۲. راه حل مشکلات،
 بازگشت به توحید است؛
 ۲۳. بازگشت به امامت
 تنها راه دفع مشکلات؛
 ۲۴. فروتنی و واقع
 بینی کلید حل مشکلات؛
 ۲۵. راه حل از بین
 بردن مشکلات، اعتماد به

۱. طلاق/۲ و ۳.
 ۲. بحار الانوار، محمدباقر
 مجلسی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳،
 ص ۱۳۷، باب ۱۴، فضل الصدقة و
 انواعها و ادابها.

نفس و اعتماد به مردم
مسلمان است؛

۲۶. بازگشت به صداقت
و اخلاق از بین برنده
مشکلات؛

۲۷. بازگشت به ساده
زیستی و دوری از دنیا
طلبی کلید حل مشکلات؛

۲۸. حل مشکلات و
بازگشت به عدالت
اجتماعی؛

۲۹. عادت به قناعت و
صبوری در کار و تولید
کالا و دانش.

به تصریح رهبر
بزرگوار انقلاب اسلامی
ایران «کلید حل مشکلات،
بهره برداری خرمندانانه
از امکانات داخلی و
ظرفیت درون زای کشور
است.»^۱

همه می دانیم،
تدبیر، امید و عقلانیت،
بخشی از دندانه های
کلید حل مشکلات کشور
است؛ ولی تدبیر چه
کسانی؟ امید به چه
کسانی؟ و چه اموری؟
اعتدال در اهداف یا
تعادل در حرکت و
سرانجام کدام عقلانیت؟
عقلانیت غربی؟ یا
عقلانیت وحیانی؟

استفاده از تجارب
کارشناسان، دوری از
خودمحوری، استفاده از

ظرفیتهای فراوان مردم
و نخبگان، توجه به
تولید ملی و ب ازگشت
به سبک زندگی اسلامی،
کلید حل مشکلات
اجتماعی است؛

بهترین کلید برای
حل مشکلات، تقوا و توکل
بر خدا است: [وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا]؛^۲

تولید، کلید حل
مشکلات اقتصادی است؛

آگاهی و شناخت، کلید
حل مشکلات فرهنگی

بشریت است؛ حل بن بست
هست ه ای، کلید حل

باقی مشکلات است؛ کلید
حل مشکلات کشور، تقویت

احزاب است؛ و در جمله
ای کوتاه کلید حل

مشکلات اقتصادی در

تجاری شدن پیشرفتهای
علمی و فن آوری، و
صنعت است.

بسیاری از این

دیدگاه ها و راهکارها
نزدیک به هم و مکمل

یکدیگرند؛ گرچه با
زبانهای مختلف بیان

می شوند و قصه عنب و
انگور و ازوم را

تداعی می کنن د. مهم
آن است که دست بیگانه

این اختلاف زبان را
عامل جنگ و نزاع

نسازد و گروه ها به
رهنمودهای ولی فقیه،

۱. بیانات مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله العظمی خامنه ای،
۱۳۹۲/۶/۶.

در تفسیر نیازهای امت و وظایف اجتماعی ، اعتماد کنند.

روحانیون و منکرات اجتماعی

در پایان پاسخ به این سؤال باقی می ماند که «روحانیّت در برابر نقصها و منکرات اجتماعی چه موضعی باید اتخاذ کند؟»

آیا باید موضع انکار و تردید را فراروی خود قرار دهد؟ آیا تنها راه نجات در شرایط کنونی سکوت و تأیید است؟

و آیا چاره جویی و تنقید هم به مشکلات کمک می کند و هم روحانیّت را به رسالت روشنگری و هدایتگری خود باز می گرداند؟

سکوت و هماهنگی در برابر این انحرافها و بیماری های مُ سری و نادیده گرفتن آنها، با عقل انسان سازگار نیست . روحانیّت باید ضمن دفاع از کلیّت نظام و رهبری انقلاب و اذعان به وجود

مدیرانی مؤمن و دلسوز، به مردم بفهماند رفع مشکلات و دیندار شدن مردم در همه سطوح است و الا هر چه هم مدیرانی را تغییر دهند، باز هم ممکن است فرد ناصالح

دیگری به همراه مشکلات فراوان دیگری جایگزین شود؛ روحانیون باید فریاد مظلومانة جوانان بی پناه جامعه ، مشکل طلاق و بی حجابی یا پوششهای فساد انگیز و دیگر مشکلات را بیان کنند و بی تفاوت از کنار آن نگذرند.

تلاش در سطح خانواده ها، مدارس، مساجد، محلات و روستاها ، برای کاهش مشکلات اجتماعی از یک سو و پژوهش، ریشه یابی و ارائه راهکار به مجلس و دولت و تصمیم گیران عالی، وظیفه ای عمومی و در صدر همه، رسالت عالمان دین و مبلّغان گرامی است.

همچنین روشنگری فکر و ذهن جوانان و خانواده ها و پیشگیری از گسترش مشکلات اجتماعی، بخشی از وظیفه مبلّغان گرامی است . حرام خواری، تنبلی، ضعف ایمان، وابستگی فکری و سیاسی به دشمنان اسلام و ... بزرگ ترین خطرهای در کمین امت اسلامی است و مشکلات، مولود ای بیماریهاست.

رسول گرامی اسلام (ص) چنین فرمود: «أَخَافُ

عَلَيْكَ أُمَّيْهِمْ نَبْعِي ثَلَاثًا: ضَلَالَةٌ
 الْآهَ وَآءٍ وَابْتِغَاءُ الشَّرِّ هَوَاتٍ فِي
 الْبَطْنِ وَنِ وَالْفُرُوجِ وَالْعِفْلَةَ بَعْدَ
 الْمَعْرِفَةِ؛^۱ بر اتم پس از
 خویش از سه چیز بیم
 دارم: گمراهی فکری،
 پیروی از خواسته های
 شکم و شهوت و غفلت از
 خدا، قیامت و باورهای
 اسلامی».

همکاری دشمنان
 خارجی با فریب
 خوردگان داخلی در
 ایجاد اختلافات و
 انحرافات فکری و
 مذهبی و ترویج مصرف
 گرایی و تحریک غرایز
 حیوانی و تردید افکنی
 و غفلت از مبدأ و
 معاد، از جمله نقاطی
 است که باید مدیران و
 مبلّغان گرامی روی
 آنها بیش از پیش حسّاس
 شوند و با آنها
 مبارزه کنند.

وَالسَّلَامُ

۱. نهج الفصاحة، ابوالقاسم
 پاینده، نشر دنیای دانش،
 تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص
 ۱۷۲، کلام ۱۱۴.

در عزای اولین وصی

مرثیه امیرالمؤمنین علی (ع)

جعفر واضحی

اشاره

دهه پایانی ماه مبارک رمضان، مصادف با حزن و اندوه شیعیان جهان در سوگ امیرمؤمنان، علی (ع) است! پیروان قرآن و اهل بیت (به این مناسبت مجالس عزاداری و سوگواری برپا می دارند و در شهادت اولین وصی رسول گرامی اسلام (ص) روضه خوانی و مرثیه سرایی می کنند. به همین مناسبت، گوشه ای از مرثیه و مصائب شهادت آن حضرت ارائه می شود.

نحوه ارائه این مرثیه به ترتیب اجزاء مرثیه است؛ یعنی در ابتدا فرازی از زیارت آن حضرت و سپس به

روایت مرتبط با مرثیه، شعر مرثیه، متن مرثیه و گریز مناسب اشاره می شود:

مرثیه اول: ضربت خوردن

۱. فرازی از زیارتنامه یا سلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبُؤْسِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّبُّ الْعَظِيمُ، أَلَسَّ لَأْمٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّ دِيقُ الشَّرِيدُ.»^۱

۲. روایت مرتبط با مرثیه: یکی از یاران پیامبر (ص) (عمرو بن شاس اسلمی) که از اصحاب حدیبیه است، می گوید: با علی بن ابی طالب (ع) به مقصد یمن همسفر شدم. در طول راه با من رفتار خوبی نداشت.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۲۸۰.

وقتی از مسافرت برگشتم، زبان به شکایت از حضرت (ع) گشودم و گلایه های من به گوش رسول خدا (ص)؛ رسید. روزی صبح برای نماز داخل مسجد شدم. نبی مکرم (ص) در جمع گروهی از یاران و اصحاب نشسته بودند. وقتی چشم حضرت به من افتاد، نگاه تندی در من کرد تا نشستم، پس فرمود: ای عمرو! آگاه باش که مرا آزرده کردی. عرض کردم: پناه می برم به خدا که شما را آزرده باشم، ای رسول خدا! حضرت فرمود: هر کس علی را آزار دهد، مرا آزار داده است.^۱

۳. شعر مرثیه:

یا رب عنایتی کن، امشب
سحر نگرده
تا کاخ آرزوها، زیر و
زیر نگرده
عازم به سوی مسجد، الگوی
عدل و داد است
کاری بکن که منبر، بی
دادگر نگرده
قاتل در انتظار و محراب
تشنه خون
لطفی بکن که مولا، از
خانه در نگرده
ای خواب! همتی کن، شاید
علی بخوابد
تا گلشن ولایت، بی برگ و
پر نگرده
تا سفره یتیمان، بی آب و

نان نماند
باید پدر بماند، تا دیده
تر نگرده
از هر طریق ممکن، مسدود
کن تو راهش
ورنه ز جان مولا، دفع خطر
نگرده
در نزد ام کلثوم، امشب
اگر بماند
ورد زبان زینب، پدر پدر
نگرده
خون جگر نبارد، از دیده
زینب او
شمشیر کین به فرقش، گر
کارگر نگرده
۴. متن مرثیه:

امیرالمؤمنین امشب
(شب نوزدهم ماه مبارک
رمضان) افطار خانه
دخترش ام کلثوم می همان
است. دختر خیلی بابا
را دوست دارد؛ دور
بابا می گردد. با
دستان خود نان پخته و
سفره را آماده کرد.
خوشحال است که پدر
می همان اوست. برای پدر
دو قرص نان با ظرفی
شیر و نمک آورد. بابا
نماز خواند و بعد از
نماز، همین که چشمش به
سفره افتاد، گریه کرد
و فرمود: دخترم! مگر
نمی دانی هر کس خوراک
و پوشاکش در دنیا بهتر
باشد، روز قیامت توقفش
(برای حسابرسی) بیش تر
است؟ ظرف شیر را
بردار! علی با نان جو

۱. المسند، احمد بن محمد حنبل، دار الحدیث، قاهره، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸۳؛ المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، انتشارات علامه، قم، بی تا، ج ۳، ص ۳۱۱.

۲. ای قلبها بسوزید، حسن فرح بخشیان (معروف به ژولید ه نیشابوری)، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۵.

و نمک افطار کرد . ام کلثوم دید بابا دای می نماز می خواند . گاهی به بیرون می رود و به آسمان نگاه می کند و عرضه می دارد: «اللَّهُمَّ بَلِّرْكَ لِي فِي مَمِّ وَبِي؛ خدایا! مرگ را برای من مبارک کن.» بابا زمزمه می کند: [إِنَّ لِلَّهِ وَ إِنَّ إِلَهَهُ رَاجِعٌ وَن] ام کلثوم بگوید: بابا! چه شده که دایم به بیرون می روید و به آسمان نگاه می کنید و کلمات استرجاع را به زبان می آورید؟ حضرت فرمود: در خواب دیدم که پیامبر (ص) فرمود: یا علی! آماده پذیرایی از تو هستم.

حضرت به مسجد آمد . چراغهای مسجد خاموش بود . چند رکعت نماز خواند . اذان گفت و مدام صلوات می فرستاد . صدا زد : «الصلاة الصلاة» بلند شوی د نماز بخوانید! خودش هم به نماز ایستاد (الله اکبر! بسم الله الرحمن الرحيم) . از رکوع برخاست و به سجده رفت؛ اما ای کاش علی امشب نه مسجد می رفت، نه به سجده؛ چرا؟ چون همین که سر از

سجده برداشت ، شیب ملعون صدا زد : «اللَّهُ الْحَكْمُ يَا عَلِيُّ لَا لَكَ وَلَا لِصَاحِبَيْكَ»؛ ابن ملجم نانجیب شمشیرش را بلند کرد ، همین جمله را تکرار کرد و چنان ضربه ای به فرق مبارک امیرالمؤمنین (ع) و بر جای زخم «عمر و بن عبدود» زد که تا جای سجده (پیشانی) شکافته شد. حضرت صدا زد : «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَوَيْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»؛ قسم به خدای کعبه رستگار شدم. مردم به داخل محراب دویدند و دیدند حضرت خاک بر می دارد، بر فرق شکافته می گذارد و می گوید: «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ؛ این همان وعده ای است که خداوند و رسولش به ما داده اند.» خون فرقی بر محاسن شریفش جاری و محاسن پر از خون شد . زمین لرزید، آسمانها متزلزل شد، درهای مسجد به هم خورد و صدای ملائکه بلند شد . باد سیاهی وزید و جبرئیل صدا زد : «تَهَدَّيْتُمْ وَ اللَّهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ أَنْطَمَسَتْ وَ اللَّهُ نُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ النَّقَى وَ أَنْفَصَمَتْ وَ اللَّهُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى فُقِلَ ابْنُ عَمِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى فُقِلَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى فُقِلَ

عَلِيَّ الْمُرْتَضَى قَتْلَ وَ اللَّهِ سَيِّدِ

الأَوْصِيَاءِ قَتْلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ ؛^۱

به خدا قسم ! بنیانهای هدایت ویران شد . به خدا قسم ! ستاره های آسمان و نشانه های تقوا از بین رفت . به خدا قسم ! ریسمان محکم الهی گسیخته شد؛ پسر عموی محمد مصطفی (ص)

کشته شد . جانشین برگزیده کشته شد . علی مرتضی کشته شد . به خدا قسم ! آقای اوصیا کشته شد . او را شقی ترین اشقیاء کشت.^۲

جنایتی به فراخی آسمان رخ داد که لرزه بر تن هر شیخ و شاب افتاده زتیغ زاده ملجم به درگه معبود علی به سجده محاسن خضاب افتاده

۵. گریز مناسب : (زیارت ناحیه مقدسه)

آقا جان ! یا

امیرالمؤمنین! درست

است که شمشیر به فرق

مبارک شما زدند ، درست

است که شمشیر ابن ملجم

زهر آلود بود، درست

است که آن ملعون شمشیر

را چنان زد که تا

پیشانی شما شکافته شد؛

اما فرزندان شما

ندیدند که آن نانجیب چگونه شمشیرزد؛ اما در کربلا زنان و دختران و خواهران امام حسین (ع) همین که به گودال قتلگاه نگاه کردند ،

ببینند «وَالشَّمْرُ جِ الْيَسِّ عَلَيَّ صَدْرِكَ، مَوْلِعٌ سَيَفُفُّ عَلَيَّ رَجْرِكَ،

وَأَبْصَرَ عَلَيَّ شَرِيْبِكَ بِعِيْدِهِ»؛^۳ شمر

روی سین ه ات نشسته،

شمشیرش را در گودی زیر

گلویت گذاشته و محاسن

شریفت را گرفته است.»

مرثیه دوم: تجهیز و تدفین

۱. فرازی از زیارت:

«الْسَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

الْسَّلَامُ عَلَيَّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيَّ

وَأَرِثِ عِلْمِ الرَّبِّينَ، الْسَّلَامُ عَلَيَّ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.»^۴

۲. روایت مرتبط با مرثیه:

ابن عباس نقل می

کند : حضرت رسول (ص)

خطاب به امیرالمؤمنین

(ع) فرمود : وقتی مؤمن

از دنیا می رود، همانا

آسمان و زمین چهل روز

بر او گریه می کنن د.

وقتی عالمی از دنیا می

رود، هر آینه آسمان و

زمین چهل ماه گریه می

کنند. وقتی پیامبری از

دنیا می رود، همانا

آسمان و زمین چهل سال

بر او گریه می کنند .

یا علی ! وقتی تو کشته

شوی ، قطعاً آسمان و

۴. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۱.

۵. همان، ج ۹۷، ص ۳۰۳.

۱. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۲.

۲. الارشاد، شیخ مفید، کنگره

شیخ مفید، قم، ۴۱۳ق، ج ۱، صص ۲۱۴ - ۲۱۵.

۳. ای قلبها بسوزید، ص ۲۰۵.

زمین چهل سال بر تو
 گریه می کنند.»^۱
 ۳. شعر مرثیه:
 به نسخه نیست نیازی طبیب
 را ببرید
 برای مرگ علی دست بر دعا
 ببرید
 نیاز نیست مداوا کنید
 زخم مرا
 بر آن مریض خرابه نشین
 دوا ببرید
 اگر بناست تسلی دهید بر
 دل من
 برای قاتل سنگین دلم غذا
 ببرید
 دلم برای یتیمان کوفه
 تنگ شده
 کمک کنید مرا در خرابه
 ها ببرید
 جنازه من مظلوم را چو
 مادران
 شبانه مخفی و آرام و بی
 صدا ببرید
 سلام گرم مرا در خرابه ها
 دل شب
 بر آن یتیم که خوابی ده
 بی غذا ، ببرید
 سلام من به شما ای
 فرشتگان خدا
 نبرد فاطمه با خود مرا ،
 شما ببرید
 به ملک خویش ز بیگانگان
 غریب
 مرا به دیدن یاران آشنا
 ببرید

۴. متن مرثیه:
 امیرالمؤمنین (ع)
 دیگر چیزی نمی خورد .
 مدام لبهای مبارکش
 حرکت می کرد و ذکر می
 گفت . عرق از سر و
 صورتش جاری بود. خودش

دستمال به دست گرفته
 بود و عرق از پیشانی
 مبارکش پاک می کرد .
 محمد حنفیه می گوید :
 پدرم شروع به وصیت کرد
 و فرمود : مرا بردارید
 و به محل نمازم ببرید !
 صدا زد : شما را به خدا
 می سپارم . حسن و حسین
 شروع به گریه کردند .
 به حسن فرمود : جلو
 بیا ! وقتی جلو آمد ،
 اشک چشمان او را پاک
 کرد و دستش را بر قلبش
 گذاشت و فرمود : خدا
 قلبت را به صبر قوت
 دهد ! آرام باش ! حسن
 عرض کرد : گویا ناامید
 هستید؟! فرمود : جدت را
 دیدم که فرمود : سه شب
 دیگر به ما ملحق می
 شوی و امشب شب سوم
 است. سپس به حسن رو
 کرد و فرمود : «فَعَسَّ لَارِي،
 حَرَّأَرِي وَكَفَّأَرِي وَأَحْمَلَانِي عَلَي
 جَمَلِي فِي لَسْوَتِي وَجَرَّازَةَ بَحْدَانِي فِي
 الدَّهْلِيهِ؛ إِذَا فَوَّعْنَا مِنْ أَمْرِي نَبَاؤَلَا
 مُؤَقَّحِ الْجَرَّازَةَ فَلْيَمَّوْخِرْهَا جَمَلٌ، فَلِذَا
 وَوَقَّتِ الْجَرَّازَةَ وَبَوَّكَ الْجَمَلُ، إِحْفُوا
 فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، فَلْيَلْمُوا بِي دَانَ
 حَشْرِي بِمَا حَفَّوْرَةً لَكَ أَنْ وَح (ع)
 حَفَّوْرَةً لِي فَلْيَلْمُوا بِي فِيهِ؛» شما دو
 نفر مرا غسل دهید ،
 تجهیز کنید و در تابوت
 بگذارید . بر من نماز
 بخوانید و عقب تابوت
 را بگیرید! هر جا جلوی
 تابوت به زمین آمد ،

۱. المناقب شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۰۸.
 ۲. نخل میثم ، غلامرضا سازگار ، انتشارات حق بین، قم، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۱۲۸.

همانجا قبر من است که نوح (ع) برای من حفر (آماده) کرده، مرا در آن دفن کنید!»

بدن مطهر را غسل دادند و بر بدن نازنین بابا نماز خواندند. سه پارچه کفن بر تن او پوشاندند. امام مجتبی کلنگی به دست گرفت. وقتی بر زمین زد، ناگهان دید لوحی نمایان شد که روی آن نوشته است: «هَذَا قَبْرُ قَبِيْرَةِ نُوحِ الرَّبِّيِّ لِعَلِيِّ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ دِقْبَلِ الطُّوفَانِيِّ؛ این قبر را نوح پیامبر قبل از طوفان برای علی، وصی محمد (ص) آماده کرده است.» همین که پیکر مطهر پدر را دفن کردند، صدایی شنیدند که می گفت: خدا شما را در مصیبت آقا و مولایتان صبر دهد.^۱

۴. گریز مناسب: خطاب به امام حسن و امام حسین ع عرضه بداریم: ای آقازاده ها! شما وقتی چشمانتان بر فرق شکافته بابا افتاد و پدرتان از دست رفت و پیکرش را دفن کردید، چه حالی به شما دست داد؟ با اینکه پدر شما فرقش شکافته شده

بود؛ ولی سر در بدن داشت. فرقش شکافته بود؛ اما بقیة اعضای بدنش سالم بود؛ ولی در کربلا، وقتی چشم امام سجاد (ع) به بدن قطعہ قطعہ بود، افتاد «وَمَشَرَى الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَاعْتَقَتْ وَبَكَى بَگَاءً آشَدِّبَدَا؛ او را در بغل گرفت و با صدای بلند گریه کرد.» در حالی که نه سر داشت و نه جای سالمی در بدن داشت. چه کند؟ می خواهد این بدن را دفن کند؛ اما بدن قطعہ قطعہ را چگونه بلند کند؟ صدا زد: ای بنی اسد! برایم قطعہ ای حصیر بیاورید. بدن امام حسین (ع) را میان حصیر گذاشت و دست زیر بدن برد و وارد قبر کرد. گویا مردم ببینند که امام سجاد (ع) از داخل قبر بیرون نمی آید. نگاه کنند، ببینند «فَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى مَنْحَرِهِ الشَّرِيفِ؛ (خ) م شده، لبها و صورت را بر گلوی مبارک بابا گذاشته است.»^۲

تاریخچه سیره ابراهیم در عزای اولین وصی

سپاس

۱. الارشاد، شیخ مفید، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، ص ۲۷؛ مقتل معصومین (گروهی از نویسندگان، نشر معروف، قم، ۱۳۸۶ش، ج ۱، صص ۸۱۵ - ۸۳۰).

۲. ر.ک: مقتل الحسین %، سید عبدالرزاق الموسوی المقرم، مکتبة بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ق.

غزوة بدر

محمد اسماعیل نوری زنجانی

اشاره

بنا بر قول مشهور، جمعه هفدهم رمضان المبارک سال دوم هجرت، جنگ «بدر» واقع شد که روز نزول فرشتگان برای یاری پیامبر (ص) و پیروزی حق بر باطل، عزت اسلام و ذلت کفار و روز عید مسلمانان است. بنابراین، در این روز، شکر بسیار خدا در مقابل نعمت بزرگ این پیروزی و صدقه دادن مستحب است.^۱ بنا بر قول دیگر این واقعه در نوزدهم ماه رمضان بوده است.^۲

بنابراین، در این مقاله جریان این جنگ که در سوره های آل عمران، انفال و برخی دیگر از سوره ها بدان اشاره شده، مورد بررسی مختصر قرار می گیرد. سربه ها و غزوه های پیش از غزوة بدر

همان گونه که در مقاله پیشین (مبلغان شماره ۲۰۲) اشاره شد، جنگهایی که خود پیامبر اسلام (ص) در آنها شرکت داشت، به عنوان «غزوه» و آن جنگهایی که خود حضرت حضور نداشت

«سربه» نامیده می شود؛ در تعداد آنها اختلاف است؛ ولی بنا بر قول مشهور، تعداد غزوه ها بیست و هفت و سربه ها چهل و هفت مورد می

۱. مسار الشیعه، شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵؛ الصحيح من سیره النبی الاعظم، سید جعفر مرتضی عاملی، دارالهادی - دارالسیره، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰.
 ۲. توضیح المقاصد، شیخ بهایی، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ق، ص ۲۳ (۵۳۵).

باشد.^۱
 «واقدی»، چهار سربه
 و چهار غزوه پیش از
 جنگ بدر که آن را «بدر
 القتال» نامیده، نقل
 کرده است که سربه ها
 عبارتند از : سربه
 «حمزه بن عبدالمطلب»
 با سی نفر برای تعقیب
 کاروان تجاری قریش
 رفتند . این نخستین
 سربه در اسلام بود که
 در ماه رمضان (هفتمین
 ماه بعد از هجرت) واقع
 شد و بدون جنگ پایان
 یافت. دوم سربه «عبیده
 بن حارث» با شصت نفر
 در ماه شوال (هشتمین
 ماه بعد از هجرت) بوده
 که جز پرتاب چند تیر
 به سوی دشمن، درگیری
 دیگری رخ نداد . سوم
 سربه «سعد ابی وقاص»
 با بیست نفر در ماه ذی
 القعدة (نهمین ماه بعد
 از هجرت) بود که بدون
 درگیری پایان یافت و
 چهارم، سربه «عبدالله بن
 جحش» بود که در ماه
 رجب سال دوم (هفدهمین
 ماه پس از هجرت) اتفاق
 افتاد و در این سربه
 درگیری مختصری واقع شد
 که ی کی از عوامل

پیدایش جنگ بدر به
 حساب می آید.
 و اما غزوه های پیش
 از جنگ بدر، عبارتند
 از: «غزوه ابواء» و
 لشکرکشی رسول خدا (ص)
 به سرزمین «ابواء» در
 ماه صفر (یازدهمین ماه
 پس از هجرت) در این
 غزوه نیز جنگ واقع نشد
 و پیامبر اسلام (ص) با
 قبیلۀ «بنی ضمیره»
 پیمان بست که ه بی طرف
 باشند و با دشمنان
 اسلام همکاری نکنند .
 دوم «غزوه بواط» در
 ماه ربیع الاول
 (سیزدهمین ماه پس از
 هجرت) برای تعقیب
 کاروان قریش بود که
 «امیه بن خلف» با
 دویست نفر در آن بودند
 و بدون درگیری خاتمه
 یافت. سوم، «غزوه بدر
 الاولى» بود که برای
 تعقیب «کرز بن جابر
 فهري» که گله مدینه را
 غارت کرده بود، در ماه
 ربیع الاول حرکت کردند
 و تا سرزمین «بدر»
 رفتند؛ ولی به او دست
 نیافتند.

چهارم «غزوه ذات
 العشرة» بود با یکصد و
 پنجاه (یا دویست) نفر،
 در ماه جمادی الثانیة
 (شانزدهمین ماه بعد از
 هجرت) برای تعقیب

۱. طبقات الكبرى، ابن سعد کاتب
 واقدی، دارالکتب العلمیة،
 بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص
 ۳؛ المغازی، محمد بن عمر
 واقدی، اعلمی، بیروت، چاپ سوم،
 ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷.

کاروان قریش حرکت کردند؛ ولی بہ کاروان دست نیافتند.^۱

البتہ قریش نشان می دہد کہ ہدف پیامبر اسلام (ص) از این سریہ ہا و غزوہ ہای کوچک، نہ غارت دشمنان بود و نہ جنگ و درگیری با آنها؛ بلکہ از این مانورہای نظامی ہدفہای خاصی را تعقیب می کرد، از جملہ:

۱. تہدید خط

بازرگانی قریش بہ شام؛ چون مسیر کاروانہای بازرگانی مکہ از نزدیک مدینہ بود.

۲. این حرکتہا نوعی نمایش قدرت رزمی مسلمانان و ہشداری بر مشرکان بود کہ بہ فکر حملہ نظامی بہ مدینہ نیفتند؛

۳. ہشدار ضمنی بر یہودیان مدینہ - کہ دشمنی خود را آشکار کردہ بودند - نیز بود تا دست از دسیسہ ہای خود بردارند و در صدد تحرک نظامی برنیایند.^۲

غزوہ بدر^۳

غزوہ بدر، نخستین و مهم ترین جنگ میان مسلمانان و کفار قریش بودہ است . در قرآن کریم می فرماید : **[وَلَقَدْ تَصَرَّكُمُ اللَّهُ بِيَدْرِ وَأَنْتُمْ أَدِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ]**؛ «خدا

شما را در "بدر" یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی کہ شما (نسبت بہ آنها) ضعیف و ناتوان بودید ! پس، از [نافرمانی خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر (ص) نکنید) تا شکر نعمتہای او را بہ جا آورده باشید!«

و در آیہ دیگر، این جنگ را نشانہ حقانیت پیامبر (ص) و درس عبرت برای آیندگان معرفی

کرده است و می ماید : **[إِذْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ]**؛ «در دو گروہی کہ (در میدان جنگ بدر) با ہم روبرو

۳. بدر، نام مردی بود کہ در آن سرزمین (میان مکہ و مدینہ) چاہ آبی داشت، بہ همین جہت آن سرزمین بہ نام او نامیدہ می شد و چون این جنگ در آن محل واقع شد، بہ همان نام معروف گشت .
 ۴. آل عمران/ ۱۲۳ .
 ۵. همان/ ۱۳ .

۱. المغازی، ج ۱، صص ۹ - ۱۵ .
 ۲. ر.ک: تاریخ اسلام از جاہلیت تا رحلت پیامبر اسلام -، مہدی پیشوایی، نشر معارف، قم، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۰ش، صص ۲۲۶ - ۲۲۸ .

شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود : یک گروه، در راه خدا نبرد می کردند و جمع دیگری که کافر بودند، (در راه شیطان و بت) در حالی که آنها (گروه مؤمن ان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند، (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد) و خدا، هر کس را بخواهد (و شایسته بدانند) با یاری خود، تأیید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان.»

نشانه حقانیت و مایه عبرت بودن جنگ «بدر» از این جهت است که در این جنگ نابرابر که از طرف مسلمانان فقط ۳۱۳ نفر با هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر در این جنگ شرکت کرده بودند، بر سپاه نهصد و پنجاه (یا هزار) نفری دشمن که با تجهیزات کافی به میدان آمده بودند، با یاری خدا پیروز شدند؛ به گونه ای که هفتاد نفر از آنها را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند و از لشکر مسلمانان فقط چهارده

نفر شهید شدند.^۱
حرکت سپاه اسلام

همان گونه که اشاره شد، پیامبر اسلام (ص) در جمادی الثانی (شانزدهمین ماه بعد از هجرت) با یکصد و پنجاه (یا دویست) نفر برای تعقیب کاروان تجاری قریش که به سرپرستی ابوسفی ان عازم شام بود، حرکت کرد و تا سرزمین «ذات العشیره» آنها را تعقیب نمود؛ ولی دست نیافت و به مدینه برگشت. از این رو، با اعزام مأموران اطلاعاتی به منطقه شام، از بازگشت کاروان آگاه شد و طبق نقل زمخشری : «جبرئیل به آن حضرت خبر داد.»^۲ پس رسول خدا (ص) دستور حرکت برای مصادره اموال کاروان تجاری قریش را صادر کرد (البته مسلمانان حق داشتند اموال کاروان را که تمام قبایل قریش در آن سهم بودند، به عنوان تقاص اموال خود که در مکه به وسیله مشرکان

۱. ر.ک: بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۲۰۶؛ مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۲، صص ۷۰۸-۷۰۹.
 ۲. الکشاف عن حقائق التنزیل، محمود زمخشری، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۷.

غارت شدہ بود، مصادره نمایند).

به هر حال هشتم یا دوازدهم ماه رمضان سال دوم هجرت با ۳۱۳ نفر (۷۷ نفر آنها از مهاجران و ۲۳۶ آنها از انصار بودند و پرچم مهاجران در دست علی (ع) و پرچم انصار در دست سعد بن معاذ بود) به قصد مصادرة اموال کاروان قریش حرکت کردند.^۱

بعضی از مسلمانان، از این حرکت و رفتن به جنگ مشرکان کراهت داشتند و راضی نبودند، چنانچه در قرآن می فرماید: [كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهِونَ * يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ]؛ «همان گونه که خدا تو را به حق از خانه ات (به سوی میدان) بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند. آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می کردند (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود که) گویی

به سوی مرگ رانده می شوند، و [آن را] با چشم خود می نگرند.» از عبارت [فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ] معلوم می شود که این ناخشنودی و مشاجره به خاطر بی ایمانی نبوده؛ بلکه در اثر ضعف ایمان و نداشتن بصیرت و بینش کافی در مسائل اسلامی بوده است، و دیگر اینکه تنها عده محدودی این چنین بودند و اکثریت مسلمانان تسلیم فرمان پیامبر (ص) و از مجاهدین راستین بودند. **پیک ابوسفیان به سوی مکه** وقتی ابوسفیان از حرکت مسلمانان مطلع شد، شخصی به نام «ضمضم بن عمرو غفاری» را مأمور کرد سریع این خبر را به مکه برساند. او در حالی وارد مکه شد که گوش شتر خود را بریده، بینی آن را شکافته و پیراهن خود را پاره کرده و بر روی شترش ایستاده بود و فریاد می زد: ای مردم! اموال تجاری شما در خطر است. محمد و یاران او می خواهند آنها را غارت کنند. به فریاد برسید!^۲

۱. منشور جاوید، جعفر سبحانی، مؤسسه امام صادق %، قم، چاپ ششم، ۱۳۹۴ش، ج ۶، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.
۲. انفال/ ۵ - ۶.

۳. المغازی، ج ۱، ص ۲۸.

حرکت سپاه قریش

ضمضم بن عمرو، با آن وضعیت دلخراشی که ایجاد کرده بود، خون مردم مکه را به جوش آورد و تمام بزرگان قریش و ج نگجویان را آماده حرکت کرد، و کسانی را که مایل نبودند، مجبور نمودند و گفتند: هر کس نیاید، خانه اش را خراب می کنیم. امیه بن خلف شنیده بود که پیامبر (ص) فرموده: امیه به دست مسلمانان کشته خواهد شد، نمی خواست برود؛ ولی او را از طریق استهزاء راضی کردند. تا این که حدود هزار نفر جنگجو با تجهیزات کامل همراه زنان آوازه خوان، با طبل و دف و ساز و حالت غرور و تکبر حرکت کردند.^۱

قرآن کریم به این حالت اشاره کرده و مؤمنان را از این گونه کارهای ابلهانه نهی فرموده است: [وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَمَّا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ]؛^۲ «و مانند کسانی نباشید که

از روی هوا پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود (به سوی میدان بدر) بیرون آمدند و (مردم را) از راه خدا باز می داشتند (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند، احاطه (و آگاهی) دارد.»
وعدۀ رویارویی با یکی از دو گروه

سپاه اسلام پس از طی منازل در محلی به نام «ذفران» در نزدیکی «بدر» اردو زد و منتظر رسیدن کاروان بود که ناگهان به پیامبر (ص) خبر رسید سپاه بزرگی از مکه حرکت کرده و به سوی بدر می آید.

حضرت طبق دستور الهی [وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ]؛^۳ «و در کارها، با آنان مشورت کن؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن!» از اصحاب خود نظرخواهی کرد.

ابوبکر از قدرت مشرکان قریش سخن گفت و عدم آمادگی مسلمانان برای جنگ با سپاه بزرگ را مطرح کرد و مصلحت را در این دید که به

۱. ر.ک: همان، صص ۳۵ - ۳۹؛ مجمع البیان، ج ۴، صص ۸۰۲ - ۸۰۳.
۲. انفال/ ۴۷.

۳. آل عمران/ ۱۵۹.

مدینہ برگردند؛ اما حضرت فرمود: بنشین. بعد از او عمر برخاست و او نیز مثل ابوبکر حرف زد، حضرت به او نیز فرمود : بنشین.

سپس مقدار برخاست و عرض کرد : یا رسول اللہ! ما به تو ایمان آورده ایم. به خدا سوگند! هر دستوری بدهی، انجام خواهیم داد. ما مثل بنی اسرائیل نیستیم کہ به موسی (ع) گفتند : **فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ** ^۱؛ بلکه می گوییم : **[إِمْضِ لِأَمْرِ رَبِّكَ فَإِنَّا مَعَكَ مُقَاتِلُونَ]**؛ «به دستور پروردگارت عمل کن، ما همراه تو می جنگیم.» حضرت از سخنان او خوشحال شد و برای وی دعای خیر نمود، سپس برای اینکه نظر انصار را نیز به دست آورد، بار دیگر نظرخواهی فرمود کہ «سعد بن معاذ» برخاست و عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت باد! شاید منظورتان ما هستیم. حضرت فرمود : آری. معاذ عرض کرد: یا رسول اللہ! ما به شما ایمان آورده ایم و

تصدیق کرده ایم کہ آیین تو از جانب خدا و حق است، پس هرچه می خواهی، دستور بده، به خدا سوگند! اگر دستور بدهی به این دریا (اشاره به بحر احمر) وارد شویم، اطاعت خواهیم کرد. حضرت خوشحال شد و دستور حرکت به سوی «بدر» را صادر و فرمود: خدا پیروزی بر یکی از دو طایفه (کاروان تجاری ابوسفیان و سپاه قریش) را وعده داده و تخلف نمی کند. گویی من اکنون محل کشته شدن ابوجهل، عتبہ بن ربیعہ، شیبہ بن ربیعہ و فلان و فلان را می بینم. سخنان حضرت اشاره به این بود کہ با سپاه قریش برخورد می کنیم و بر آنان پیروز می شویم؛ ولی مسلمانان مایل بودند کہ با کاروان تجاری کہ اسلحه و نیروی کم تری دارند و پیروزی بر

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۰۳ و ۸۰۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، علامہ سید محمدحسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۵ - ۲۶؛ الصحيح من سیرة النبی الاعظم، ج ۵، صص ۲۱ - ۲۹؛ السیرة الحلبیة، ابوالفرج حلبی شافعی، دارالکتب العلمی، ۵، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق، ج ۲، صص ۲۰۶ - ۲۰۷.

۱. مائده / ۲۴: «تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم.»

آنان آسان است، برخوردار نمایند. چنان که می فرماید: [وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطَلَ الْبَاطِلُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ]؛» (به یاد آرید) هنگامی را که خدا به شما وعده داد که یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود و شما دوست می داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید!)؛ ولی خدا می خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند (از این رو، شما را بر خلاف میل تان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیب تان شد) تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هرچند مجرمان کراهت داشته باشند.»

اختلاف میان قریش

وقتی ابوسفیان از حرکت سپاه اسلام آگاه شد، مسیر کاروان را تغییر داد و آن را از بیراهه برد تا از دسترس سپاه اسلام دور

سازد، سپس به وسیله قاصدی به سپاه قریش پیام داد: «شما از مکه برای نجات کاروان تجاری بیرون آمدید، حال که کاروان نجات یافته است، مبارزه با محمد لزومی ندارد؛ چون او به حد کافی دشمنانی از عرب دارد.» با رسیدن این خیر، اختلاف عجیبی میان آنان به وجود آمد. قبیله بنی زهره و اخنس برگشتند و طالب (برادر حضرت علی) که به اجبار قریش آمده بود، برگشت. بنی هاشم نیز خواستند برگردند که ابوجهل مانع شد و برخی از سران قریش نیز مایل به برگشت بودند؛ ولی ابوجهل - که فرمانده سپاه کفر بود - گفت: باید به منطقه بدر برویم و سه روز در آنجا بمانیم، شتر بکشیم و بخوریم، شراب بنوشیم و زنان آوازه خوان برای ما آواز بخوانند تا قدرت ما به گوش عرب برسد و همواره از ما بترسند.^۲

اجتماع دو سپاه در «بدر» سخنان فریبنده

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۰۵؛ المیزان، ج ۹، ص ۲۷؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۵، صص ۱۷ - ۲۱؛ تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، دار التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۳۸ - ۴۳۹.

ابوجہل، قریش را بر آن داشت کہ بہ سوی «بدر» حرکت کنند و در نقطہ مرتفعی از آن سرزمین، پشت تپہ ای فرود آیند کہ بہ طرف مکہ بود. از آن طرف، سپاہ اسلام نیز عصر پنجشنبہ، شانزدہم ماہ رمضان بہ «بدر» رسید و در قسمت پایین آن تپہ کہ بہ طرف مدینہ بود، فرود آمد و شب جمعہ ہفدہم ماہ رمضان ہر دو سپاہ در سرزمین «بدر» بودند.^۱

موقعیت ہر دو سپاہ در قرآن چنین بیان شدہ است: **إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَاسْمِيعٌ عَلِيمٌ**^۲؛ «در آن هنگام کہ شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا (و دشمن بر شما برتری داشت) و کاروان (قریش) پایین تر از شما بود (و دسترسی بہ آن ممکن نبود، و وضع چنان سخت بود کہ) اگر با یکدیگر وعدہ می گذاشتید کہ در میدان

نبرد حاضر شوید) ، در انجام وعدہ خود اختلاف می کردید؛ ولی (تمام اینها) برای آن بود کہ خداوند، کاری را کہ می بایست انجام شود، تحقق بخشد، تا آنها کہ ہلاک (و گمراہ) می شوند، از روی اتمام حجت باشد؛ و آنها کہ زندہ می شوند (و ہدایت می یابند) ، از روی دلیل روشن باشد، و خدا شنوا و داناست.»

مسلمانان از لشکرگاہ مشرکان بہ دلیل وجود تپہ هایی کہ میان آنان بود، خبر نداشتند. پیامبر (ص) چند نفر را بہ ریاست حضرت علی (ع) برای کسب خبر فرستاد. آنان با ساقی های قریش برخورد کردند و دو نفر از آنان را اسیر کردہ و آوردند و پس از بازجویی از آنان، محل استقرار، تعداد و افراد معروف سپاہ کفر معلوم شد. حضرت فرمود: «مکہ، جگرگوشہ های خود را بہ سوی شما روانہ کردہ است.»

خبر رسیدن سپاہ اسلام نیز بہ وسیلہ یکی از ساقیان کہ فرار کردہ بود، بہ مشرکان رسید و از ترس حملہ مسلمانان، آن شب نتوانستند

۱. المغازی، ج ۱، ص ۵۲؛ الصحيح من سیرة النبی الاعظم، ج ۵، ص ۳۴.
۲. انفال/ ۴۲.

بخوابند و چنان رعب و وحش در دلشان افتاده بود که نتوانستند گوشتهایی را که کباب کرده بودند، بخورند؛ اما در طرف سپاه اسلام، به لطف خدا و با شنیدن وعده پیروزی از زبان مبارک پیامبر (ص) راحت بودند و خوابیدند: **إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُدْهَبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يَثْبِتَ بِهِ الْأَقْدَامَ**؛^۱

»(به یاد آورید (هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد.»

از حضرت علی (ع) روایت شده که فرمود: **«آن شب همه خوابیدند، جز رسول خدا (ص) که در کنار درخت خاری ایستاده و تا صبح مشغول نماز بود.»**^۲

علاوه بر نعمت خواب، نزول باران نیز در آن شب نعمت بزرگی بود که در آیه فوق از آن یاد شده است؛ زیرا چاه ها در اختیار دشمن بود؛ اما با آمدن باران، مسلمانان برای نوشیدن و شستشو از آب باران استفاده کردند و حوضی را پر کردند، و نیز لشکرگاه مسلمانان شن زار بود که با نزول باران جای پایشان محکم شد و با دیدن این الطاف الهی، دلهایشان محکم و قوی گشت

صف آرای دو سپاه
صبح روز جمعه هفدهم ماه رمضان پیامبر (ص) به آرایش صفوف پرداخت و فرمود: نگاه هایتان را به پای ین اندازید، حرف نزنید و آغاز به جنگ نکنید.

قریش برای آگاهی از تعداد سپاه اسلام «عمیر بن وهب» را مأمور کرد. او با اسب خود اطراف اردوگاه مسلمانان را گشت و شمار لشکر اسلام را حدود سیصد نفر تخمین زد؛ اما برای اطمینان از نبود کمین یا نیروی کمکی، گشت

دیگری زد، سپس آمد و گفت: مسلمانان کمین و پناهگاهی ندارند؛ ولی شترانی را دیدم که از

۱. همان/ ۱۱.
۲. **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۴۷: تاریخ الامم، طبری، ج ۲، صص ۴۲۶ - ۴۲۷.**

مدینہ برای شما مرگ را
سوغات آورده اند .
افرادی را دیدم کہ جز
شمشیرهای خود پناہگاہی
ندارند و ہر کدام از
آنان تا یک نفر از شما
را نکشد، کشتہ نخواہد
شد . نمی بینید کہ
خاموشند و حرف نمی
زنند و همچون افعی های
کشنده زبانہای خود را
در اطراف دہان خود
گردش می دہند؟

سخنان عمیر بن وہب
تأثیر زیادی در تضعیف
روحیہ سپاہ قریش، بہ
ویژہ سران آن گذاشت،
بہ گونه ای کہ بزرگان
چون حکیم بن حزم و
عتبہ بن ربیعہ، برای
بازگرداندن سپاہ بہ
مکہ سعی بسیاری کردند؛
ولی ابوجہل مانع شد و
گفت: آنها یک لقمہ بیش
تر نیستند کہ اگر ما
غلامان خود را بفرستیم،
تمام آنها را اسیر می
کنند و می آورند!^۱
از این طرف، رسول

خدا (ص) بہ حکم آیہ: **وَإِنْ جَاحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْجِحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**^۲؛
«و اگر تمایل بہ صلح
نشان دہند، تو نیز از

در صلح درآی و بر خدا
توکل کن کہ او شنوا و
دانا است!» بہ سپاہ قریش
پیام فرستاد: «من مایل
نیستم با شما بجنگم،
پس شما مرا بہ عربہا
واگذارید و برگردید!»
در اینجا نیز «عتبہ»
فعالیت بسیاری کرد کہ
جنگی صورت نگیرد؛ ولی
ابوجہل با خشم و
عصبانیت گفت: تو ترسو
ہستی و از روی ترس این
حرفہا را می زنی! عتبہ
با خشم گفت: ترسو تویی
کہ فلان جایت صفیر می
زند! آیا من ترسو
ہستم؟ بہ زودی قریش
خواہد دید کہ کدام یک
از ما ترسو است؟ این را
گفت و فوری رفت و لباس
رزم پوشید و بہ ہمراہ
برادرش «شیبہ» و پسرش
«ولید» آمادہ جنگ
شدند.^۳

نبرد تن بہ تن

بہ دنبال گفتگوی
تند عتبہ و ابوجہل،
اولین کسانی کہ قدم بہ
میدان گذاشتند، عتبہ،
شیبہ و ولید بودند کہ
بہ میدان آمدند و
مبارز طلبیدند. سہ نفر
از انصار بہ میدان
رفتند؛ ولی آنها
گفتند: ما با شما نمی
جنگیم . برگردید ! و

۳. الصحيح من سيرة النبي
الاعظم، ج ۵، ص ۳۹؛ بحار الانوار،
ج ۱۹، ص ۲۴.

۱. المغازی، ج ۱، صص ۶۲ - ۶۵؛
الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج
۵، صص ۳۷ - ۳۹؛ بحار الانوار،
ج ۱۹، ص ۲۲۴.
۲. انفال/ ۶۱.

فرياد زدند: يا محمد!
 كسانى در شان ما از
 قريش به ميدان بفرست!
 رسول خدا (ص)، عبیده
 بن حارث بن عبدالمطلب
 (هفتاد ساله) را به
 مبارزه عتبه، حمزه را
 به مبارزه شيبه، و
 حضرت على (ع) را به
 مبارزه وليد فرستاد.
 حضرت على (ع) زودتر از
 آنها حريف خود را کشت
 و سپس به کمک عمويش
 حمزه شتافت و شيبه را
 کشتند، سپس هر دو به
 يارى عبیده که يک پايش
 قطع شده بود، رفتند و
 عتبه را نيز که به دست
 عبیده مجروح شده بود،
 کشتند و بدن مجروح
 عبیده را نزد پيامبر
 (ص) آوردند، وى عرض
 کرد: يا رسول الله! آيا
 من شهيد نيستم؟
 فرمود: «بَلَىٰ أَرَأَيْتَ أَوَّلَ شَهِيدٍ مِّنْ
 أَهْلِ بَيْتِي؟»^۱ آرى، تو اولين
 شهيد از خويشاوندان من
 هستى. «؛ زيرا عبیده
 پسرعموى پيامبر (ص)
 بود.^۲
حمله عمومي

بعد از هلاکت آن سه
 نفر، حمله عمومي آغاز

۱. بجار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۲۵؛
 الميزان، ج ۹، ص ۴۸؛ الصحيح من
 سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۴۵
 - ۴۷.

۲. عبیده هنگام برگشت به
 مدينه، در «صفراء» به شهادت
 رسيد و همانجا دفن شد
 (الميزان، ج ۹، ص ۲۹).

شد. ابوجهل که فرمانده
 سپاه قريش بود، گفت:
 عجله نکنيد و مانند
 فرزندان ربيعه غرور به
 خرج ندهيد. سعى کنيد
 اهل مدينه را بکشيد و
 اهل مکه را اسير کنيد
 تا آنان را به مکه
 ببريم و گمراهى آنها
 را به مردم نشان دهيم.
 در اين حال، شيطان
 به صورت سراقه بن مالک
 بن جشعم (از اشراف
 قبيلة بنى کنانه)
 درآمد و گفت: نترسيد!
 من ياور شما هستم.
 پرچم را به من دهيد.
 آنها نيز پرچم طرف چپ
 سپاه را که در دست
 قبيلة «بنى عبد الدار»
 بود، به او دادند.

در قرآن به اين مطلب
 چنين اشاره فرموده است
 وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ
 لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي
 جَارٌّ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ تَكَصَّرَ
 عَلَى عَقْبِيهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ
 إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ
 وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۳؛ «و (به
 ياد آور) هنگامى را که
 شيطان، اعمال آنها
 [مشركان] را در نظرشان
 جلوه داد و گفت: امروز
 هيچ کس از مردم بر شما
 پيروز نمى گردد و من
 همسايه (و پناه دهنده)
 شما هستم؛ اما هنگامى

کہ دو گروہ (کافران و مؤمنان) مورد حمایت فرشتگان (در برابر یکدیگر) قرار گرفتند، بہ عقب برگشت و گفت من از شما بیزارم۔ من چیزی می بینم کہ شما نمی بینید۔ من از خدا می ترسم و خدا سخت کیفر است!»

وقتی پیامبر اکرم (ص) شیطان را دید، بہ اصحاب خود فرمود: نگاہ ہایتان را بہ پایین اندازید و دندانہایتان را روی ہم بگذارید (کنایہ از اینکہ خود را کنترل کنید و استوار باشید) ! آنگاہ دستہایش را بہ سوی آسمان بلند کرد و عرضہ داشت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنَّ تَهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةُ لَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ؛ خدایا ! وعدہ پیروزی کہ بہ من دادہ ای محقق فرما۔ خدایا ! اگر این جمعیت کشتہ شوند، در زمین عبادت نمی شوی.» سپس حالت وحی بہ او عارض شد۔ پس از آنکہ بہ حال خود آمد، در حالی کہ عرق صورت مبارک خود را پاک می کرد، فرمود: «هَذَا جِبْرَائِيلُ قَدْ آتَاكُمْ فِي أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ این جبرئیل است کہ با ہزار فرشتہ ای کہ دنبال ہم می آیند،

بہ یاری شما آمدہ است.» در قرآن نیز بہ این مطلب اشارہ کردہ، می فرماید: [إِذْ تَسْتَفِيئُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَإِلْتِطْمِئِنَّ بِه قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ] ۲: «(بہ خاطر بیاورید) زمانی را کہ (از شدت ناراحتی در میدان بدر) پروردگارتان کمک می خواستید و او خواستہ شما را پذیرفت (و گفت:) من شما را با ہزار فرشتہ کہ پشت سر ہم فرود می آیند، یاری می کنم و این را برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ وگرنہ، پیروزی جز از طرف خدا نیست و خدا توانا و حکیم است.» بنا بہ روایت ابن عباس: طبق دستور جبرئیل (ع)، رسول خدا (ص) در جنگ بدر بہ حضرت علی (ع) فرمود: یک مشت خاک بردار بہ من بدہ ! امیرالمؤمنین (ع) یک مشت ریگ مخلوط با خاک برداشت و بہ پیامبر (ص) داد، حضرت آن را بہ

۱. المیزان، ج ۹، ص ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۹، صص ۲۲۵ - ۲۲۶۔
۲. انفال/ ۹ - ۱۰۔

سوی سپاه دشمن باشید و فرمود: «شَاهَتِ الْوُجُوهُ؛ زشت باد صورتها!» هیچ مشرکی باقی نماند، مگر اینکه از آن خاک به چشم، دماغ و دهانش رفت و همین معجزه باعث شکست دشمن شد.

همچنان که در آیه زیر، برای اینکه مسلمانان از پیروزی جنگ بدر مغرور نشوند و تنها بر نیروی جسمانی خود تکیه نکنند؛ بلکه همواره دل و جان خود را به یاد خدا و امدادهای او گرم و روشن نگهدارند، می فرماید:

﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * ذَلِكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدَ الْكَافِرِينَ﴾^۲؛ «این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خدا آنها را کشت، و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنان ریختی؛ بلکه خدا ریخت، و خدا می خواست مؤمنان را بدین وسیله امتحان خوبی کند؛ خدا شنو ا و داناست. (سرنوشت مؤمنان و کافران) همان بود (که دیدید) و خدا سست کننده

را بدین وسیله امتحان خوبی کند؛ خدا شنو ا و داناست. (سرنوشت مؤمنان و کافران) همان بود (که دیدید) و خدا سست کننده

۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۲۹؛
الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۵۱ - ۵۲.
۲. انفال/ ۱۷ - ۱۸.

نقشه های کافران است» در این جنگ، پیامبر (ص) با قدرت و صلابت می جنگید. در این باره از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود: «لَمَّا كَانَ يَوْمَ بَدْرٍ وَ حَضَرَ الْبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ، فَكَانَ مِنَ أَشَدِّ النَّاسِ بَأْسًا، وَ مَا كَانَ مِنَّا أَحَدٌ أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ»^۳؛

هنگامی که جنگ بدر شد و لحظه سختی (و ترس) فرا رسید، ما به رسول خدا (ص) پناه بردیم، او از قوی ترین مردم بود و هیچ کدام از ما نزدیک تر از او به دشمن نبودیم.»

نقل شده است که پیامبر (ص) در حال جنگ، این آیه را می خواند: ﴿سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ * بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمْرٌ ۚ﴾ «به زودی جمعشان شکست می خورد و پا به فرار می گذارند! (علاوه بر این) رستاخیز موعود آنهاست، و مجازات قیامت (هولناک تر و) تلخ تر است!»^۴

۳. تاریخ الامم، ج ۲، ص ۴۲۶؛
البدایة و النهایة، ابن کثیر دمشقی، دارالفکر، بیروت، ج ۶، ص ۳۷؛
الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۴۴.
۴. تاریخ الامم، ج ۲، ص ۴۴؛
الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۴۲.
۵. قمر/ ۴۵ - ۴۶.

۶. این آیات در مکه نازل شد و در جنگ بدر تحقق یافت؛ چون در این سوره پس از اشاره به هلاکت

ابن ہشام گفته است :
در جنگ بدر، شعار
اصحاب پیامبر (ص) این
بود کہ می گفتند: «أَحَدٌ
أَحَدٌ»^۱.

ہنگامی کہ عبداللہ بن
مسعود، سر بریدہ
ابوجہل را (کہ فرعون
این امت و رئیس
پیشوایان کفر بود)
خدمت پیامبر (ص) آورد،^۲
حضرت بسیار خوشحال شد
و بہ درگاہ خدا عرض
کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَدْ أَنْجَرْتَ مَا
وَعَدْتَنِي فَنَمَمَ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ ؛
خدایا ! وعدہ ای را کہ
بہ من دادہ بودی، محقق
ساختی، پس نعمت خود را
بر من تکمیل فرما!»
ہمچنین ، وقتی کہ

«نوفل بن خویلد » بہ
دست حضرت علی (ع) بہ
ہلاکت رسید، پیامبر (ص)
تکبیر گفت و فرمود :
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَجَابَ دَعْوَتِي فِيهِ ؛^۳
سپاس خدای را کہ
نفرینم را دربارہ او
اجابت فرمود.»
از رسول خدا (ص)
روایت شدہ : «ہرگز
شیطان بہ اندازہ روز
عرفہ، حقیر و درماندہ
و ناراحت نشدہ - بہ
خاطر ای نکہ در آن روز
نزول رحمت خدا و بخشش
گناہان بزرگ را می
بیند - جز روز جنگ بدر
کہ در آن روز نیز نزول
جبرئیل و فرشتگان دیگر
را دید و بسیار ناراحت
و حقیر شد.»^۴

اولین فرارکنندہ از
سپاہ کفر، شیطان بود
کہ بہ شکل سراقہ بن
مالک (از بزرگان قبیلہ
کنانہ) ہمراہ سپاہ کفر
آمدہ بود و نزدیک زوال
خورشید بود کہ دیدہ شد
با صدای بلند فریاد می
کشد : «يَا وَيْلَاهُ يَا حُرَّتَاهُ وَيَا
حَسْرَتَاهُ» و فرار می کند.^۵
ہمچنان کہ گذشت، در
قرآن نیز بہ این مطلب
اشارہ شدہ است : [فَلَمَّا
تَرَاَتِ الْفِتَانَ تَكْصَرَ عَلَيَّ

قوم نوح، عاد، ثمود و قوم لوط
و آل فرعون، خطاب بہ قوم
پیامبر اسلام - اعم از مؤمن و
کافر - می فرماید: [أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ
مِّنْ أَوْلِيكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي
الزُّبُرِ * أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ
مُّنْتَصِرُونَ] (قمر / ۴۳ - ۴۴)؛ «آیا
کفار شما بہتر از آنانند یا
برای شما امان نامہ ای در کتب
آسمانی نازل شدہ است؟ یا
می گویند: ما جماعتی متحد و
نیرومند و پیروزیم!» و در
آیات فوق، خیر از شکست دنیوی و
عذاب اخروی آنها دادہ است، و
چون پیامبر - می دانست کہ این
وعید الہی در این جنگ محقق
خواہد شد، آیہ فوق را بہ عنوان
«شعار جنگ» تلاوت می کرد و این
خود یکی از دلایل حقانیت نبوت
آن حضرت بود. (ر.ک: تفسیر کنز
الدقائق و بحر الغرائب، محمد
بن محمد رضا قمی مشہ ذی، وزارت
ارشاد اسلامی، تہران، چاپ اول،
۱۳۶۸ش، ج ۱۲، ص ۸۳ - ۵۴۹؛
المیزان، ج ۱۹، صص ۸۳ - ۸۴.
۱. السیرة النبویة، ابن ہشام
حمیری معافری، دار المعرفہ،
بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۶۳۴.
۲. چگونگی ہلاکت ابوجہل توسط
ابن مسعود و کیفیت آوردن سر
وی، در مبلغان شماره ۱۸۹، ص ۳۵
- ۳۷ بیان شدہ است.

۳. المغازی، ج ۱، صص ۹۰ - ۹۲.
۴. همان، صص ۷۷ - ۷۸.
۵. همان، ص ۷۵.

عَقَبِيهِ.. ۱: «هنگامی که دو گروه (از مؤمنان و کافران) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی می بینم که شما نمی بینید...» به دنبال آن مشرکان نیز فرار کردند. وقتی به مکه رسیدند، گفتند: سراقه باعث شکست ما شد. این خبر به گوش سراقه رسید، او آمد و گفت: من در آنجا نبودم! اصلاً من خبر حرکت شما به سوی بدر را نشنیده بودم تا اینکه خبر شکست شما به من رسید! پس از بررسی معلوم شد که او شیطان بوده که به صورت سراقه درآمده است.^۲

پایان جنگ و نتایج آن

با کشته شدن سران قریش و فرار بقیه، حوالی ظهر بود که جنگ پایان یافت و نتایج زیر را به بار آورد: هفتاد نفر از مشرکان کشته و هفتاد نفر دیگر اسیر شدند و غنایمی به دست مسلمانان افتاد که از جمله آنها: یکصد و پنجاه شتر، ده اسب و مقداری اسلحه، لباس و

وسایل دیگر بود. از مسلمانان کسی اسیر نشد و فقط چهارده نفر شهید شدند.^۳ **سخن پیامبر (ص) با کشتگان** پس از پایان جنگ و دفن اجساد شهدا، پیامبر (ص) دستور داد: کشته های مشرکان را در چاهی بریزند، آنگاه رسول خدا (ص) بر لب چاه آمد، یک یک آنها را صدا زد: ای عتبه! ای شیبه! ای ابوجهل! و...

سپس فرمود: **«هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَكُمْ رَبُّكُمْ حَقًّا؟ بئسَ الْقَوْمَ كُنْتُمْ لِنَبِيِّكُمْ، كَذَّبْتُمُونِي، وَ صَدَّقْتُمُو النَّاسَ وَ آخَرَجْتُمُونِي وَ آوَانِي النَّاسُ وَ قَاتَلْتُمُونِي وَ نَصَرْتُمُو النَّاسَ؛** آیا آنچه را که خدا به شما وعده داده بود، حق یافتید؟ من آنچه را که پروردگارم وعده داده بود، درست یافتم؛ چه بد خویشاوندی برای پیامبرتان بودید، شما مرا تکذیب کردید، در حالی که دیگران تصدیق کردند. شما مرا از شهر

۳. همان، ص ۵۷؛ المغازی، ج ۱، صص ۱۰۲ - ۱۰۳؛ قبور شهدای بدر، در منطقه بدر که در حال حاضر شهر آبادی است، در کنار قبرستان عمومی نزدیک مسجد «عریش» مورد زیارت علاقمندان می باشد و حدود صد و پنجاه کیلومتر با مدینه فاصله دارد و پیش از ساختن بزرگراه هجرت، عبور حجاج از همانجا بوده؛ ولی اکنون با آن فاصله دارد. (ر.ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، نشر مشعر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش، ص ۳۹۳).

۱. انفال / ۴۸.
۲. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۵۴.

بیرون کردید و دیگران پناہم دادند . شما با من جنگیدید و دیگران یاریم کردند .» در اینجا عمر عرض کرد: یا رسول اللہ! با مردہ ہا حرف می زنی؟! فرمود: «مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُجِيبُونِي؛ شما از آنان شنواتر نیستید؛ ولی آنها نمی توانند جواب دهند.»^۱ شجاعت و شہامت حضرت علی (ع)

بیش تر کشتگان سپاہ کفر بہ دست مهاجران، بہ خصوص خویشاوندان پیامبر (ص) و بالاصح بہ دست امیرمؤمنان علی (ع) و عمویش حمزہ سیدالشہدا (ع) بودند، حتی گفتہ اند: از ہفتاد نفر کشتہ مشرکان، حدود نصفش را حضرت علی (ع) کشت و در کشتن نصف دیگر نیز کمک کرد.^۲ بہ ہمین جہت، با وجود آن ہمہ آیات و روایاتی کہ دستور بہ محبت و مودت امام علی (ع) و اولاد پاک او می دہد، قریش کینہ ایشان را در دل داشتند، حتی

بعد از آنکہ اظہار اسلام کردند، باز ہم نہ تنها عداوت خود را بہ محبت تبدیل نکردند؛ بلکہ جنگ جمل و صفین را بر حضرت تحمیل کردند و در نہایت جریان کربلا را پیش آوردند . یزید ملعون این کینہ و ارتباطش با جنگ بدر را آشکار کرد و در آن زمانی کہ بر لب و دندان امام حسین (ع) چوب می زد، می گفت: لَيْتَ أَشْيَاخِي جَزَعُ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسَلِ ... تا آخر.

۱. ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۶۴؛ سيرة نبوی، ابن ہشام، ج ۱، ص ۶۳۹؛ تاریخ الخميس، حسین دیار بکری، دار الصادر، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۵ - ۳۸۶.
۲. ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۵، ص ۵۷ - ۶۰ و ۸۰.

۳. ر.ک: همان، ص ۸۱؛ اللہوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، انتشارات جہان، تہران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش، صص ۱۸۱ - ۱۸۲.

***خودی و غیرخودی در مکتب اهل بیت (۵) «عوامل عزّت آفرین»

عبدالله رضوانشهری

اشاره

در شماره های گذشته (مبلغان ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲) موضوع «خودی و غیرخودی در مکتب اهل بیت» مطرح گردید و در آن به مباحثی همچون: «ملاکهای غیرخودی»، «نمونه هایی از خودیها»، «شاخصه ها و شرایط با اهل بیت» بودن «... اشاره گردید؛ همچنین در ادامه این موضوع، مبحثی در شماره گذشته (۲۰۲) تحت عنوان «مبانی عزتمندی» ارائه گردید و در آن به دو اصل و مبنا از اصول عزتمندی پرداخته شد (بینش توحیدی و رفتار توحیدی) اکنون در ادامه مبحث «عزت و ذلت» به سایر عوامل و مبانی عزّت

آفرین پرداخته خواهد شد.
۳. بندگی و اطاعت از خداوند خدایی که مالک عزّت است، بخیل نیست و بین بندگان فرق نمی گذارد؛ زیرا فیاض، دائم الفضل، دائم الفیض و بخشنده می باشد و تفاوت، در قدرت جذب و گیرندگی ماست. گویا بر سر اقیانوس موجی رفته ایم و با ظرفهای متفاوت، هرکدام به قدر ظرفیت خود از آن برداشت نموده ایم. راه توسعه دریافت فیض، توسعه لیاقت، از طریق تقوا و بندگی است که انسان را مقرب خدا و تحت ولایت و حمایت او قرار می دهد. از این رو، اولیای الهی

کارہایی می کنند که افراد عادی از آن ناتوانند. تنها رمز آن، کسب لیاقت، بندگی و اطاعت از خداست که فقط از راه خودشناسی و خودسازی هموار می شود. پیامبر خدا (ص) می فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيزَ»^۱ پروردگار شما هر روز می فرماید: منم عزیز! پس هر که خواهان عزت دو جهان است، باید خدای عزیز را اطاعت کند.»

و نیز فرمود : «خداوند می فرماید : پنج چیز را در پنج جا قرار داده ام؛ ولی مردم آنها را در پنج جای دیگر جستجو می کنند و نمی یابند؛ یکی از آنها این است که

... وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي خِدْمَتِي وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ»^۲ عزت را در خدمت [و بندگی] خویش قرار داده ام؛ ولی مردم آن را در خدمت سلطان [و پادشاه] می جویند و هرگز نخواهند یافت.»

حضرت علی (ع) می فرماید: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ»

بِالطَّاعَةِ؛^۳ هرگاه در پی [سربلندی و] عزت بودی، با عبادات [و بندگی خدا] آن را بخواه!« در نقطه مقابل، گناه مایه خواری، ذلت و پستی است. امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ كَثُرَتْ طَاعَتُهُ كَثُرَتْ كَرَامَتُهُ، مَنْ كَثُرَتْ مَعْصِيَتُهُ وَجَبَتْ إِهَانَتُهُ»^۴ هر که طاعت [و بندگی] او بیش تر باشد، کرامت [و شرافت] او بیش تر خواهد بود. هر کس گناهانش زیاد باشد، پست [و حقیر] شمردن او واجب می گردد.»

امیرالمؤمنین علی (ع) در جای دیگر می فرماید: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ النَّفْقَى دَارُ حِصْنِ عَزِيزٍ وَ الْفُجُورَ دَارُ حِصْنِ دَلِيلٍ»^۵ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا دژ محکم و ارجمندی است و فجور [و هرزگی] دژی [در حال فروریختن و] خوار کننده.»

امام حسین (ع) می فرماید: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَ كِفَايَتِهِ»^۶ کسی که خدا را

۳. عیون الحکم و المواعظ، لیثی واسطی، دارالحديث، قم، ۱۳۷۶ش، ص ۳۴.

۴. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۱.

۵. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

۱. تفسیر نورالثقلین، عروس حویزی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

آنگونه که شایسته
پرستش اوست، عبادت
کند، خدا فوق آنچه
آرزوی اوست و بیش از
قدر کفایتش به او می
دهد.»

۴. ورع و پرهیز از گناه
یکی دیگر از عوامل و
مبانی عزتمندی، ورع و
تقوا داشتن و پرهیز از
گناهان است؛ در این
باره روایات متعددی
وجود دارد که به دو
مورد از آنها اشاره می
شود:

حضرت علی (ع) می
فرماید: «لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنْ
التَّقْوَى؛^۱ هیچ عزتی بالاتر
از عزت تقوا نیست.»

امام صادق (ع) نیز
می فرماید: «مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا
عَشِيرَةٍ وَ غَنَى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا
سُلْطَانٍ فَلْيَنْقُلْ مِنْ دُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَيَّ
عِزٌّ طَاعَتِهِ؛^۲ هر کس می
خواهد بدون یاری فامیل
عزیز گردد، و بدون
ثروت بی نیاز باشد و
بی سلطنت دارای هیبت و
عظمت شود، باید خود را
از ذلت گناه [و
نافرمانی خدا] به عزت
بندگی او منتقل سازد.»
فرود و فراز
در زمان پیامبر اکرم

(ص)، جوانی اهل نماز
بود که گاهی دزدی می
کرد. شبی بر فراز دیوار
خانه ای برای دزدی، زن
چوانی را در خانه دید.
با خود گفت: امشب دو
دستآورد دارم؛ هم زن و
هم مال؛ اما ناگهان چشم
دلش باز شد و خدا را
حاضر و ناظر دید و با
خود گفت: بر فرض چنین
کاری کردم، پس از مرگ
در پیشگاه خدای شاهد چه
کنم؟ در محاسبه نزد

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» چه جوابی
دارم؟ پس از فراز دیوار
فرود آمد و پشیمان شد
برای نماز صبح به
مسجد رفت. پس از نماز
در کنار رسول خدا (ص)
همراه اصحاب نشست. زنی
به محضر پیامبر (ص) آمد
و عرض کرد: یا رسول الله!
شوهرم مرده و وضع مالی
من نیز خوب است؛ اما
نیمه شب گذشته شبی را
بالای دیوار دیدم، تا
صبح تر سیدم و خوابم
نبرد. شما برایم شوهری
پیشنهاد کنید تا در
پناه او امنیت و آرامش
یابم.

حضرت به حاضران
نگاهی انداخته، آن جوان
را فرا خواند و پرسید:
ازدواج کرده ای؟ عرض
کرد: نه، حضرت فرمود:
حاضری با این خانم
ازدواج کنی؟ عرضه داشت

۱۸۴.
۱. نهج البلاغه، ص ۵۴۰.
۲. خصال، محمد بن علی بن
بابویه (شیخ صدوق)، جامعه
مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش، ص ۱۶۹، ح
۲۲۲.

بلی . حضرت عقد ازدواج آن دو را خواند؛ ولی جوان پس از ازدواج سرگرم عبادت شد . زن پرسید : چرا اینقدر عبادت می کنی؟ جوان گفت: به شکرانہ ہدایت و توبہ و توفیق بہ دست آوردن مسکن، ازدواج و اشتغال . تا دیروز دزد بودم، و اکنون آبرومند و با عزت و توضیح داد کہ آن شبخ، من بودم کہ قصد سرقت داشتم؛ اما پشیمان شدم و برای خدا فرود آمدم؛ ولی او مرا چنین بالا برد، پس جا دارد کہ شکر نعمتش را بہ جا آورم.

در اواخر دعای جوشن

صغیر می خوانیم : «...وَ أَغْنِي بِطَاعَتِكَ عَن طَاعَةِ عِبَادِكَ وَ بِمَسْأَلَتِكَ عَن مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ وَ انْقُلِي مِن ذَلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى وَ مِن ذَلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ ...»^۲ بارالها! با اطاعتت مرا از اطاعت بندگان بی نیاز گردان و با گدایی بہ درگاہت، مرا از درخواست از دیگران غنی ساز و از ذلت فقر بہ عزت بی نیازی برسان و از ذلت گناہان [و نافرمانی]، بہ عزت طاعت وارد کن!

از تہ چاہ تا اوج سلطنت نمونہ دیگر عزت مندی، حضرت یوسف (ع) است؛ وقتی زلیخا در دوران پیری و ضعف بر سر راہ آن حضرت ایستاد، این دعا را بہ گونه ای خواند کہ یوسف (ع) بشنود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمُلُوكَ بِمَعْصِيَتِهِمْ عَبِيدًا وَ جَعَلَ الْعَبِيدَ بِطَاعَتِهِمْ مُلُوكًا»^۳ خدا را سپاس کہ شاہان را بہ خاطر معصیتشان بہ بردگی کشاند و بردگان را بہ علت طاعتشان عزیز و پادشاہ کرد.» حضرت یوسف (ع) روزی در سیاہچال زندان بود و روزی عزیز مصر شد . این ہمہ مربوط بہ دنیاست و اجر اخروی افراد متقی بسیار بہتر است.

قرآن از زبان حضرت یوسف (ع) می فرماید : **إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ**؛ «بی تردید ہر کس پرهیزکاری و شکیبایی ورزد (پاداش شایستہ و عزت می یابد)؛ زیرا خدا پاداش محسنین را ضایع نمی سازد.»

پیامبر (ص) می فرماید : «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ

۳. علل الشرایع، شیخ صدوق، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۵۵.
۴. یوسف/ ۹۰.

۱. عزت و اقتدار دینی، زین العابدین باکوبی، انتشارات مہدی یار، تہران، ۱۳۸۱ش، ص ۵۴ - ۵۵ (با اندکی ویرایش).
۲. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۲۷.

أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛^۱ هر کس می خواهد عزیزترین مردم باشد، تقوا پیشه کند. «سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: [وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ]؛^۲ «هر که تقوای الهی پیشه سازد، خدا راه نجاتی از مشکلات برایش فراهم می سازد و از جایی که گمان ندارد، روزی اش می دهد.»
نتیجه گناه

به طور خلاصه، نتیجه ذلت و خواری فرد عاصی دو چیز است:

الف) تهیدستی از مبانی عزت و عوامل عزت آفرین؛ زیرا کاخ وجود شخص نافرمان، پایه و اساس محکمی ندارد و از تأییدات الهی و بینش صحیح بی نصیب است.

ب) وقتی شخص گنهکار، اراده ندارد در برابر هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی خویش ایستادگی کند و در کشور وجود خویش، زمین خورده است، چگونه می تواند در برابر فشارهای استکبار قد علم کند؟

امیرالمومنین (ع):

«عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَدَلُّ مِنْ عَبْدِ الرَّقِّ؛^۳

برده شهوت ذلیل تر از غلام در بند است.» و

نیز فرمود: «عَبْدُ الشَّهْوَةِ

أَسِيرٌ لَا يَنْفَكُ أَسْرَهُ؛^۴ بنده شهوت، اسیری است که از اسارت رهایی ندارد.»

به همین دلیل است که

رژیم منحوس پهلوی، در

برابر استعمارگران و

اسرائیل، ذلیل و غلام

حلقه به گوش بود.

امروزه نیز شیخ

نشینهای حوزه خلیج

فارس این چنین هستند؛

ولی صدها سردار

شهیدمان همچون عماد

مغنیه و شخصیت‌هایی چون

«سید حسن نصرالله» در

دیدگاه همگان، حتی

دشمنان، در اوج عزت،

عظمت و ابهت قرار

دارند.

امام علی (ع) می

فرماید: «مَنْ تَهَاوَنَ بِالذِّينِ

هَانَ؛^۵ هر کس که دین را

سبک بشمارد، خوار می

گردد.»

نفس خود ناکرده تسخیر ای

فلان

چون کنی تسخیر نفس

دیگران

نفس را اول برو در بند

کن

۳. غرر الحكم و درر الكلم،

عبدالواحد تمیمی آمدی،

دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق،

ص ۴۶۴.

۴. همان.

۵. عیون الحكم و المواعظ، ص

۴۲۶.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۶۹.

۲. طلاق / ۲ - ۳.

پس برو آہنگ و عظ و پند
 کن
 منبری بگذار بہر خود
 نخست
 وانگہی برجہ بہ منبر تند
 و چست
 آتشی در دل بر افروز
 وانگہی
 گرم کن ہنگامہ و عظ ای
 رھی
 تا تو را سوزی نباشد در
 جگر
 دم وزن کاندر دمت نبود
 اثر

۵. جہاد فی سبیل اللہ
 جہاد انواعی دارد؛
 «جہاد اکبر» کہ مبارزہ
 با ہوای نفس است و
 «جہاد اصغر» کہ جنگ
 میدانی است و بہ «جہاد
 ابتدایی» و «جہاد
 دفاعی» تقسیم می شود.
 در اینجا بہ مبحث عزت
 آفرین بودن جہاد می
 پردازیم.

امام علی (ع) می
 فرماید: «فَرَضَ اللّٰهُ الْجِهَادَ
 عِزًّا لِلْاِسْلَامِ؛^۲ خداوند جہاد
 را واجب کرد تا مایہ
 عزت اسلام باشد.»

امام باقر (ع) از
 پدران بزرگوارش، تا از
 پیامبر (ص) نقل می کند
 کہ فرمود: «بُنِيَ الْاِسْلَامُ عَلٰی
 عَشْرَةِ اَسْهُمٍ : ... وَالْجِهَادِ وَهُوَ

الْعِزُّ...؛^۳ دین اسلام بر ده
 بخش استوار و بنا شدہ
 است : ... و جہاد کہ
 مایہ عزت جامعہ است»
 تاریخ صدر اسلام بہ
 خوبی نشان می دہد کہ در
 آغاز، برنامه جنگ و
 مقابلہ بہ مثل نبود؛
 بلکہ در مدینہ، آنگاہ
 کہ اذن جہاد آمد و
 یاران پیامبر (ص) همچون
 حضرت حمزہ (ع)، مردانہ
 پای جہاد ایستادند و
 فداکاری کردند، سرور
 تمام اہل جہان شدند
 دنیا می داند کہ
 کشورمان در عصر حکومت
 شاہ، ذلیل ترین کشورها
 نزد مسلمانان منطقہ
 بود؛ زیرا غلام حلقہ بہ
 گوش اسرائیل و آمریکا
 محسوب می شد. از طرفی
 بہ دو قطب جہان در آن
 زمان؛ یعنی شوروی و
 آمریکا و نیز چین و
 اروپا باج می داد تا
 سلطنتش بماند و آنان
 نیز ایران را چنان
 تحقیر می کردند کہ از
 جملہ کاپیتولاسیون را
 تحمیل کردند؛ یعنی
 کارمندانشان در ایران،
 اضافہ بر حقوقشان، حق
 توحش دریافت می کردند و
 ارزش یک سگ آمریکایی از
 بزرگ ترین دانشمند یا
 شخصیت ملت ما بالاتر
 بود.

۱. سیمای فرزندگان، رضا
 مختاری، بوستان کتاب، قم، ص ۳۸؛
 متنوی طاقدیس، ملا احمد نراقی،
 انتشارات نہاوندی، قم، ۱۳۹۰ ش،
 صص ۲۸۲ و ۲۰۳.
 ۲. نہج البلاغہ، ص ۵۱۲.

۳. وسائل الشیعہ، ج ۱، ص ۲۶.

ولی امروزه بر اثر جان فشانی ها و رشادتهای رزمندگان این مرز و بوم، تمام دنیا در مناقشات منطقه ای روی ایران حساب باز می کنند و از خبرسازترین کشورهای جهان شده است، منسوبین به ایران، مثل حزب الله لبنان، رژیم اشغالگر قدس را می ترسانند، به آنان حمله می کنند و آنها می ترسند حتی پاسخ دهند.

۶. پیروی از امام زمان (ع) و نایبش

اطاعت از امام حق و در عصر غیبت، تبعیت از ولی فقیه، مایه عزت جامعه اسلامی است.

پراکندگی امت از محور امامت نیز همواره مهم ترین عامل ذلت و خونریزیها بوده و هست.

«عبدالله سلام» می گوید:

از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «تَلَاثَةٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَ زِينَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ وِلَايَةُ الْإِمَامِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص)؛^۱ سه چیز عامل افتخار مؤمن و زینت بخش او در دنیا و آخرت است نماز در آخر شب؛

نامامیدی از دارایی های مردم، و پذیرش امامت امامی از آل محمد (ص).»

شاید مفاد برخی

روایات، عزت و افتخار در حوزه های شخصی باشد؛ ولی در مجموعه جامعۀ اسلامی نیز تنها راه سربلندی مسلمانان، نزدیکی به اهل بیت (و ولایت پذیری از آنان است. پیامبر (ص) در ضمن حدیثی طولانی می فرماید: «...أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَضَعَّ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكِرَامَةِ وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزِّ؛^۲ ... آگاه باشید که هر کس علی را دوست بدارد، خداوند بر سر او تاج سروری می گذارد و لباس شیرین عزت را به او می پوشاند.»

امام صادق (ع) نیز از امیرالمؤمنین (ع) نقل می کند: «...أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِزًّا وَ عِزُّ الْإِسْلَامِ الشَّيْبَةُ...^۳ ... آگاه باشید برای هر چیزی نوعی عزت [و سربلندی] است و مایه سربلندی اسلام، پیروی از امام حق است.»

ادله کلامی لزوم پیروی از معصومان (بسیار گسترده و زیاد است که چند مورد مرتبط با بحث عزت نقل می شود:

۱. در ذیل حدیث

۲. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۵.
 ۳. کافی، گلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۱۳.

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

ثقلین و جدایی ناپذیری قرآن و عترت، آیت الله جوادی آملی می نویسد: «امام علی بن الحسین ع فرمود: معصوم کسی است که به حبل الہی اعتصام می کند، و حبل الله همان قرآن است. معصوم و قرآن تا روز قیامت از یکدیگر جدا نخواهند شد و امام، به قرآن هدایت می کند و قرآن به امام، و همین است معنای: [إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ] (سخنان امام حسین (ع) در باب ذلت اهل عراق به جهت ترک نصرت امام (ع) زیاد است)»^۲.

امام باقر (ع) درباره «وَلَا تَفْرُقُوا» فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلِمَ أَنَّهُمْ سَيَفْتَرُونَ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ وَيَجْتَلِفُونَ فَنَاهَهُمْ عَنِ التَّفْرِقِ كَمَا نَهَى مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا عَلَيَّ وَلَا يَةَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَلَا يَتَفَرَّقُوا»^۴ خداوند می دانست که مردم پس از رحلت رسول اکرم (ص) متفرق خواهند شد، پس آنان را همانند امت‌های پیشین از تفرقه نهی فرمود و امر کرد

که بر ولایت آل محمد (ص) اجتماع کنند و متفرق نشوند.» بنا براین، امام همان محوری است که جامعه بی آن راکد است و جامعه راکد گرفتار تشنّت و سیر قهقرایی خواهد شد.

۲. در «تفسیر نور الثقلین» روایات زیادی ذیل آیه ۱۰۳ سورة آل عمران دلالت دارد که امام علی (ع) و دیگر اهل بیت) حبل الله هستند.^۵ حضرت مهدی (ع) نیز تمامی جهان را متحد و یکپارچه می سازد. در «نهج البلاغه» درباره فتنه ها می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُبِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلَيْكَ مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رَبْقًا وَيُعْتِقَ فِيهَا رِقًا وَيَصْدَعُ شَعْبًا وَيَشْعَبَ صَدْعًا...»^۶ بدانید! فردی از ما (حضرت مهدی (ع)) که آن فتنه ها را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد و بر همان سیره [و روش] صالحان رفتار می کند تا گره ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد

۱. اسراء / ۹: «بی تردید این قرآن به آن آیین که استوارترین است، هدایت می کند.»
 ۲. ر.ک: دانشنامه امام حسین %، محمد محمدی ری شهری، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۸ش، ج ۱۳، ص ۱۵۶.
 ۳. شمیم ولایت، عبد الله جوادی آملی، نشر اسراء، قم، ص ۶۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۸.
 ۴. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۸۵.

۵. ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷ - ۳۷۸؛ ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۳.
 ۶. نهج البلاغه، ص ۲۰۸، خطبه ۱۵۰، که در خطبه نیز عزت آفرینی حق و... را مطرح فرموده اند.

سازد و جمعیت‌های گمراه [و ستمگر] را پراکنده کند و حق جویان پراکنده را گرد هم آورد.»

نیم‌نگاهی به قضیه بیداری اسلامی و نتیجه آن در مصر و لیبی، اهمیت رهبری را نشان می‌دهد. عمده عامل هدر رفتن نتیجه نهضت آنان، نداشتن رهبری عالم، عادل و فقیه است و بی اعتقادی به امامت شیعی.

عبرت از تاریخ

در عصر غیبت یا حتی پیش از آن، شیعه دولتهای متعددی تشکیل داده است، گرچه بسیاری از آنان روش شیعی نداشته اند و تنها زمامداران از نام اسلام و تشیع سود می بردند؛ ولی همان نیز از زمامداران اموی و ضد شیعی خیلی بهتر بود و متأسفانه از نقاط ضعف بسیار مهم شیعه آن بوده که خیلی راحت و رایگان، قدرت را از دست می داده اند.^۱ در

۱. برای آگاهی از تاریخ شیعه بسیار مفید و مهم است که به تاریخ عصر غیبت تا کنون مراجعه شود. کتابهای «اطلس شیعه»، رسول جعفریان، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۸۹ش، و «بررسی تاریخی تفکر شیعه اثنی عشری»، غلامحسین مجرمی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، تهران، ۱۳۹۴ش، مناسب هستند.

عصر سید مرتضی و شیخ مفید^۷ شرق جهان اسلام در اختیار دولت شیعی آل بویه و جنوب و غرب تا آخر آفریقا در اختیار دولتهای فاطمی بود؛ ولی به راحتی در اختیار دشمنان اهل بیت) افتادند. همچنین، ده ها حکومت که مشهورترین شان صفویه بودند، تا برسد به نهضتهای شیعی، مثل مشروطه یا ثور^۸

العشرین عراق بود که نتیجه آن قیامها در اختیار روشنفکران و غرب گرایان افتاد.

بیش تر این خسارتهای بر اثر اختلافات بی جهت و دوری از مرجعیت شیعی و به اصطلاح امروزی، بی توجهی به ولایت فقیه بوده است. از این رو، بر مبلغان محترم است که با مطالعه و الهام از تاریخ، در وحدت امت بکوشد و قداست رهبری و مرجعیت را پاس بدارد.

۷. دازندگی و برازندگی ثروت و سرمایه مادی و بی نیازی، در پاره ای از مواقع، عامل عزت و سربلندی فرد مؤمن است!

از عوامل اقتدار و عزت یک ملت، خزانه ای پر و اقتصادی پررونق است. یکی از

دستاوردهای این امر،
داشتن نیروی مسلح قوی
و نیز سلاحهای مدرن
است . همچنین، ثبات
اجتماعی و امنیت
پایدار در گرو چنین
مسئله ای است.

امروزه در عرصهٔ بین
المللی، کشوری که این
شاخصه ها را داشته
باشد، عزتمند و مقتدر
به حساب می آید و لازمه
اش آن است که دولت و
ملت در این راه
بکوشند.

از این رو، رهبر
معظم انقلاب سالهاست بر
اقتصاد مقاومتی تأکید
دارند و بر آن امر و
اصرار فرمودند . بدیهی
است، وقتی دشمنان ما در
راه فلج کردن ایران، به
شدت تلاش می کنند،
سودجویان داخلی نیز بی
کار ننشسته اند، پس
باید همت کرد تا عزت و
اقتدار بیش تری حاصل
گردد؛ از جمله با ارائه
راه حل و انتقاد به جا
و دلسوزانه.
ادامه دارد...



***شیوه های تبلیغی حضرت موسی (ع)

محسن ملاحسنی قطرمی

مقدمه

اگر انسانهای روی زمین افراد منطقی و پیراسته از انگیزه های باطل بودند، فطرت و سرشت خداجویی که در آنها وجود دارد، همه را به سوی پرستش خدا هدایت می کرد و برهان و نصیحت و اندرز پیامبران الهی در رسیدن آنها به کمال کافی بود و پیامبران در تبلیغ خود بر این اهرمها تکیه کرده و به امور دیگر نیاز نداشتند؛ اما در میان مردم، اکثریت قابل توجهی وجود داشته که در برابر فطرت و سرشت خدادادی و براهین و منطق پیامبران شکست می خوردند، ولی تسلیم حق نمی شدند و حتی دست به

کارشکنی و سنگ اندازی نیز می زدند. از این جهت باید پیامبران الهی از روح نیرومند و اراده قوی و صبر و استقامت فراوان بهره مند باشند تا در مقابل توطئه های دشمن احساس عجز نکرده و بتوانند رسالت خویش را عملی سازند.

شاید بتوان سیر کلی دعوت هریک از انبیاء الهی، سه مرحله «تعلیم و پند و اندرز»، «انذار و گوشزد کردن عذابها» و «مجازات و پاک سازی» را در بر داشته و آنان در مواقع مورد نیاز، عملکرد خاصی داشته اند؛ در این میان حضرت موسی (ع) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در

مسیر تبلیغ دین از ہمہ مراحل دعوت، بہرہ جُستہ و شیوہ های تبلیغی مختلفی را در جذب و ہدایت مردم بہ کار گرفتہ است؛ در اینجا بہ برخی از شیوہ های تبلیغی آن حضرت اشارہ می شود:

حضرت موسی (ع) از پیامبران اولوالعزم و از نسل یعقوب و از تبار بنی اسرائیل است. نام او در قرآن ۱۳۶ مرتبہ ذکر شدہ است؛ سیرہ او تقریباً در ۳۴ سورہ بیان شدہ^۱ و داستان زندگی او از جملہ داست انہای پرفراز و نشیب قرآن کریم است.

از نگاہ قرآن کریم، زندگانی حضرت موسی (ع) بہ پنج برہہ زمانی تقسیم می شود:

۱. تولد حضرت و پرورش در دامن فرعون؛
۲. فرار از مصر بہ مدین و زندگی در کنار شعیب (ع)؛
۳. دورہ بازگشت بہ مصر و بعثت و درگیری با فرعون؛
۴. نجات ب نی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان و ورود بہ صحرای سینا؛

۵. ہمراہی و پیشوایی بنی اسرائیل. حال با توجہ بہ این مراحل پنج گانہ، برخی روشہای تبلیغی حضرت موسی (ع) (در دو محور پیش نیاز تبلیغ و روشہای تبلیغی) ارائہ می شود؛ با این امید کہ قابل استفادہ باشد؛ چراکہ روش های تبلیغی حضرت موسی (ع) منحصر بہ زمان خاصی نیست و ہدف قرآن کریم از بیان داستان زندگی ایشان، ارائہ راہکار برای ادامہ دہندگان این راہ پرخطر و پر دلہرہ ہست.

الف. پیش نیازہای تبلیغ

ہر مبلغ ی برای رساندن پیام خود و برخورد با ناہنجاریہای جامعہ، پیش نیازہایی لازم دارد تا بتواند در رسیدن بہ ہدف موفق باشد. حضرت موسی (ع) نیز قبل از رسالت و پیامبری، مدت زیادی در راہ بہ دست آوردن این پیش نیازہا تلاش کردہ کہ در پرتو عنایت ویژه الہی توانستہ بہ بہترین وجہ این تجارب را بہ دست آورد؛ در اینجا بہ مواردی از آنها اشارہ می شود:

۱. منشور جاوید، جعفر سبحانی، مؤسسہ امام صادق، قم، ۱۳۸۳ش، ج ۱۲، ص ۲۵۵.

۱. علم و آگاهی
 مبلّغ قبل از ورود
 به عرصه تبلیغ باید از
 علم و آگاهی برخوردار
 باشد. شناخت هنجارها
 از ناهنجارها شرط اصلی
 در تبلیغ و دعوت است
 به گونه ای که اگر
 مبلّغ شناخت نداشته
 باشد، یا شناخت درست
 نداشته باشد، به جای
 برخورد با منکر و
 ناپسند با معروف و
 شایسته برخورد می کند.
 حضرت موسی (ع) هم قبل
 از نبوت به علم و
 آگاهی از جانب خداوند
 مزین و مجهز شده است:
**[وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ
 حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ]** ^۱ «و چون به
 رشد و کمال رسید، به
 او حکمت و دانش عطا
 کردیم و نیکوکاران را
 چنین پاداش می دهیم.»
 از مجموعه آیاتی که
 در مورد حضرت موسی
 (ع) آمده است، معلوم
 می شود که در معلومات
 حضرت موسی (ع) به
 همین بسنده نشده است؛
 بلکه حتی هنگام اعطای
 نبوت با اعطای مقام
 نبوت، علم و آگاهی آن
 حضرت کامل تر و بهره
 ایشان بیش تر شده است
 و در مرحله بعد نزول

تورات و در مرحله ای
 دیگر همراهی معلمی
 دلسوز و مشفق، به
 عنوان مراحل رشد علمی
 ایشان می توان شمرد.
 ۲. بهره بردن از تجربه
 دیگران
 علاوه بر علم و
 آگاهی که مبلّغ نیاز
 دارد، لازم است از
 تجربیات دیگران
 استفاده کند. حضرت
 موسی (ع) نیز از
 تجربی ات پیامبر هم
 عصر خویش، حضرت شعیب
 (ع) استفاده کرد؛ چرا
 که حضرت شعیب (ع)
 انواع روشها را به
 کار بسته و سابقه
 بسیار مفیدی در امر
 تبلیغ دین داشت.
 البته باید توجه داشت
 که مبلّغ نباید نزد هر
 شخصی برای یادگیری
 اموری که دین مردم به
 آن وابسته است، زانو
 بزند، بلکه هم راهی و
 استفاده از انسانهای
 خود ساخته که هوای
 نفس را مهار کرده
 اند، می تواند در امر
 تأثیرگذاری تبلیغ،
 یار و مددکار باشد.
 علامه طباطبایی (در
 «المیزان» وحی مربوط
 به حضرت موسی (ع) را
 به دو دسته «نبوتی» و
 «رسالتی» تقسیم کرده

و آیاتی را که در مورد معجزه عصای موسی (ع) است، از نوع دوم می داند.^۱ یعنی مثل اینکه با این آیات و نشانه ها حکم رسالت او داده شد که بتواند نشانه ای در برابر قوم خود ارائه کند.

۳. شروع از پیام اصلی

در هر تبلیغی نیاز است که آن تبلیغ پیامی را در برداشته باشد؛ یعنی برای آن، هدفی تعیین شده باشد. خداوند در وحی به حضرت موسی (ع) شروع تبلیغ او را با یک پیام را متذکر می شود:

[فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي... يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ]؛^۲ «هنگامی که به سراغ آتش آمد ندا داده شد... ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان!»

در جای دیگر باز خداوند این پیام را متذکر می شود:

[إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي]؛^۳ «من "الله" هستم؛ معبودی جز من نیست!»

مرا بپرست.» این پیام توحید است که موسی (ع) در برخورد های اولیه با فرعون آن را بیان می دارد. این اصلی ترین پیام همه انبیاء الهی بوده که آن ها در برخورد با مردم بیان می کردند. حتی پیامبر اسلام (ص) نیز در

ابتدای دعوت و تبلیغ خود این پیام بزرگ الهی را سر لوحه تبلیغ خود قرار داد و فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا!»^۴ ای مردم! بگوئید "نیست خدایی جز الله"؛ تا رستگار شوید.»

۴. شناخت مخاطب و زمان

مخفی نیست که مبلغ باید مخاطبان خود را بشناسد تا بتواند آنچه را که مقتضای حال است، ارائه کند؛ حضرت موسی (ع) مردم زمان خود را شناخته بود و می دانست که فرعونیان از چه راهی برای به انحراف کشیدن آنها استفاده می کند؛ بنابراین مجهز به معجزاتی می گردد که درست نقطه مقابل سحر باشد و هرگز آنها نتوانند حضرت را مغلوب

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۱۴۳.
 ۲. قصص/ ۳۰.
 ۳. طه / ۱۴.

۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

کنند و این وسایل و معجزات چنان کارگر می افتد که ساحران در مقابل خدای موسی (ع) به سجده می افتند؛ چراکه آنها خوب می دانستند این کار موسی (ع) سحر نیست.

حال لازم است مبلغ دینی مخاطب خود را به خوبی بشناسد و در مسیر جذب و هدایت آن، روش و راهکار مخصوص به مخاطب را به کار گیرد؛ البته در این مسیر بهترین ابزار، تجهیز متقن به علوم آل محمد (ص) و بهره مندی از سلاح ایمان، علم و عمل است.

۵. داشتن سعه صدر و شیوایی کلام

وقتی که خداوند موسی (ع) را مأمور هدایت قوم بنی اسرائیل کرد، آن حضرت از خدا می خواهد نیرو و توانی به او بدهد که بتواند جهالتهای بنی اسرائیل را نادیده گرفته و در راه خدا تحمل کند: [قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اجْلِبْ لِي لِسَانِي]؛^۱ «(موسی) گفت: پروردگارا! سینه ام را گشاده کن و کار را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشای.»

علاوه بر سعه صدر در برخورد با مخالفان در ابتدای امر به نرمی گفتار مأمور می شوند: [فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى]؛^۲ «اما به نرمی با او سخن بگویند؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد.» در آیه دیگری نیز تلویحاً این سفارش به حضرت موسی (ع) داده می شود:

[اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ]؛^۳ «به سوی فرعون برو که طغیان کرده است و به او بگو: آیا می خواهی پاکیزه شوی؟ و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟»

این در برخورد با فرعونیان بود که لطافت بیان از سؤالی بودن کلام فهمیده می شود! اما در برخورد با قوم خود آنها را با کلماتی از قبیل «يَا قَوْمِ» و «رَبِّي وَ رَبِّكُمْ» استفاده می کند که به قوم خود می فهماند خود را تافته جدا بافته از آنها ندانسته و خود را از

آنها می داند و ابراز
همراهی وهم نوعی و
خود را از آنها
دانستن، سبب پذیرفتن
کلام و دعوت او خواهد
شد.

**ب. شیوه های تبلیغی حضرت
موسی (ع)**

بعد از بررسی پیش
نیازهای تبلیغی، به
بررسی روشهای تبلیغی
حضرت موسی (ع) می
پردازیم؛ دانستن و
داشتن روش در همه
کارها از مهم ترین
لوازم کار است؛ یعنی
کاری که بدون روش
بخواهد پیش برود، هرگز
به نتیجه دلخواه
نخواهد رسید و سردرگمی
هایی دارد که زحمت کار
را دو چندان کرده و در
آخر معلوم نیست نتیجه
مطلوب را داشته باشد.
حضرت موسی (ع) برای
خود روشهای تبلیغی را
برگزیده است که نمونه
هایی از آن ارائه می
شود:

**۱. کار گروهی و جلب همکاری
هارون (ع)**

از جمله شیوه های
مهم در تبلیغ هدف دار،
بهره وری از نیروهای
هم عقیده و تقسیم کار
میان آنها برای رفع
نواقص احتمالی است که
می تواند امر تبلیغ را
کارآمد و پویا نماید.

حضرت موسی (ع) با
شناخت کامل از شرایط
موجود، از خود تا قدرت
و شوکت مخالفان و جهل
و خرافه حاکم بر مردم،
خواهان پشتیبانی و
همراهی هارون (ع) شد و
مقام نبوت را برای او
از خدا خواستار شد:

[و اجعل لی وزیراً من اهلی ،
هارون اخی، اشدد به ازری، و
اشركه فی امری]؛ «و
وزیری از خاندانم
برای من قرار ده؛
برادرم هارون را! با
او پشتم را محکم کن و
او را در کارم شریک
ساز.»

ه ارون (ع) نیز
شخصیتی خداجو و
یکتاپرست بود که با
گفتار شیوا و دلنشین و
منطقی استوار، می
توانست به خوبی از
عهده حمایت از موسی
(ع) برآید و ضمن دادن
اطمینان بیش تر به
موسی (ع) در مسیر
دعوت، او را از
مشورتها و چاره جویی
هایی خود بهره مند
سازد و در صورت کمبود،
آنها را مرتفع سازد که
این شیوایی گفتار را
موسی (ع) نیز به آن
تصریح دارد آنجا که می
گوید:

[وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي
لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي]؛^۱
«و برادرم هارون زبانش
از من فصیح تر است؛ او
را همراه من بفرست تا
ی اور من باشد و مرا
تصدیق کند.»
۲. آغاز تبلیغ از منشا
تأثیر

یکی دیگر از
روشهایی که حضرت موسی
(ع) در پیاده کردن اصل
توحید به کار گرفت،
شناخت ریشه انحراف و
فساد و شروع تبلیغ
خود، از آن بود؛ چراکه
اگر ریشه فساد مورد
توجه قرار گیرد، شاخ و
برگها تحت تأثیر آن
قرار خواهند گرفت؛
بنابراین طبق آیات
شریفه، خداوند، حضرت
موسی (ع) را مأمور به
دعوت از فرعون می کند،
چراکه ادعای خدایی
کرده بود و با همین
ادعای خدایی و ربوبیت،
بنی اسرائیل را تحت
سلطه خود قرار داده
بود : [أَذْهَبَ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ
طَعَنِي]؛^۲ «به سوی فرعون
برو که او به سرکشی
برخاسته است.»
شاید این روش اشاره
به مثل معروف داشته
باشد که «النَّاسُ عَلَى دِينِ

مُلُوكِهِمْ»؛ چرا که اگر
سردمداران، انسانهای
صالح و شایسته باشند،
مردم هم صالح و
شایسته خواهند شد و
در اینجا نیز ریشه
انحراف، سرپرست جامعه
(فرعون) بوده است.

۳. برخورد شجاعانه با تهدید
ها
از جمله جریاناتی که
می تواند برنامه یک
مبلغ را تحت تأثیر
قرار دهد، مانع از
اثرگذاری مناسب شود،
جریان تهدیدهاست .
حضرت موسی (ع) هم از
این گونه برخورد قوم
خود در امان نبود،
علاوه بر تهمتهایی که
از جانب آنها به او
می رسید، مورد تهدید
نی ز قرار می گرفت .
هنگامی که خود او
برای دعوت از فرعون
رفته بود، فرعون او
را تهدید می کند به
اینکه اگر معبودی جز
من برگزینی قطعاً تو
را به زندان خواهم
افکند.

حضرت موسی (ع) در
جواب فرعون آیات الهی
را یادآور می شود:
[قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ
]؛^۳ «گفت: گر چه برای
تو چیزی آشکار

بیاورم؟»

او در آیہ ای دیگر درخواست آزادی بنی اسرائیل را بدون هیچ ترس و واہمہ ای بیان می دارد کہ:

[حَقِيقٌ عَلٰی اَنْ لَا اَقُوْلَ عَلٰی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَارْسِلْ مَعِيَ بَنِي اِسْرَائِيْلَ]؛^۱
«شایسته است کہ بر خدا جز [سخن] حق نگویم . من در حقیقت دلیلی

روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده ام، پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست.»

علاوہ بر این، با توجہ بہ اینکہ فرعون ندای [اَنَا رَبُّكُمْ الْاَعْلٰی] ^۲ سر دادہ بود، موسی (ع) در همان خطابات اولی ربوبیت فرعون را زیر سؤال برده و حتی با [حَقِيقٌ عَلٰی] شروع کرد کہ یعنی توی فرعون با این صفت ربوبیت هیچ سنخیتی ندارے.

۴. امید دادن بہ مردم و پرهیزی اُس و نومیدی از آنجایی کہ قوم موسی (ع) در اقلیت بہ سر می بردند و مواجہہ با قدرت های بزرگ کاری نیست کہ ہر کس یا کسانی قادر بہ تحمل آن

باشہد و ممکن است بہ زودی دچار ضعف روحی و نومیدی شوند، وظیفہ پیشوای دانا و کاردان و آیندہ نگر، پیش گیری از این آفت است .

مؤمنین بہ آیین موسی (ع) ہم کسانی بودند کہ در ترس از فرعون و قوم او بسر می بردند:

قرآن کریم بہ این روش اشارہ کردہ و می فرماید : [فَمَا اَمَنَ لِمُوسٰى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلٰى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلِيْهِمْ اَنْ يَفْتِنَهُمْ وَ اِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ وَ اِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ]؛^۳ «سرانجام،

کسی بہ موسی ای مان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی، در حالی کہ بیم داشتند از آنکہ مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند، و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود.»

حضرت موسی (ع) ہم با سخنان امیدوارکنندہ آنها را دلداری می داد:

[وَ قَالَ مُوسٰى يَا قَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْا اِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِيْنَ]؛^۴ «موسی گفت : «ای قوم من ! اگر شما بہ خدا ایمان آورده

۳. یونس / ۸۳ .
۴. یونس / ۸۴ .

۱. أعراف / ۱۰۵ .
۲. نازعات / ۲۴ .

اید، بر او توکل کنید
اگر تسلیم فرمان او
هستید.»

در زمانی دیگر از
دعوت موسی (ع) که
فرعون دستور قتل
پسرهای قوم خ و د و
زنده نگه داشتن
دختران آنها را داد،
رعب و وحشت عمیقی بر
بنی اسرائیل سایه
افکند، حضرتش با
بیاناتی مؤثر و نافذ
آنها را دلداری می
دهد:

**[قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ
وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
..:]**^۱ «موسی به قوم خود
گفت: از خدا یاری
جویید، و استقامت پیشه
کنید، که زمین از آن
خداست، و آن را به هر
کس از بندگان که
بخواهد، واگذار
کند؛ و سرانجام (نیک)
برای پرهیزکاران است!»

۵. توجه دادن به قیامت
همیشه چنی نیست که
با بشارت دادن بشود
دلها را متوجه خداوند
کرد. گاهی مواقع انذار
و ترساندن از عذاب
الهی و توجه دادن به
قیامت تأثیر بهتری
دارد. از جمله شیوه های

حضرت موسی (ع) مانند
سایر انبیاء الهی جایی
که دیگر نصیحت و پند و
اندرز و دلایل و بینات
فایده ای نداشت آنها
را از عذاب الهی می
ترساند:

**[قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتْكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ
خَابَ مَنْ افْتَرَى:]**^۲ «موسی به
آنان گفت: وای بر
شما! دروغ بر خدا
نبندید، که شما را با
عذابی نابود می سازد!
و هر کس که (بر خدا)
دروغ ببندد، نوم ی د (و)
شکست خورده) می شود!»
باز در مرحله دیگر
که خداوند دستور ورود
به بیت المقدس را به
آنها می دهد، آنها
گاهی می کنند و موسی
(ع) و خدایش را به جنگ
با عمالقه ارجاع می
دهند و خود همان جا می
نشینند و حضرت موسی
(ع) آنها را چنین
هشدار می دهد که:

**[يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى
أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ:]**^۳ «ای
قوم! به سرزمین مقدسی
که خداوند برای شما
مقرر داشته، وارد
شوید! و به پشت سر
خود بازنگردید (و عقب

گرد نکنید (ک ہ
 زیانکار خواهید بود! »
 ۶. تَبْرَى

در مرحله ای دیگر
 از تبلیغ وقتی مبلّغ
 احساس کرد کہ بعضی قصه
 همکاری ندارند و سنگ
 اندازی هم می کنند ،
 چاره ای جزء کنارہ
 گیری از آنها نیست تا
 اینکه شاید از این
 طریق به خود آیند .
 حضرت موسی (ع) نیز
 وقتی کہ احساس کرد کہ
 برخی قصد هم کاری
 نداشته و سنگ اندازی
 می کنند از آنها ابراز
 برائت کرد :

[إِنِّي عَدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كَلِّ
 مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ] ؛^۱
 «موسی گفت : من به
 پروردگارم و پروردگار
 شما پناه می برم از هر
 متکبری کہ به روز حساب
 ایمان نمی آورد!»

۷. هجرت
 حضرت موسی (ع) در
 شیوه های تبلیغی خود
 از ابراز «هجرت» نیز
 بهره گرفت کہ این هم
 می تواند به منظور
 نجات بنی اسرائیل باشد
 و هم برای یافتن عرصه
 جدید دعوت و تبلیغ ؛ آن
 حضرت در طول زندگی
 هجرت‌هایی داشت؛ از

جمله هجرت از مصر به
 مدین و از مدین به مصر
 و از مصر ب ه صحرای
 سینا .

وقتی خداوند قوم
 موسی (ع) را در رنج و
 سختی دید و از طرفی
 فرعونیان نیز ایمان
 نیاوردند و قصد داشتند
 کہ قوم موسی (ع) را
 مورد آزار و اذیت قرار
 دهند، دستور به هجرت
 آنها داد :

[وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ
 بِعِيَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ] ؛^۲ «و به
 موسی وحی کردیم کہ
 شبانه بندگانم را (از
 مصر) کوچ ده، زیرا شما
 مورد تعقیب هستید!»
 ۸. مبارزه با انحراف ها و
 خرافه ها

از مهم ترین آفات و
 خطرات برای هر مکتب،
 انحراف مردم پس از دست
 یابی به پیروزی است .
 بعد از هلاکت فرعون،
 بنی اسرائیل وارث زمین
 و عهده دار حکومت
 شدند . در یکی از
 هجرت‌ها در ادامه مسیر
 حرکت شبانه، بر قومی
 بت پرست گذر می کنند .
 باقی مانده های فرهنگ
 شرک و بت پرستی در ذهن
 و دل این مردم موجب شد
 این کار در نظرشان
 پسندیده جلوه کند و از

۲. شعراء / ۵۲.

۱. غافر / ۲۷.

موسی (ع) بخواهند بتی
 را به عنوان معبود
 برای آنها قرار دهد:
**[قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا
 لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ]**؛^۱
 «به موسی گفتند: تو هم
 برای ما معبودی قرار
 ده، همان گونه که آنها
 معبودان (و خدایانی)
 دارند! [موسی] گفت:
 شما جمعیتی جاهل و
 نادان هستید.» و در
 ادامه در آیه دیگری
 چنین نقل می‌کند:

**[قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْعِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ
 فَضْلُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ
 مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
 الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ
 نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ
 عَظِيمٌ]**؛^۲ «(به خاطر
 بیاورید) زمانی را که
 از (چنگال) فرعونیان
 نجاتتان بخشیدیم! آنها
 که پیوسته شما را
 شکنجه می‌دادند،
 پسرانتان را می‌کشتند،
 و زنانتان را (برای
 خدمتگاری) زنده می
 گذاشتند؛ و در این،
 آزمایش بزرگی از سوی
 خدا برای شما بود.»
 از دیگر ر انحرافاتی
 که قوم موسی (ع) به آن
 مبتلا شد، قضیه پرستش
 گوساله بود که به
 سرکردگی سامری این

اتفاق افتاد. در پایان
 میقات حضرت موسی (ع)
 خداوند او را مطلع می
 کند که ما قوم تو را
 در غیاب تو امتحان
 کردیم و سامری آنها را
 گمراه کرد.^۳

وقتی موسی (ع) نزد
 قوم خود برگشت، با
 ناراحتی و حالت خشمناک
 گفت: چه جانشینان بدی
 برای من بودید آیا در
 امر خدای خود شتاب
 کردید؟^۴ حتی به این هم
 اکتفا نکرد بلکه:

**[وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ
 أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ]**؛^۵ «سپس
 الواح را افکند، و سر
 برادر خود را گرفت (و
 با عصبانیت) به سوی
 خود کشید.»

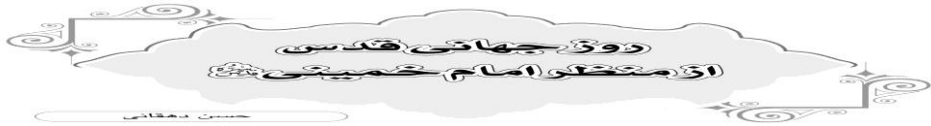
این واکنش که خبر
 از حال درون موسی (ع)
 و التهاب و بی‌قراری
 در برابر بت پرستی و
 انحراف آنها می‌داد،
 باعث شد که قوم او
 حساب خود را داشته
 باشند، جایی که موسی
 (ع) در راه خدا نسبت
 به برادر خود هیچ گذشت
 و تسامحی ندارد، پس با
 آنها چه خواهد کرد؟
 اگر موسی (ع) در این
 قضیه چنین برخورد تندی
 را اعمال نمی‌کرد،

۳. طه / ۸۵.
 ۴. اعراف / ۱۵۰.
 ۵. اعراف / ۱۵۰.

۱. اعراف / ۱۳۸.
 ۲. اعراف / ۱۴۱.

هرگز نمی توانست با نصیحت و اندرز آنها را هدایت کند.

بعد از برخورد با برادر خود هارون (ع)، سراغ عامل اصلی انحراف رفته و بعد از جویا شدن علت این کار او را به مجازاتی بدتر از مرگ محکوم می کند . موسی (ع) به او گفت : از میان ما برو تو در زندگی دچار بیماری می شوی که هر کس نزدیک تو آمد به او بگویی نزدیک مشو و برای تو میعاد است در آخرت که تخلف نخواهد شد. بدین وسیله موسی (ع) او را از جامعه انسانی طرد و منزوی ساخت و او را به عنوان موجودی نجس و آلوده معرفی کرد.^۱



***روز جهانی قدس از منظر امام خمینی

حسن دهقان

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی! قرائت جدیدی از اسلام به جهانیان ارائه شد. ایشان با انقلاب ایران، به دو ابر قدرت شرق و غرب نشان دادند که اسلام و حکومت اسلامی می تواند در جهان به عنوان قدرت مطرح باشد و برای زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان برنامه ارائه دهد. از جمله برنامه ها و دستورات اجتماعی اسلام، دفاع از مظلوم در برابر ظالم است که امام! از همان ابتدای پیروزی انقلاب به مسئله فلسطین توجه ویژه ای داشتند و تمام تلاش خود را جهت رفع بحران فلسطین به کار بستند.

ایشان انقلاب اسلامی ایران را الگویی برای تمام ملت های مظلوم، به ویژه مسلمانان مظلوم فلسطین مطرح نموده، طی سالیان طولانی خطر اسرائیل را گوشزد کردند و ماهیت این رژیم غاصب را به تمام ملت ها و دولت های اسلامی افشا نمودند و در ابتکاری خردمندانه جمعاً آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» به مسلمانان جهان معرفی کردند. نامگذاری روز قدس، موضوع اشغال فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام قرار داد و تمامی مسلمانان و مستضعفان جهان را در اتحادی بزرگ برای نجات فلسطین بسیج کرد تا با

یاری یکدیگر به اشغال فلسطین پایان دهند. این روز از منظر امام ! ویژگیا و خصایصی دارد و مسلمانان جهان اسلام نیز در این روز وظایفی دارند. اگر مسلمانان و دولتهای اسلامی برای نجات ملت مظلوم فلسطین عزم جدی داشته باشند، لازم است به این ویژگیا توجه نمایند. این نوشتار به بررسی برخی ویژگیا روز قدس و وظایف مسلمان جهان از منظر امام ! می پردازد.

ویژگی های روز قدس

از منظر امام خمینی! روز قدس دارای خصایصی است که مسلمانان جهان باید به آن توجه داشته باشند تا این روز را با شایستگی هرچه تمام تر برگزار کنند، از جمله:

۱. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین:

از منظر امام ! روز قدس، روزی جهانی است و به قدس اختصاص ندارد؛ زیرا این روز، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملتهایی است که در زیر فشار ظلم استکبار جهانی، به ویژه آمریکا هستند.

روز مقابله با ابرقدرتهاست. «روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند.»^۱ از منظر ایشان، روز قدس روزی است که منافقین و مسلمانان واقعی از یکدیگر شناخته می شوند؛ زیرا مسلمانان در این روز با اعلام حمایت خود از مستضعفین، به وظایف خود عمل می کنند و منافقین و دوستان اسرائیل و مستکبرین در این روز بی تفاوت هستند.

«روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می دانند و عمل می کنند به آنچه باید بکنند و منافقین - آنهایی که با ابرقدرتها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی - در این روز بی تفاوت هستند، یا ملتها را نمی گذارند که تظاهر

۱. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، سید روح الله موسوی مصطفوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ع)، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۹، ص ۲۷۶.

کنند.»^۱

روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مظلوم مشخص شود و مردم مستضعف باید در این روز اعلام وجود کرده ، هم‌انند ملت ایران قیام نمایند . روزی است که باید با همت مسلمانان، ملت‌های مظلوم و مستضعف نجات پیدا کنند . این روز، روز نجات قبله اول مسلمانان، قدس شریف است.

«روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود . باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین . باید همان طور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید، تمام ملت‌ها قیام کنند و این جرثومه های فساد را به زباله دانه‌ها بریزند . روز قدس روزی است که باید این دنباله روهای رژیم سابق در ایران، و آن توطئه چین‌های رژیم فاسد و ابرقدرتها در سایر جاها ، خصوصاً در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند . روزی است که باید همت کنید و

همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم . روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم . روزی است که باید جامع‌ة مسلمین همه اظهار وجود بکنند و هشدار بدهند به ابرقدرتها و به این ثفاله‌هایی که مانده است از آنها ؛ چه در ایران و چه در سایر جاها.»^۲

۲. روز احیای اسلام:

از منظر امام ! روز قدس روزی است که باید قوانین اسلام در کشورهای اسلامی اجرا شود . روز قدس، روز هشدار به ابرقدرتهاست . روزی است که به ابر قدرتها باید فهماند که کشورهای اسلامی تحت سیطره شما قرار نخواهند گرفت.

«روز قدس روز اسلام است . روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم، و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود . روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام

۱. همان.

۲. همان، صص ۲۷۷ - ۲۷۶.

دیگر تحت سیطره شما، به واسطه اعمال خبیث شما واقع نخواهد شد.»^۱ مسلمانان باید در این روز بیدار شوند و قدرت معنوی و مادی خود را باور کنند؛ زیرا آنان از پشتوانه الهی برخوردارند و چیزی برای ترسیدن وجود ندارد.

«روز قدس روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند. باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند؛ قدرتهای مادی، قدرتهای معنوی. مسلمین که یک میلیارد جمعیت هستند و پشتوانه خدایی دارند و اسلام پشتوانه آنهاست و ایمان پشتوانه آنهاست، از چه باید بترسند؟»^۲ ۳. روز شکست ناپذیری اسلام:

از دیدگاه امام! روز قدس روزی است که دولتهای عالم باید بدانند اسلام شکست ناپذیر است و اسلام و تعالیم آن باید بر تمامی ممالک غلبه پیدا کند. روز قدس، روز پیشرفت مسلمانان در تمام عالم است.

«دولتهای عالم بدانند که اسلام شکست بردار نیست. اسلام و

تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند. دین باید دین الهی باشد. اسلام دین خداست و باید در همه اقطار اسلام پیشروی کند. روز قدس، اعلام یک چنین مطلبی است. اعلام به این است که مسلمین به پیش! برای پیشرفت در همه اقطار عالم.»^۳

از نظر ایشان، روز قدس روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید به تمام ابرقدرتها فهماند که دیگر در ممالک اسلامی جایی برای استثمار و چپاول ندارند.

«روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بپرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند.»^۴

ایشان روز قدس را روز اسلام و پیامبر اکرم (ص) می داند و به مسلمانان توصیه می فرماید که با تمام قوا خود را مجهز کرده، از

۳. همان، ص ۲۷۸. ۴. همان.

۱. همان، ص ۲۷۷. ۲. همان، صص ۲۷۸ - ۲۷۷.

انزوا خارج شوند و در مقابل اجانب بایستند و اجازه ندهند که اجانب در مملکتشان دخالت کنند.

«من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم (ص) می دانم، و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم و مسلمین، از آن انزوایی که آنها را کشانده بودند، خارج شوند، و با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند...»^۱

روز قدس روز هشدار مسلمین به حکومت‌های خائن است. روزی است که حکومت‌های دشمن آمریکا و اسرائیل، حکومت‌هایی که دوست این جنایتکاران هستند، شناخته خواهند شد. در واقع، روز قدس روز جدایی حق از باطل است. «در روز قدس، ملتها باید به حکومت‌هایی که خائن هستند، هشدار دهند. روز قدس روزی است که ما خواهیم فهمید چه اشخاصی و چه رژیم‌هایی با توطئه گره‌ای بین المللی موافقت دارند و با اسلام مخالفت. آنه‌ایی که شرکت ندارند، مخالف با اسلام هستند

و موافق با اسرائیل. و آنهایی که شرکت کردند، متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام که در رأس آنها آمریکا و اسرائیل است. روز امتیاز حق از باطل است. روز جدایی حق و باطل است.»^۲

۴. روز تأسیس حزب مستضعفین: امام! اظهار امیدواری می کنند که روز قدس مقدمه ای برای تشکیل «حزب مستضعفین» در تمام دنیا باشد. ایشان از مستضعفین سراسر عالم دعوت می کنند تا در این حزب شرکت جسته، مشکلاتی را که بر سر راه مسلمانان است، بردارند و به مستکبران و چپاولگران شرق و غرب اجازه ندهند که به مستضعفین عالم ظلم کنند. همچنین بیان می کنند که مسلمین با تشکیل حزب مستضعفین، وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است - تحقق می بخشند.

«روز قدس يك روز اسلامی است، و يك بسیج عمومی اسلامی بود. و من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای يك

«حزب مستضعفین» در تمام دنیا و من امیدوارم که يك حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند، و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازة ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعدة اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - محقق کنند.»^۱

ایشان تأکید می کنند که مسلمین و مستضعفین عالم تاکنون متفرق بوده و با تفرقه، کاری انجام نمی پذیرد. باید پیوندی که در روز قدس تحقق پیدا کرده، در سطح وسیع تری، در تمام اقشار انسانهای تاریخ تحقق پیدا کند و این با تشکیل حزب مستضعفین صورت می پذیرد. ایشان از تمام مستضعفان عالم برای تشکیل این حزب دعوت می فرمایند؛ زیرا

حزب مستضعفین می تواند مشکلات این ملتها را مرتفع کند.

«تاکنون مستضعفین متفرق بودند، و با تفرقه کاری انجام نمی گیرد. اکنون که نمونه ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرده، این نمونه باید به يك سطح وسیع تری در تمام قشرهای انسانهای تاریخ تحقق پیدا کند به اسم حزب مستضعفین که همان حزب الله است و موافق ارادة خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین، وارث ارض باید بشوند. ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می کنیم که با هم در حزب مستضعفین وارد بشوند و مشکلات خودشان را با دست جمع و ارادة مصمم عمومی رفع کنند و هر مسئله ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می آید، به وسیلة حزب مستضعفین رفع بشود.»^۲

۵. روز هشدار به متفکران آمریکایی مسلک:

از نظر امام! روز قدس روزی است که باید به روشنفکرانی که در پشت پرده با آمریکا و اسرائیل رابطه دارند، و یا سنگ آنان را به

۲. همان، صص ۲۸۱ - ۲۸۰.

۱. همان، ص ۲۸۰.

سینه می زنند هشدار داد و به آنها فهماند که آمریکا نمی تواند بر ایران حکومت کند . روز قدس روز هشدار به همه ابرقدرتهاست تا از ظلم و ستم به ملتهای مظلوم و مستضعف دست کشیده و سر جای خود بنشینند.

«روز قدس روزی است که باید به این روشنفکرانی که در زیر پرده با آمریکا و عمال آمریکا روابط دارند، هشدار داد. هشدار به اینکه اگر از فضولی دست برندارید، سرکوب خواهید شد! ما به آنها مهلت دادیم و با آنها با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارند و اگر دست برندارند، کلمه آخر را خواهیم گفت و خواهیم به آنها فهماند که دیگر رژیم سابق قابل برگشتن نیست و دیگر آمریکا نمی تواند به اینجا حکومت کند، و دیگر سایر ابرقدرتها نمی توانند در این مملکت حکومت کنند. روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار داد که باید دست خود

را از روی مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید.»

۶. روز بیداری مسلمانان:
از منظر امام! روز قدس باید روز بیداری مسلمانان بشود؛ زیرا این روز با شبهای قدر - که سرنوشت انسان در آن رقم می خورد - همجوار شده است . مسلمانان باید این روز را نیز احیا کرده و موجب بیداری و هوشیاری دیگر مسلمانان شوند. شایسته است که مسلمانان در این روز از قید اسارت و بردگی ابرقدرتها رها شده و دست جنایتکاران را از کشورهای مستضعف قطع کنند.

«روز قدس که همجوار شب قدر است، لازم است که در بین مسلمانان احیا شود و مبدأ بیداری و هوشیاری آنان باشد، و از غفلتهایی که در طول تاریخ، خصوصاً سده های اخیر شده است، بیرون آیند تا آن روز هوشیاری و بیداری از دهها سال ابرقدرتها و منافقان جهان والاتر باشد، و مسلمانان جهان مقدرات خود را

خود به دست قدرت خود پی ریزی و پایه گذاری کنند . در شب قدر، مسلمانان با شب زنده داری و مناجات، خود از قید بندگی غیر خدای تعالی که شیاطین جن و انس اند، رها شده و به عبودیت خداوند در می آیند، و در روز قدس که آخرین روزهای شهر الله اعظم است، سزاوار است که مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرتها رها شده و به قدرت لایزال الله بپیوندند و دست جنایتکاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را بگسلانند.»^۱

ایشان از مسل مانان دعوت می کنند تا به پا خیزند و خود مقدرات خود را رقم بزنند . ایشان خطاب به مسلمانان عرضه می دارند : «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی! به پا خیزید و مقدرات خود را به دست گیرید. تا کی نشسته اید که مقدرات شما را و اشنگتن یا مسکو تعیین کنند؟ تا کی باید قدس شما در

زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود؟ تا کی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید و بعض حکام خائن شما آتش بیار آنان باشند؟ تا کی قریب یک میلیارد مسلمان در جهان و قریب صد میلیون عرب با کشورهای وسیع و ذخایر بی پایان، شاهد چپاولگریهای شرق و غرب و ستمگریها و قتل عامهای غیر انسانی آنان و تفاله های آنان باشند؟ ... تا کی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات قدس از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخوردهای سازشکارانه با ابرقدرتها وقت گذرانده و به اسرائیل مهلت جنایتهای بی امان داده و شاهد قتل عامها باید بود؟ ... باید برای آزادی قدس از مسلسلهای متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازیهای سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه داشتن ابرقدرتها به مشام می

رسد، کنار گذاشت.»^۱
وظایف مسلمانان در روز قدس
 از دیدگاه امام خمینی! مسلمانان در روز قدس وظایفی دارند که اگر به طور صحیح به آنها عمل شود، مسلمانان دارای چنان قدرتی خواهند شد که نه تنها مشکل فلسطین حل می شود؛ بلکه بر تمام مشکلات جهان اسلام فائق خواهند آمد.

۱. ترغیب مسلمانان جهان به اتحاد علیه اسرائیل

امام! به مسلمانان جهان اعلام می دارد که من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل را گوشزد کرده ام. ایشان برای کوتاه کردن دست این رژیم غاصب، از مسلمانان می خواهد که با هم متحد شوند. جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس انتخاب کرد و از مسلمانان جهان خواستند تا طی مراسمی همبستگی بین المللی خود را در دفاع از مردم مظلوم فلسطین اعلام نمایند.
 «من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم... من از عموم مسلمانان جهان و

دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند.»^۲

همچنین امام! اظهار امیدواری می کند که مسلمانان روز قدس را بزرگ شمرده، در کشورهای اسلامی برنامه و مجلس داشته باشند؛ زیرا این اتحاد و فریادها باعث ترس اسرائیل خواهد شد: «امیدوارم که

مسلمانان ها روز قدس را بزرگ بشمارند و در همه ممالک اسلامی، در روز قدس، در روز جمعه آخر ماه مبارک، تظاهر کنند، مجالس داشته باشند، محافل داشته باشند، مسجد داشته باشند، در مساجد

۱. همان، صص ۶۰ - ۵۹.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۶۷.

فریاد بزنند. وقتی یک
میلیارد جمعیت فریاد
کرد، اسرائیل نمی
تواند، از همان
فریادش می ترسد.»^۱

۲. دعوت از حکومتها برای
مبارزه با استکبار

از دیدگاه امام

خمینی! یکی از مهم
ترین وظایف مسلمانان
در روز قدس این است
که با تظاهرات از
دولت‌های خویش بخواهند
تا با قدرت نظامی و
سلاح نفت، با آمریکا و
اسرائیل مبارزه کنند
و در صورت عدم مبارزه
دولت‌ها با ابرقدرت‌ها،
با اعتصابات خود

دولت‌ها را مجبور به
مبارزه نمایند:

«اما تکلیف ملت‌ها

در آستانه روز قدس و
آستانه سالروز شهادت
بزرگ انسان تاریخ
بشریت، آن است که در
اجتماعات و

راهپیمایی‌های خود از
دولت‌های خویش به طور
جدی بخواهند که با
قدرت نظامی و سلاح
نفت، در مقابل آمریکا
و اسرائیل به مقابله
برخیزند، و اگر گوش
نکردند و اسرائیل
جنایتکار را که تمام
منطقه، حتی حرمین

شریفین را تهدید می
کند و هم اکنون عمق
خواست‌های او واضح
شده است، تأیید
کردند، با فشار و
اعتصابات و تهدید،
آنان را مجبور به عمل
کنند.»^۲

ایشان بیان می دارد
که با توجه به تجاوز
اسرائیل به اماکن
مقدسه، هیچ کس نمی
تواند نسبت به آن بی
تفاوت باشد. ایشان
صراحتاً اعلام می دارند
کارهایی که دولت‌های
منطقه انجام می دهند،
جز سازش کاری، چیز
دیگری نیست:

«در حالی که اسلام و

اماکن مقدسه آن مورد
تهدید به تجاوز قرار
گرفته، هیچ فرد
مسلمان نمی تواند در
مقابل آن بی تفاوت
باشد و آنچه در این
موقع که اسرائیل
تجاوز گسترده به بلاد
مسلمین نموده و
مسلمانان بی گناه و
بی پناه را به خاک و
خون کشیده است،
دولت‌های منطقه انجام
می دهند، جز يك كلام
بی محتوا و سازش
کارانه نیست.»^۳
امام! به سران

۲. همان، ج ۱۶، ص ۳۸۱.
۳. همان.

۱. همان، ج ۱۳، ص ۸۰.

فلسطینی نصیحت می کند که دست از سازش کاری و مراوده با صهیونیسم بردارند؛ زیرا با این اقدامات، نه تنها کار جلو نمی رود؛ بلکه باعث ناامیدی ملت مبارز می شود. ایشان از سران فلسطینی می خواهد تا با اتکا به خداوند بزرگ و ملت فلسطین و اسلحه خویش، تا سرحد مرگ با اسرائیل مبارزه کنند و ملت ایران را الگوی خویش قرار دهند:

«من به سران فلسطینی نصیحت می کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته و با اتکا به خداوند متعال و مردم فلسطین و اسلحه خویش تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند؛ چراکه این رفت و آمدها موجب می شود که ملتهای مبارز از شما دلسرد شوند.»^۱

۳. ضرورت بیداری و قیام ملتها

امام! معتقد است که مسلمانان باید روز قدس را زنده نگهدارند؛ زیرا اسرائیل فقط به سرزمینهایی که غصب کرده است اکتفا نخواهد کرد. ایشان متذکر می شود که اقدامات آمریکا

و مجالس حقوق بشر، ظاهری و توخالی است: «روز قدس را باید مسلمانها زنده نگهدارند. من کراراً راجع به طمعهای اسرائیل تنبّه داده ام که اسرائیل این طور نیست که اکتفا کند به آن زمینهایی که غصب کرده است. حالا دیدید که پایتخت خودش را در قدس قرار داده است و تمام این چیزهایی که از آمریکا و طرفدارهای حقوق بشر و از این محافل و مجالسی که در خارج هست، اینها تمام يك شعرهای غیر موزون است؛ و لهذا می بینید که انکار می کنند... اینها همه دستشان توی هم است و برای چاپیدن ما مسلمین و کسانی که در آسیا، در آفریقا، در آنجاها هستند، و مع الأسف، مسلمین متنبّه نمی شوند.»^۲

ایشان از ملتهای مسلمان می خواهند تا خودشان قیام کنند؛ زیرا دولتها علاوه بر س کوت، دست در دست متجاوزان و ظالمان قرار داده و با آنها همکاری می کنند:

۲. همان، ج ۱۳، ص ۷۲.

۱. همان، ص ۳۸۲.

در صورت توجه کردن
مسلمانان به ویژگیها
و وظایفشان در این
روز، نه تنها بحران
فلسطین مرتفع می شود؛
بلکه مسلمانان و
دولتهای اسلامی دارای
چنان قدرتی خواهند شد
که هیچ ابرقدرتی در
عالم توان مقابله با
آنها را نخواهد داشت .

«ملتها باید خودشان
راجع به این مسائل
قیام کنند؛ برای اینکه
دولتها هم غالباً - الا
کمی، اگر باشد - آنها
هم دستشان با همان
ابرقدرتها توی هم است
.»

نتیجه گیری

از منظر امام ! روز
قدس روز مقابله
مستضعفین با

مستکبرین، روز احیای
اسلام و نشان دادن
شکست ناپذیری اسلام
است . روز قدس می
تواند مقدمه ای برای
تأسیس «حزب مستضعفین»
و در نتیجه، نجات

- مستضعفین عالم باشد
- روز قدس روز بیداری
مسلمانان و روز هشدار
به ابرقدرتهاست
- مسلمانان باید در این
روز علیه اسرائیل
متحد شده و از
دولتهای خود بخواهند
تا با قدرت نظامی و
سلاح نفت با اسرائیل و
متحدانش به مبارزه
برخیزند و در صورت
عدم مبارزه دولتها -
که از منظر امام ! این
خود

چنین است -
مسلمانان وظیفه
مبارزه و قیام علیه
اسرائیل را دارند .

***نقش کانون خانواده در سلامت جامعه اسلامی

علی ملکوتی نیا

مقدمه

لازم الاهتمام تر، مسئله اهمیت و اعتبار خانه و خانواده است که باید بیش تر از گذشته درباره آن تأمل و تدبیر کرد^۱ و آن را از جمله مسائل درجه یک کشور به شمار آورد؛^۲ زیرا بدون هیچ تردیدی، نهاد خانواده، یک نیاز اجتماعی و اصلی ترین رکن جامعه و زمینه ساز خوشبختی یا سیه روزی انسانها و امتهاست؛ چون میان تحولات کانون خانواده و سلامت یا بیماری جامعه، ارتباط طرفینی وجود دارد و در نتیجه، سلامت اخلاقی جامعه به ایجاد

مسئله خانه و خانواده، از منظر آموزه های دینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله مسائل اصلی زندگی اجتماعی است که امروزه با ظهور آسیبهای نوپدید، از جمله آسیب های ناشی از رشد فناوری و اطلاعات (اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و شبکه های اجتماعی)، اهمیت بیش تری یافته و مورد توجه جدی اندیشمندان و کارشناسان خانواده و علوم اجتماعی قرار گرفته است.

به اعتقاد رهبر

معظم انقلاب اسلامی>، در میان مسائل فرهنگی از همه مهم تر، فوری تر و

۱. بیانات امام خامنه ای در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی، ۱۳۹۲/۲/۲۱.
۲. بیانات رهبر در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

خانواده های سالم، مستحکم، مؤمن و انقلابی وابسته است.

با توجه به این مسئله، در این مجال به ابعاد تأثیرگذاری خانواده در سلامت اخلاقی جامعه می پردازیم. **مفهوم سلامت خانواده**

درباره مفهوم «سلامت خانواده»، رویکردها و اظهارنظرهای گوناگونی وجود دارد؛ لیکن از منظر روانشناسان و جامعه شناسان، خانواده سالم و موفق، خانواده ای است که از ویژگیهای زیر برخوردار است:

- اسلامی، وجود مدی ریت و انسجام، صمیمیت و همدلی، تأمین نیازهای روحی و جسمی اعضا، حفظ استقلال فردی و رضایتمندی اعضای خانواده.^۱

علاوه بر آن، به نظر می رسد: از منظر قرآن کریم، یکی از شاخصهای مهم سلامت یا بیماری خانواده، «سلامت مبنا و مسیر آن» است. خانواده ای که بر مبنای اصول انسانی و اخلاقی تشکیل شده باشد، و در جهت دستیابی به فضایل و

کمالات اخلاقی قدم بر دارد، کانونی سالم و مرکزی برای تولید ایمان و دینداری خواهد بود. قرآن می فرماید:

[أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شِقَاٍ جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الظَّالِمِينَ]^۲: «پس آیا کسی که اساس (آیین زندگی) خود را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا آن کس که بنیان (زندگی) خود را بر لب پرتگاهی سست و در شرف سقوط نهاده و آن بنا او را در آتش جهنم سرنگون سازد؟! و خدا گروه ستمکاران را (پس از اتمام حجت) راهنمایی نمی کند.»

جامعه سالم با خانواده سالم

واقعیت این است که کانون خانواده، سازمان اجتماعی پُردامنه ای است که تأثیرات مثبت و منفی آن، تمام مناسبات و ساحتهای اجتماع را در بر می گیرد. خانواده همچون آینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود به تماشا می گذارد و انعکاسی از سلامت یا بیماری

اجتماع است. در عین حال، فرد تأثیرپذیری

۱. سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، زمستان ۱۳۹۱، ش ۵۹.

شدیدی از جامعه دارد. از این رو، می توان با قاطعیت اعلام کرد که جامعه سالم فقط در پرتو خانواده سالم ممکن است، و پایداری خانواده، بالندگی و تعالی جامعه را به دنبال خواهد داشت.

به این دلیل قرآن کریم در ایجاد جامعه سالم و صالح، از اصلاح و تهذیب خانواده آغاز می کند و در یک جمله، از انسانها می خواهد تا خود و خانواده خود را از گناهایی که آتش دوزخ را به دنب

دارد، محافظت کنند: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ]؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست، نگهدارید! آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می کنند.»

ابعاد تأثیرگذاری خانواده در جامعه

در یک نگاه کلی، هنگامی که کانون خانواده در جامعه شکل گرفت، لوازم و آثاری را به دنبال خود می آورد که از همان مسیر بر تمام معادلات جامعه اثر می گذارد. در واقع خانواده به مثابه یک سازمان توانمند اخلاقی، تمام بخشهای مهم جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد که در اینجا به عنوان نمونه به مهم ترین موارد از این ابعاد اشاره می کنیم:

۱. خانواده، ضامن سلامت اخلاقی جامعه خانواده با قانون ازدواج و پیوند دادن دلها به یکدیگر، نابسامانیها و ناهنجاریهای اخلاقی فرد و جامعه را برطرف می کند، همان طور که پیامبر (ص) می فرماید: «رَوِّجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ؛^۲ زنان بی شوهر را همسر دهید که خدای متعال اخلاقشان را نیکو می گرداند و روزی شان را وسعت می بخشد و بر مروّت آنها می افزاید.»

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲، ج ۴۸.

۱. تحریم/ ۶.

آن حضرت خطاب بہ جوانان می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ ؛^۱ ای جوانان! هر کس از شما که می تواند ازدواج کند ، باید ازدواج کند ؛ چراکه آن، چشم را پوشیده تر و دامن را بیش تر حفظ می کند.»

۲. خانواده، عامل بقای نسل خانواده با نظم بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل (فرزندآوری)، بقای جوامع را تضمین نموده و به طور کلی نسل انسانها را تداوم می بخشد. به این دلیل، در آموزه های اسلامی برای تشویق و ترغیب به فرزندآوری و فرزندافزایی دستورات فراوانی وجود دارد. به عنوان نمونه، رسول اکرم (ص) بر تکثیر نسل تأکید نموده، آن را موجب افتخار می داند و می فرماید: «أَكْثِرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا ؛^۲ زیاد فرزند بیاورید تا فردا (روز قیامت) به واسطه

کثرت شما به سایر امتهای مباحات کنم.» و نیز فرمود: «تَنَّاكْحُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ ؛^۳ ازدواج کنید و فرزند بیاورید. من با شما، حتی به وسیله فرزندان سقط شده شما، در روز قیامت بر سایر امتهای مباحات م ی کنم.»

افزون بر این، امام صادق (ع) فرمود: «چون یوسف برادرش را دید، به او گفت: ای برادرم! چگونه توانستی که پس از من با زنان ازدواج کنی؟ برادر یوسف گفت: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي فَقَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثَقِّلُ الْأَرْضَ بِالسَّبِيحِ فَأَفْعَلْ ؛^۴ پدرم به من دستور داد که اگر بتوانی نسلی داشته باشی که زمین را با تسبیح خدا سنگین سازد، پس این کار را انجام بده!»

۳. خانواده، کانون عواطف و دلبستگی ها خانواده با ایجاد عاطفه و دلبستگی والدین نسبت به فرزندان و مراقبت از آنها، به طور کامل به سلامت، رشد و پویایی

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۳، ج ۱۶۳۵.

۲. وسائل الشيعة، الشيخ حرّ عاملی، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۵۷، ج ۲۷۲۸۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، ح ۲۴.

۴. وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۳۵۶، ح ۲۷۲۸۲.

نسل آینده می پردازد . در تحلیلی بنیادین، پیوند میان پدر و مادر با فرزند، از قوی ترین و قدیمی ترین دل بستگیهای بشری است . هنگامی که این پیوند تضعیف و فرسوده شود، پیامدهای ویرانگر آن در سراسر کشور دیده می شود؛ زیرا این پیوند اساسی، والاترین منبع به هم پیوستگی جامعه است... به این معنا که رشد و توسعه کامل انسان، مستلزم چیزی بسیار ژرف تر و پیچیده تر از آب و غذا است . این امر نیازمند عشقی پایدار و نگهدارنده است . به گفته ویلارد گیلین (Willard Gaylin) روانپزشک معروف: «برای ابداع ظرفیتی مشابه در کودک، لازم است با عشق از او مراقبت کرد.»^۱ عشق و علاقه والدینی، نه تنها قویاً به توسعه یافتگی فرزند به تمام معنا کمک می کند؛ بلکه جامعه بزرگ تر را نیز تغذیه و بیمه می کند؛^۲ زیرا فرزندان با دریافت محبت کافی و دل بستگی

به والدین خود، شکفته می شوند و روز به روز برافراشته تر می گردند، و از این طریق، خوددوستی و محبت به دیگران در وجود آنها توسعه می یابد، و سرانجام همین کودکان رشدیافته هستند که ۱۰۰ درصد آینده جامعه را تشکیل خواهند داد.

۴. خانواده، کانال انتقال ارزشها و فرهنگها

نهاد خانواده با انتقال ارزشها و فرهنگ سالم به نسل بعدی، آینده اعتقادی و اخلاقی آنها را بیمه می کند؛ چون خانواده، اولین وسیله انتقال میراث فرهنگی به فرزندان و نسل آینده است و رسمها، آداب، تشریفات، اخلاق، قانون و مقررات اجتماعی از راه تلقین و ارائه الگوهای صحیح به کودک آموخته می شود . از این جهت ، جامعه شناسان می گویند : «خانواده ها انتقال دهندگان اصلی ارزشهای فرهنگی و عمده ترین الگوی رفتارهای پذیرفتنی و ناپذیرفتنی اند.»^۳ آنان معتقدند : «نباید خانواده ها را

۱. جنگ علیه والدین، سیلویا آن هیولت و کورنل وست، ترجمه و تلخیص: معصومه احمدی، دفتر نشر معارف اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش، صص ۴۹ - ۵۰.
۲. همان، ص ۵۱.
۳. درآمدی به مطالعات خانواده، جان برناردز (۱۹۵۲م)، ترجمه: حسین قاضیان، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش، ص ۳۰۲.

در این کار تنها گذاشت؛ بلکه باید از آنها در جهت بسط و گسترش ارزشهای اصولی بشر، همچون : احترام، مدارا، برابری، لطف و کمک، مسئولیت در قبال دیگران، راستی و درستی، گذشت و همیاری، حمایت کرد.»^۱

۵. خانواده، عامل رشد مردان و زنان
 کانون خانواده با ارائه نقش پدر و مادری، به رشد و تعالی اخلاقی مردان و زنان جامعه مبادرت می ورزد؛ چون انسانها با پذیرفتن این نقش، چارچوب دیگری خواهند یافت. به این دلیل که ازدواج، داشتن فرزندان زیاد و تشکیل خانواده های بزرگ، برای رشد والدین و ساخته شدن شخصیت فرزندان، مفید است؛ زیرا به اعتقاد کارشناسان خانواده :
 «تنها ریشه عمومی رشد و پختگی انسان در پرورش فرزندان، قرار دارد؛ هرچه تعداد فرزندان بیش تر، کودکی کردن، کم تر ! یعنی وقتی شما زندگی خود را صرف خوب شدن و رشد کردن دیگران کنید، آدم دیگری خواهید شد؛ ولی

با داشتن بچه های کم، رشد شما کند خواهد بود.»^۲

۶. خانواده، مهد رویش لذت های حقیقی

خانواده در پیدایش دو سنخ لذت حقیقی در زندگی نقشی اساسی دارد که این دو لذت فقط در نظامی که خانواده جدی گرفته شود، پدید می آید؛ یکی لذت عاشقی و دیگری لذت پدر و مادری!^۳

۷. خانواده، کانون مراقبت از کودکان، نوجوانان و سالمندان

کانون خانواده، مکانی امن برای حمایت، مراقبت و نگهداری از کودکان، نوجوانان، معلولان و سالمندان از خطرات و آسیبهای جسمانی، روحی و اقتصادی است؛ زیرا آنها به تنهایی قادر به مراقبت از خود و انجام وظایف خویش نیستند.

میان غیبت والدین در خانه و مشکلات رفتاری و عاطفی در کودکان و نوجوانان پیوند و ارتباط عمیقی

۲. تأملی درباره خانواده تک فرزندی، بیل مک کین، ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ش ۶، آذر ۱۳۸۲ش.

۳. جنسیت و دوستی؛ مواجهه اسلامی با مسئله رابطه دختر و پسر، دکتر حسین سوزنچی، دفتر نشر معارف، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش، ص ۵۰.

وجود دارد. به عنوان نمونه، در مطالعۀ ای که بر روی ۵۰۰۰ دانش آموز کلاس هشتم در منطقه سان دیگو و لس آنجلس آمریکا صورت گرفت، مشخص شد آن دسته از کودکانی که ساعات بیش تری را پس از مدرسه در تنهایی به سر می بردند، دو برابر بیش از کودکانی که پس از مدرسه تحت نظارت پدر یا مادر یا یک عضو بزرگسال خانواده قرار داشتند، در خطر آلودگی به مواد مخدر و مشروبات الکلی قرار داشتند.^۱

پژوهشی دیگر درباره نود هزار نوجوان؛ یعنی بزرگترین و جامع ترین پژوهشی که درباره رفتار نوجوانان صورت گرفته است، نشان داد که آنان چنانچه دارای پیوند نزدیک با والدین خود و تحت مراقبت آنها باشند، احتمال اینکه دست به خودکشی بزنند، دچار خشونت شوند و یا مواد مخدر مصرف کنند، خیلی کم تر می شود. این پژوهش مشخص کرد که نفس حضور فیزیکی پدر و مادر پس از بازگشت فرزندان به خانه، سر

میز شام و هنگام خواب، وقوع رفتارهای مخاطره آمیز میان نوجوانان را به طور چشمگیری کاهش می دهد.^۲

۸. خانواده، بستر شکل گیری خویشاوندی

نهاد خانواده با به وجود آوردن شبکه خویشاوندی و ایجاد روابط صمیمی با آنها سلامت روحی، شادکامی و حمایت اجتماعی را برای والدین، فرزندان و افراد فامیل به ارمغان می آورد که این مهم به سهم خود شیرین ترین خاطرات و ماندگارترین تأثیرات را در زندگی فردی و اجتماعی افراد بر جای می گذارد.^۳

۹. حقوق خانواده، عامل تعدیل انتظارات و حل اختلافات

خانواده با به میدان آوردن «قوانین حقوقی و اخلاقی خانوادگی» که نشان دهنده جایگاه و موقعیت روابط خانوادگی بین افراد است و بر حقوق و وظایف آنها در این نوع روابط تأکید می کند، اخلاق و رفتار اعضای خود را اصلاح نموده و

۲. همان، ص ۶۲.
 ۳. برای آشنایی با آثار رواب ط خویشاوندی ر. ک: مقاله اخلاق خویشاوندی در آموزه های اسلامی، نگارنده، ماهنامه مبلغان، ش ۱۹۶.

۱. جنگ علیه والدین، ص ۶۱.

انتظارات را تعدیل و اختلافات را حلّ و فصل می نماید.

قوانینی از قبیل :
 حرمت ازدواج با محارم (ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران) و با غیر مسلمان (ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی) ، لزوم ثبت ازدواج در دفاتر رسمی (ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی) ، وجوب نفقه و انفاق (ماده ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ قانون مدنی) ، لزوم حُسن معاشرت (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی) ، مسئولیت والدین در حضانت و تربیت فرزندان (مواد ۱۱۶۸ - ۱۱۷۵ قانون مدنی) ، ریاست مرد در خانواده (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی) ، منع اشتغال زن در موارد خاص (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی) ، ولایت پدر و جدّ پدري بر فرزندان (ماده ۱۱۸۱ و ۱۱۸۳ قانون مدنی) و ده ها ماده و حکم حقوقی دیگر، بهترین وسیله حراست از کیان خانواده و مراقبت و پاسبانی از اخلاق و حقوق اعضای خانواده است.^۱

۱۰. خانواده و جامعه پذیری اعضای خانواده
 خانواده با نقش آفرینی در فرایند جامعه پذیری اعضای خانواده (از کودکی تا میانسالی) آنها را قادر می سازد تا در جامعه ای که در آن زندگی می کنند ، با تعامل درست با دیگران ، افرادی کارآمد و تأثیرگذار شوند؛ زیرا از منظر جامعه شناسان: «در خانواده است که ما برای اولین بار، تفاوتها، تقسیم بندیها و سلسله مراتب را تجربه می کنیم؛ چون خانواده، با محوریت جنسیت و سنّ شکل می گیرد.»^۲

۱۱. خانواده، و فضای عمومی و خصوصی
 کانون خانواده ، زندگی افراد را به فضای عمومی و خصوصی تقسیم می کند. عمومی به فضای کار و فعالیت اجتماعی و خصوصی به دنیای خانه و عرصه خانوادگی اشاره دارد

خانواده، سیدحسین صفایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۷ش؛ دانش خانواده و جمعیت، جمعی از نویسندگان، دفتر نشر معارف اسلامی، قم، چاپ بیستم، زمستان ۱۳۹۳ش، فصل دوم؛ اخلاق در خانواده، زهرا آیت الهی و همکاران، دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۱ش، فصل ششم.

۲. درآمدي به مطالعات خانواده، ص ۱۸.

۱ برای مطالعه بیشتر ر.ک: حقوق

که از این مسیر برای زندگی افراد جامعه حریم و حرمت پدید می آورد.

۱۲. نهاد خانواده، ریشه تغییرات اجتماعی

نهاد خانواده، ریشه تغییرات اجتماعی است؛ زیرا خانواده در کنار دین و دولت، از گذشته تاکنون سازنده جامعه ایرانی از طریق تولیدمثل، حفاظت، حضانت و تربیت فرزندان بوده است. بر این اساس، ساختن جامعه امروز بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی، فقط از دریچه تشکیل خانواده و تحکیم آن میسر است؛ زیرا به اعتقاد جامعه شناسان خانواده: «ه ر نوع تغییری در جامعه ایرانی، ریشه در خانواده دارد. اصلی ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به واسطه خانواده، محقق شده یا اینکه جهت گیری آن معطوف به خانواده بوده است. با نگاهی به تاریخ ایران به این مفهوم، بهتر پی می بریم.»^۱

افرادی چون: خواجه

نصیر الدین طوسی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و بسیاری از عالمان دینی # چنین عقیده دارند که خانواده ایرانی، سازنده جامعه ایرانی و ریشه تغییرات اجتماعی^۲ و از جمله نهادهای قدیمی است که در تولید عاطفه، حمایت مالی و ساماندهی زیست انسانی و اجتماعی، مرکزیت دارد.

۱۳. خانواده، عامل پیشگیری و درمان

خانواده از سوی جامعه شناسان و روان شناسان به عنوان یک واقعیت و عامل پیشگیری و درمان برای بیماریهای اخلاقی و اجتماعی به شمار می آید. از نگاه آنان خانواده کانون «التمام و پاتولوژی» اعضای خود است.^۳

با تکیه بر همین مفهوم، درمانگران و محققان خانواده همواره کوشیده اند در رفع مشکلات خانواده و اجتماع، نقاط قوت آن را رکن درمان بودن

۱. جامعه شناسی خانواده ایرانی، دکتر تقی آزاد ارمکی، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم، م، تابستان ۱۳۹۲ش، ص (مقدمه).

۲. همان، ص ۴۰.
۳. ر.ک: خانواده درمانی مثبت نگر، کولی و ایت کانلی و جین کلوز کانلی، مترجم: فرشاد بهاری، نشر علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.

بدانند. بنابراین، در دوران معاصر و در روان‌شناسی مثبت‌گرا شاهد پیدایش اندیشه و نظریه «خانواده درمانی مثبت‌نگر» هستیم که به تقویت کانون خانواده و افزایش رشد و تکامل اعضای آن می‌اندیشد. این اندیشه فنونی را آموزش می‌دهد تا تک‌تک اعضای خانواده مسئولیت خود را در قبال موفقیت دیگر اعضا تشخیص داده و برای آن اقدام نماید.^۱

پیشگیری و درمان در خانواده، بر مبنای دقیق جامعه‌شناختی و روانشناختی استوار است. آنان معتقدند: «خانواده در زمینه‌های مختلفی می‌تواند بر افکار عمومی جامعه و باورهای آن تأثیر بگذارد و از طریق آن سیاستها و خط مشیهای موجود در جامعه را دگرگون کند، لذا خانواده می‌تواند الگوی مناسبی را خلق کند و آن را در جامعه ترویج نماید.»^۲

۱۴. خانواده و تقسیم وظایف کانون خانواده در

دین اسلام با توزیع ساختار قدرت و ایجاد سلسله مراتب و همچنین تقسیم وظایف، نقش سرپرستی کلان و مدیریت اقتصادی را (غالباً) به پدر^۳ و جایگاه مدیریت عاطفی را به مادر می‌سپارد تا به این وسیله از انحراف، بی‌نظمی، تزلزل و فروپاشی بنیان زندگی خانوادگی جلوگیری کند؛^۴

زیرا خانواده، کانونی است که در آن چگونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل‌گیری و رشد شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان و نیز در احساس رضایت از زندگی و خوشبختی آنان اثر می‌گذارد. بر این اساس، برخی پژوهشها^۵

۳. نساء / ۳۴: >الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَيَمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ >; «مردان سرپرست زنانند، به سبب آنکه خداوند برخی را بر برخی دیگر (مردان را بر زنان در نیروی فکری و روانی و جسمی) برتری بخشیده (و از این‌رو، ولایت امر جامعه را در رتبه نبوت و امامت و ولایت انتصابی از جانب معصوم، از آن مردان قرار داده است) و نیز مردان سرپرست همسران خویش‌اند، به خاطر آنکه از اموالشان (برای زنان) خرج می‌کنند.»

۴. برای اطلاع از مباحث فوق ر.ک: مقاله اینجانب با عنوان: مدیریت پدر در خانواده از منظر اسلام، ماهنامه مبلغان، ۱۸۸.

۵. بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فاطمه سعیدیان، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۸۲ش.

۱. همان.
۲. مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، جین ریبنز مک‌کارتی و روزالیند ادواردز، ترجمه محمد مهدی لبیبی، نشر علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ش، ص ۲۸۷.

نشان می دهد که در ۴۰ درصد از خانواده های تحت مشاوره - که خانواده های «مرزی» نامیده می شوند - مبارزه قدرت وجود دارد. به این دلیل، ساختار قدرت و مدیریت کارآمد در خانواده و آموزش صحیح آن در استحکام و بالندگی خانواده نقشی اساسی خواهد داشت.

لزوم تلاش همگانی برای سلامت و پایداری خانواده

برای برخورداری از جامعه سالم، بیش از هر چیز دیگری می بایست به خانواده سالم و صالح فکر کرد؛ چون برنامه ریزی و تلاش برای سلامت و تعالی خانواده، سلامت و کمال جامعه را به دنبال دارد که متعاقباً جامعه سالم و متعالی نیز برکات و تأثیرات خود را به کانون خانواده منعکس خواهد کرد.

خانواده یکی از سلولهای سازنده پیکره اجتماع است که سلامت (اعتقادی و اخلاقی) آن موجب رشد و بالندگی جامعه خواهد شد و هنگامی که یکایک افراد جامعه در روابط خود با دیگران، با طهارت و سلامت نفس برخورد کردند و تمام فعالیتهای

اجتماعی خود را بر مدار صداقت، خیرخواهی و نیکوکاری بنیان نهادند، در آن صورت، اعضای خانواده با آرامش و امنیت اخلاقی به این جامعه قدم می گذارند تا نیازها و احتیاجات خود را پی گیری کنند.

قرآن کریم بیان می دارد که پیامبران الهی و مصلحان اجتماعی نسبت به هدایت و سلامت خانواده خود، بیش از دیگران حساسیت داشتند. از جمله این موارد، تلاش حضرت نوح (ع) برای نجات فرزند خود^۱ و طلب آموزش از سوی حضرت ابراهیم (ع) برای پدرش^۲ و سفارش آن حضرت به فرزندان خود به اینک: [يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ]^۳ می باشد.

لقمان حکیم (ع) نیز در راستای تربیت اعتقادی فرزندش تلاش می کرد: [وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ]^۴؛ «(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه

۱. هود/ ۴۶.
۲. توبه/ ۱۱۴.
۳. بقره/ ۱۳۲.
۴. لقمان/ ۱۳.

می کرد - گفت : پسر من !
 چیزی را همتای خدا
 قرار مده که شرک، ظلم
 بزرگی است.»
 فرجام کلام آنکه
 امروزه به تلاش ملی
 وسیع و همه جانبه از
 سوی دولت و ملت در
 راستای ارج نهادن به
 خانه و خانواده نیاز
 مبرم داریم تا به
 وسیله آن از حریم
 خانواده های موجود،
 حراست شود و زمی نة
 تشکیل خانواده پایدار
 و فرزندآوری سالم برای
 جوانان فراهم گردد که
 این مهم به طور یقین
 سلامت اخلاقی و اجتماعی
 جامعه را به دنبال
 خواهد داشت؛ زیرا
 خانواده پایه گذار بخش
 مهمی از سرنوشت انسان
 است و در تعیین سبک و
 خط مشی زندگی آینده،
 اخلاق، سلامت و عملکرد
 فرد در آینده نقش
 بزرگی بر عهده دارد.
 انحرافات خانواده،
 عدم سلامت روانی هر یک
 از اعضای خانواده،
 مشکلات اقتصادی و
 اجتماعی خانواده از
 لحاظ تأثیری که روی
 اعضای خود دارد، جامعه
 را نیز تحت تأثیر خود
 قرار می دهد. به این
 صورت که افراد پرورش
 یافته در خانواده وارد
 اجتماع می شوند و

ویژگیهای سالم یا
 ناسالم خود را که در
 خانواده دریافت کرده
 اند، وارد اجتماع می
 کنند.
 از این لحاظ ، سلامت
 جامعه به سلامت
 خانواده های آن
 وابسته است . چنین
 تأثیراتی علاوه بر
 مسائل پیرامونی و
 جزئی، در مسائل کلان
 اقتصادی ، اجتماعی و
 سیاسی جامعه نیز نقش
 دارند. به این ترتیب ،
 به نظر می رسد که
 اصلاح و پیشرفت هر
 جامعه ای از جنبه های
 مختلف ، در گرو توجه
 دولت و ملت به اهمیت
 و جایگاه خانه و
 خانواده است.



***جایگاه طب اسلامی در تبلیغ

علی محمد مظفری

وَالْبَلْغَمُ؛^۱ شناخت فرد به
نفس خود (خودشناسی)
این است که آن را با
چهار طبع بشناسد...؛
خون، صفرا، باد و
بلغم.»
در لسان قدمای اطبا
این چهار طبع به اخلاط
اربعة (صفرا، خون،
بلغم، سودا) معروف است
که فی نفسه ضرری برای
فرد نداشته و تنها در
زمان غلبه یا ضعف هر
یک، بیماری و عدم
تعادل مزاج بر انسان
عارض می گردد.
از دیدگاه طب سن تی
— اسلامی، مزاج یا طبع
آدمی به دو قسم معتدل
و نامعتدل که مزاج
نامعتدل نیز به دو قسم
نامعتدل مفرد (گرمی،
سردی، خشکی و تری) و

امروزه «طب اسلامی»
جایگاه ویژه ای را بین
آحاد جامعه پیدا کرده
است و افراد با
استفاده از آموزه های
دینی سعی در درمان آلام
خود دارند. از آنجا که
یکی از وظایف مبلغان
دینی تبیین آموزه های
دینی است، باید این
مسئله مورد توجه قرار
گیرد و آنچه مدنظر
آیات و روایات اهل
بیت (است، در جامعه
تبیین شود.
شیخ صدوق (روایتی از
امام صادق (ع) نقل
نموده که آن حضرت
شناخت نفس آدمی را در
چهار طبع خلاصه کرده
است و می فرماید:
«عَرَفَانُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ أَنْ يَعْرِفَهَا
بِأَرْبَعِ طَبَائِعٍ... الدَّمُ وَالْمِرَّةُ وَالرِّيْحُ

۱. علل الشرائع، شیخ صدوق،
کتابفروشی دآوری، قم، چاپ اول،
۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۰۹.

نامعتدل مرکب (گرم و تر یا دموی، گرم و خشک یا صفاوی، سرد و تر یا بلغمی، سرد و خشک یا سوداوی) تقسیم می گردد.^۱ بسیاری از حالات آدمی، از جمله عطش فراوان، بوی بد دهان، ضعف قوای جنسی، سردرد، کسالت، فراموشی، کند فهمی، خواب آلودگی، خستگی، زودرنجی، استرس و... ارتباط تنگاتنگی با مزاج افراد دارد که مرحله نخست با شناخت طبع و سپس میل آن به سوی تعادل مزاج، به آسانی قابل مداوا می باشد.

یکی از راه ها و رموز موفقیت یک مبلغ در عرصه تبلیغ و نصرت دین خدا، مسئله یابی است. مبلغ باید ضمن بررسی یک مسئله، به نحوی عمیق و ریشه ای در صدد رفع آن برآید، همان طور که قبل از بیان احادیث اخلاقی باید مشکلات و شبهات اعتقادی را رفع نماید؛ چراکه فرد با پذیرشی عمیق و قلبی از توحید و ذوب شدن عبد در معبود، پذیرش مواردی چون توکل، قضا و قدر، صلاة، صوم، جهاد، خمس،

زکات و... امری بدیھی می گردد. بسیاری از دین ستیزی ها، بدحجابی ها، ضعف در اعتقادات، سستی در عبادات، پرخاش گری و بی حیایی ها، طلاق، انزوای طلبی، گرایش به موسیقی های حرام و مجالس گناه و... ریشه در غلبه یکی از اخلاط اربعه (صفر، خون، بلغم، سودا) و عدم تعادل مزاج دارد و اینجاست که مبلغ باید با الگوگیری از پیامبر (ص) که طبیبی دوار بود، به درمان و طبابت خالصانه، مستمر و جهادی بپردازد و زمینه قابلیت قابل را برای پذیرش پیام الهی مساعد نموده، با ترویج معارف اهل بیت) در جهت تعدیل مزاج و سلامت فردی و اجتماعی، مقدمات تبلیغی مفید و اثرگذار را فراهم نمایند. فردی که نسبت به نماز، مخصوصاً نماز صبح و عبادات دیگر احساس کسلی و تنبلی داشته و دائم خواب آلود است، چه بسا از جهت اعتقادی قوی است؛ اما «بلغم» او غلبه کرده و با مراعات چند دستور غذایی بهبود یافته و حتی نمازهای صبح را در مسجد و جماعت اقامه نماید یا زوجینی که در

۱. جهت تعیین مزاج و تفصیل مطلب ر.ک: طب سنتی - اسلامی، مهدی برزو، نشر ابتکار دانش، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.

آغاز زندگی مشترک دچار اختلاف و نزاع گردیده اند و برای حل اختلاف به روحانی محل مراجعه می نمایند، با اطلاع مبلّغ از روابط جنسی و ارضای نیازهای جنسی بنا بر مزاجهای مختلف که به وفور در روایات از لسان حضرات معصومین) بیان گردیده است که «امروزه برخی آمارها ۷۸ درصد طلاقها را ناشی از نارسایی مسائل جنسی در میان زوجین می دانند.»^۱ به آسانی می توان با مبانی اسلامی، صلح و آرامش را در جامعه حکم فرما و مانع بسیاری از طلاقها و دین گریزی ها کرد و قطعاً این افراد با رفع بنیادین این معضلات از مؤمنین واقعی و راستین گردیده و این امر مهم، با تبعیت از همان مبنای طبابت دواگونه رسول الله (ص) محقق می گردد.

پاره ای از اصول کلی درمانگری و طبابت در مناظره مشهور امام صادق (ع) با طبیب هندی (در مجلس منصور دوانیقی با بیان بسیاری از اسرار عملی

و شگفتی های آفرینش بدن) توسط امام بیان گردید، تاریخ چنین نقل کرده است که: طبیب هندی با علم به جهل و عجز خود در برابر عظمت مطلق و مقام والای علمی و معنوی امام صادق (ع) در همان مجلس شهادتین را جاری و مسلمان گردید. طالبان طب اسلامی لازم است در فرمول طبابت امام (ع) به چند نکته مهم توجه ویژه نمایند. حضرت در بخشی از گفتگو

فرمودند: «أَدَاوِي الْحَارِّ بِالْبَارِدِ وَ الْبَارِدَ بِالْحَارِّ وَ الرَّطْبَ بِالْيَابِسِ وَ الْيَابِسَ بِالرَّطْبِ وَ أَرَدُ الْأَمْرَ كُلَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعْدَةَ بَيْنَ الدَّاءِ وَ أَنَّ الْحِمِيَةَ هِيَ الدَّوَاءُ وَ أَعُوذُ بِالْيَدَنِ مَا اعْتَادَ؛^۲ من مداوا می کنم حرارت و گرمی بدن را به سردی و سردی جسم را به گرمی و معالجه می کنم رطوبت و تری بدن را به دواهای خشک طبیعت و خشکی بدن را به دواهای مرطوب و در عین حال، شفا یافتن را به خدای عزوجل وا می گذارم و عمل می کنم آنچه را رسول خدا (ص) فرموده که ایشان می

۱. گفتگوی خبرگزاری فارس با مدیر مرکز سلامت خانواده (نسرین تهرانی)، اسفند ۱۳۸۹؛ پایگاه خبری - تحلیلی تابناک، کد خبر: ۱۵۱۹۷۸.

۲. الفصول المهمة فی أصول الأئمة، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا %، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۲۶۲.

فرماید: بدان که مع دة انسان محل همه گونه درد و پرهیز، دواى آن است و بدن را به چیزهایی که به آن عادت کرده، باقى مى گذارم.» در این روایت چند نکته وجود دارد:

نکته اول این روایت، بحث مزاج است که حضرت به واسطه «مصلح» (اصلاح کننده و آن دوايى است که اصلاح حال مأكول و مشروب نماید^۱ و موجب تعديل مزاج گردد) گرمی را با سردی و سردی را با گرمی؛ تری را با خشک و خشکی را با تری مداوا مى نمودند.

نکته دوم، توکّل و واگذاری امر شفا به خدای متعال است که در واقع این مهم ترین مرحله طبابت است و به تعبیر رسول مکرم اسلام (ص): «يَا عِبَادَ اللَّهِ ارْتَمِ كَالْمَرِيضِ وَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّبِيبِ فَصَلِّحْ الْمَرِيضِ فِيمَا يَعْلَمُهُ الطَّبِيبُ وَ يَدْبِرُهُ بِهِ»^۲ ای بندگان خدا! شما مانند مریض هستید و خداوندی که پروردگار

عالمیان است، مانند طبیب است؛ پس صلاح مریض در آن چیزی است که طبیب می داند و در امر مریض تدبیر می کند.» بنابراین، مراقب باشیم در برخی امتحانات الهی مثل بیماری و گرفتاری، چیز دیگری را جز ارادة خدای تعالی در امر شفا دخیل ندانیم و مبادا دچار شرک خفی گردیم. نکته آخر اینکه مراقب معده باشیم؛ چراکه طبق روایات، خانه بیماری هاست و دواى آن، پرهیزهای غذایی و تعادل مزاج است.

از جمله راهکارهایی که مبلغین می توانند در جهت اصلاح جامعه اسلامی از امراض و بلايا و به تبع آن، هدایت بشر به سوی معنویت و کمالات والای انسانی و تقرب به خدای متعال به کار گیرند، اصلاح و تغییر نگرش جوامع در الگوگیری از اسلوبهای باطل، انسان محور و غیر الهی غرب و جایگزین نمودن سبک زندگی معصومین (به عنوان الگوهای شاخص الهی در جامعه می باشد.

امام خمینی! مطلبی

۱. مخزن الادویه (طبع جدید)، سید محمدحسین بن محمد هادی عقیلی علوی شیرازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، سبز آرنج، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۷۲.
۲. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری%، مدرسه الامام المهدي%، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۴۹۶.

را می فرماید که ناظر به همین مسئله است : «الآن وضع ما وضعی شده است که خیال می کنیم که هرچه هست، در غرب است و ما هیچ چیز نداریم. محتوای خودمان را گرفتند؛ یعنی مغزهای ما را شستشو کردند؛ جایش یک مغز دیگری گذاشتند که از همان غرب ارتزاق می کند و این یک مطلب مهمی است که باید به تدریج این مملکت از زیر بار آن بیرون برود. یکی هم از مسائل، همان مسئله طب قدیم است. آنها همه این دردهایی که الآن هست، با همین دواهای علفی معالجه می کردند و معالجه شان یک معالجات اساسی بود و اروپا از طب بوعلی تا همین آخر استفاده می کردند. کتاب بوعلی تا همین آخر، شاید حالا هم مورد نظر آنها باشد، بروزش نمی دهند.»^۱

در دستورالعمل طبی امام صادق (ع) در روایتی که گذشت، معده به عنوان خانه امراض و دواى آن، پرهیز معرفی

گردیده که امروزه در اثر نفوذ تفکرات و منشهای خصمانه دشمن در آداب و فرهنگ ناب اسلامی و تبلیغات موفق آنان، شاهد بسیاری از امراض و بیماری ها در میان مسلمانان هستیم. انواع فست فودها، مواد نگهدارنده و بسته بندی شده، نوشیدنی های اشتها آور، غذاهای فریز شده، انواع روغنهای مایع و جامد، سوسیس و کالباس، رنگهای شیمیایی غذا، نوشیدن آب بین غذا، مصرف مرغهای هرمونی، مایکروفر، مصرف افراطی گوشت، خوردن غذاهای داغ، استفاده از رنگهای شیمیایی مو و... از جمله تهدیداتی هستند که با سلامت جسم و روح انسان در تضاد بوده و مرگ تدریجی را برای انسانها به همراه دارد از مطالبات غرب و دشمنان اسلام، وابستگی تمام عیار مسلمین به آنان، مخصوصاً کمپانی های داروسازی یهودیان می باشد؛ اما در سبک زندگی اسلامی، بنا بر اصل استقلال مسلمین، بهترین راه، درمان با داروهای غیر شیمیایی است تا هم بیماری ریشه کن شود و هم داروی آن

۱. صحیفه امام !، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ج ۹، ص ۸.

از عوارض کمتری برخوردار باشد؛ به عبارتی، بنای اسلام بر بی نیازی مسلمین از دکتر و دارو بوده است، چنانکه «اصبغ بن نباته» از امیرالمؤمنین (ع) چنین نقل می کند که حضرت به فرزندش امام مجتبی (ع) چهار توصیه فرمودند^۱ که با عمل به آنها از تمام طب و داروها بی نیاز گردد: «لَا تَجْلِسْ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدِ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْيَبْتَ عَنِ الطَّبِّ؛ برای غذا خوردن ننشین، مگر زمانی که گرسنه ای. از غذا خوردن دست برندار، مگر زمانی که هنوز اشتها داری (قبل از سیر شدن دست از غذا بردار) و غذا را [خوب] بجو و قبل از خواب حتماً به مستراح برو! پس هنگامی که اینها را انجام دادی، از طبیب بی نیاز می شوی.»
 امیرالمؤمنین علی (ع) در جای دیگری می فرماید: «أَمَا إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَآيَةً

تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ [كُلُّوْا وَ اشْرَبُوْا وَ لَا تُسْرِفُوْا] در قرآن یک آیه هست که تمام طب در آن جمع شده [آنجا که می فرماید:] بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید!» اکل و شرب در این آیه عام است و برخی مخمصات آن در آیات دیگر مثل: [كُلُّوْا وَ اشْرَبُوْا هَنِيئًا] و برخی روایات معصومین (آمده است. از جمله اینکه حضرت رضا (ع) نوشیدن آب بین غذا را عامل ضعف معده دانسته و می فرماید: «مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تُؤْذِيَهُ مَعِدَتُهُ فَلَا يَشْرَبْ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ بَدَنَهُ وَ ضَعَفَ مَعِدَتَهُ...»^۲ هرکس می خواهد به آزار معده (شکم) مبتلا نشود، بین غذا تا اتمام آن آب نیاشامد؛ چراکه هر کس این کار را انجام دهد، بدنش مرطوب و معده اش ضعیف می شود.»
 یا در حدیث «عنوان بصری» از امام صادق (ع) می فرماید: «فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَ الْبَلَّةَ؛^۳ دوری کن از خوردن چیزی که به آن اشتها نداری؛ زیرا حماقت و

۲. الدعوات، قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی %، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶.
 ۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۷.
 ۴. همان.

۱. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن شیخ حرعاملی، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۲۴۶.

غفلت از شَرِّ می آورد.»
 بنابراین، اگر چیزی که
 اشتهایی به خوردن آن
 نداریم، بخوریم، موجب
 حماقت و بله (البله؛
 الغفلة عن الشرّ^۱) در
 ما می گردد. بنابراین،
 دشمن امروز با تحمیل
 نوشیدنی های اشتها آور
 و غذاهای بسته بندی،
 قصد دارد در ما
 اشتهایی کاذب ایجاد
 کند و مسلمانان را به
 حماقت و دوری از تفکر
 و خلاقیت بکشانند.

دستورات فراموش شده

در طب اسلامی روشهای
 درمانی فراوانی وجود
 داشته که در اینجا
 صرفاً از باب مثال به
 چند مورد از شاخص ترین
 آنها اشاره می کنیم:

۱. تربت امام حسین (ع)

از جمله داروهایی
 که می توان هر دردی را
 با آن درمان کرد و در
 نص روایات به «دواء
 الاکبر» معروف است،
 تربت حضرت سیدالشهدا
 (ع) است، تا جایی که
 امام صادق (ع) در مشفی
 بودن آن می فرماید:
 «فِي طِبْنِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) الشِّقَاءُ
 مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَهُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ»^۲

در تربت قبر [امام]
 حسین (ع) شفایی است بر
 هر دردی و آن، بزرگ
 ترین دوا است.»
 و بر استفاده از
 تربت امام حسین (ع) امر
 (استحبابی) می کند و
 می فرماید: «حَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ
 بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّهُ أَمَانٌ»^۳ کام
 نوزاد را با تربت امام
 حسین (ع) بردارید که
 این کار برای او امان
 است. «برداشتن کام
 نوزاد با تربت حضرت
 سیدالشهدا (ع) در واقع
 واکسینه کردن طفل از
 جمیع امراض مادی و
 امان از خوف و امراض
 روحی می باشد.

مرحوم ابن قولویه ()
 در «کامل الزیارات»
 داستان بیماری شدید
 «محمد بن مسلم» از
 اجلای اصحاب امام باقر
 و صادق تا حد زمین
 گیر شدن و عدم توانایی
 بر ایستادن وی را چنین
 نقل کرده است: امام
 باقر (ع) شربت را که
 در آن تربت سیدالشهدا
 (ع) بود، برای محمد بن
 مسلم فرستاد و ایشان
 به محض خوردن، شفا
 گرفت؛ تا آنجا که امام
 باقر (ع) به محمد بن
 مسلم فرمود: «يَا مُحَمَّدُ إِنَّ

۱. کتاب العین، خلیل بن احمد
 فراهیدی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق،
 ج ۴، ص ۵۶.
 ۲. کامل الزیارات، خلیل بن
 احمد بن قولویه، دارالمرتبویه،
 نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ش، ص

۲۷۶.
 ۳. همان، ص ۲۷۹.

الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) وَ هُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتَشْفِي بِهِ

یہ؛ ای محمد! آن شربت کہ نوشیدی، در آن خاک قبر حسین (ع) بود کہ بافضیلت ترین چیزی است کہ با آن طلب شفا می شود.

اما اینکہ چہ کسانی قابلیت دارند از این دوا ی اکبر شفا یابند، در فرازی از روایت امام کاظم (ع) آمده است؛

فرماید: «...فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَهَا شِفَاءً لِشِيعَتِنَا وَأَوْلِيَانَا.»^۱

حضرت دو شرط اساسی را بیان می فرماید: اول اینکہ شیعة حقیقی باشد و دوم اینکہ از دوستان و اولیای اهل بیت (ع) باشد.^۲

۲. حجامت؛ نام یک روش درمانی است کہ به صورت ایجاد مکش در مواضع خاصی از بدن و گاه خون گیری از آن مواضع انجام می شود. زمانی کہ بادکش به تنهایی انجام می شود «حجامت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۳۰.
 ۲. مطالعه دو کتاب فضائل الشیعه و صفات الشیعه مرحوم شیخ صدوق (و کتب دیگر در زمینه معرفت اہلبیت) می تواند راهگشا باشد.
 ۳. دکتر نبئی، عضو مؤسسہ انجمن حجامت ایران، در مصاحبہ با خبرنگاری دانشجویان (ایسنا).

گرم و خشک»^۴ است و زمانی کہ بعد از بادکش به وسیلہ ایجاد خراش سطحی و بادکش مجدد از بدن خون گرفته می شود «حجامت تر»^۵ نامیدہ می شود.

حجامت دارای سابقہ تاریخی ۷ ہزار سالہ است و بہ عنوان یک سنت الہی در روایات و سیرہ پیامبران و ائمہ اطہار (مطرح گردیدہ است).^۶ قدمت حجامت در ایران بہ قبل از اسلام می رسد. بہرام گور، یکی از پادشاہان ساسانی؛ چون درمان بیماری خود را منحصر بہ حجامت یافت، دستور داد تا این روش در ایران رایج گردد و بر اساس مستندہای تاریخی،

این روش درمانی در «دانشگاہ جندی شاپور» تدریس می شدہ و ردپای فرهنگی آن در ادبیات کشور مشاہدہ می گردد.^۷ در آمار ی بہ نقل از دانشگاہ شہید مطہری مشهد (واحد خواہران)، آقای جوهان آبل^۸ پزشک آلمانی، در کتاب خود با عنوان «حجامت؛ شیوہ

4. Dry cupping.
 5. Wet cupping
 6. مجموعه پیک شفا، محمد موسوی، کانون پژوهش، اصفہان، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش، ج ۱۲، ص ۲۳.
 7. مجموعه پیک شفا، ج ۱۲، ص ۲۳.
 8. JOHANN ABELE

درمان آزموده شده « که در سال ۱۹۹۷م چاپ شده، در مورد حجامت می گوید: «من اعتقاد راسخ دارم که نه تنها امروز؛ بلکه برای همیشه، امر حجامت را در درمان بیماری ها نباید نادیده گرفت . حجامت پدیده ای است که در خود تنظیم کردن عملکرد بدن انسان دخالت دارد . امری که هرگز با روشهای دیگر نمی توان آن را جایگزین کرد ... مطالعات ما نشان می دهد که در آلمان می توان ۷۵ درصد بیماری ها را با شیوه های درمان طبیعی، از جمله حجامت مداوا کرد.»^۱ «علی بن ابراهیم قمی» در اهمیت حجامت، ذیل آیه اول سوره اسراء و داستان معراج پیامبر (ص) چنین نقل می کند : «ثُمَّ صَعِدْنَا إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَمَا مَرَرْتُ بِمَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا يَا مُحَمَّدٌ احْتَجِمْ وَأَمْرُ أُمَّتِكَ بِالْحِجَامَةِ...»^۲ سپس به سوی آسمان هفتم صعود کردیم، پس بر ملکی نگذشتیم مگر اینکه می گفتند: ای محمد! حجامت

کن و امت خود را نیز بدان امر فرما !» ملک نکره در سیاق نفی قرار گرفته که افاده عموم دارد و شامل عموم ملائکه می شود. همچنین، امام صادق (ع) از پدرانش تا امیرالمؤمنین علی (ع) در بیان برخی منافع حجامت می فرماید : «إِنَّ الْجِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَتَشُدُّ الْعَقْلَ»^۳ حجامت بدن را صحت می بخشد و عقل را زیاد می کند.»

۳. ماساژ درمانی

از دیگر شیوه های درمانی می توان به «ماساژ درمانی» و روغن مالی بدن اشاره نمود . حضرت رضا (ع) اف زایش نیرو و نشاط بدن را در چهار چیز معرفی فرمود : «لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَدَنِ لَكَانَ الْعَمَزُ يَزِيدُ وَاللَّيْنُ مِنَ الثِّيَابِ وَكَذَلِكَ الطَّيِّبُ وَ دُخُولُ الْحَمَامِ ؛ اگر چیزی بدن را زیادت می بخشد، آن چیز مالیدن بدن، لباس نرم پوشیدن، بوی خوش استعمال کردن و حمام است .» و در ادامه روایت به نقش خارق العاده و معجزه آسای^۴ ماساژ درمانی

۳. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۶۱۱.
 ۴. ای ن روایت نیاز به تحقیق دارد و می‌تواند کلیدی در مباحث

۱. <http://www.motahari-um.ir>

۲. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰.

اشارہ می فرماید کہ: «وَلَوْ غُمِرَ الْمَيِّتُ فَعَاشَ لَمَا أَنْكَرْتُمْ ذَلِكَ»^۱ اگر مردہ ای در اثر ماساژ دادن زندہ شود، من آن را انکار نمی کنم. «همچنین، در روایتی از

امیرالمؤمنین (ع) درباره خواص روغن مالیدن بدن چنین آمده است: «الدَّهْنُ يَلْبِنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاغِ وَ يَسْهَلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يُذْهِبُ الْقَشْفَ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ»^۲ روغن مالی باعث نرمی پوست، افزایش توان مغز، گشایش مجاری آب در بدن، تمیز کردن کثافت پوست و روشن شدن رنگ پوست می شود.»

۴. عسل و حبق السوداء در روایات مختلفی عسل و شونیز (سیاہ دانہ) بہ عنوان درمانی عمومی تجویز گردیدہ و در لسان برخی روایات دواى ہر دردی معرفى گردیدہ است : «رَوَى عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ (و الْعَسَلِ): شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا السَّامُ؟ قَالَ: الْمَوْتُ»^۳ روایت شدہ از

رسول خدا (ص) کہ فرمود : عسل و سیاہ دانہ دواى ہر دردی است، مگر سام . پرسیدہ شد : ای رسول خدا ! سام دیگر چیست؟ فرمود : مرگ.»

همچنین، ملائکہ در شب معراج سیاہ دانہ را بہ عنوان یکی از بہترین داروہا بہ محضر پیامبر (ص) معرفى نمودند . امام ہادی (ع) نیز در نسخہ ای مرکب از این دو دارو (عسل و سیاہ دانہ) با کیفیتی خاص، تب بُری قوی بدون هیچ عوارض و ضرر برای بیماران تب دار تجویز می فرمایند .

۵. حنا بستن از رسول اللہ (ص) روایت شدہ است کہ فرمود : «مَا خَلَقَ اللَّهُ شَجَرَةً أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحِنَاءِ؛ خدا محبوب تر از حنا گیاهی خلق نکرده است.» و بہ تعبیر رسول مکرم اسلام (ص) رنگ موی مسلمان، حنا است : «الْحِنَاءُ خِصَابُ الْإِنْسَانِ» و در ادامہ روایت، حضرت بہ چہار فایدہ خضاب با حنا اشارہ می فرماید: «يَزِيدُ

احیای در علم پزشکی باشد کہ ماساژ می تواند بسیاری از بیماران را احیا کند .
۱. دانشنامہ احادیث پزشکی، محمد محمدی ری شہری، مؤسسہ علمی فرہنگی دار الحدیث، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش، ج ۶، ص ۹۹.
۲. الکافی، ج ۶، ص ۵۲۰.
۳. الشفاء فی الغذاء فی طب

النبی - و الاثمہ)، محمد حسین نجیب، دارالمرتضی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰۵.
۴. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۰.

فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ وَ يَذْهَبُ بِالصَّدَاقِ وَ
يُجِدُّ الْبَصَرَ وَيَزِيدُ فِي الْوَقَاعِ ؛

عمل مؤمن را زیاد می کند، میگردن را رفع می نماید، بینایی را تقویت و قدرت آمیزش را زیاد می کند.»

امروزه ریزش مو، سرطان پوست، انواع حساسیتهای، اختلالات عصبی و... ناشی از رنگهای شیمیایی بوده و چقدر زیباست که مردان، محاسن و موهای خود را با حنا خضاب و خانمها و حتی عروسها حنا را جایگزین رنگهای مضر شیمیایی کنند و چه خوب است این سنت نبوی با تبلیغ عملی توسط

مبلغین احیا شود و به تدریج با تبیین سیره معصومین (عادتهای اشتباه برگرفته از سایر مکاتب از زندگی مردم رخت بر بسته، شاهد جذب دیگر ادیان و فرق به اسلام باشیم.

برخی نسخه های اخمص طبی در تبلیغ

در این بخش صرفاً به تبیین پاره ای از امراض مبتلابه که مبلغین عزیز در طول تبلیغ با آن روبرو می شوند، پرداخته و غرض ما الگودهی و ایجاد جرقة ذهنی طلاب برای رجوع به منابع مذکور و

مطالعات تفصیلی و جامع در این حوزه می باشد. **سرماخوردگی**

یکی از اشتباهات ما این است که به محض مشاهده علائم سرماخوردگی بی درنگ به دنبال درمان آن با آمپول، سرم و امثال آن می رویم، در حالی که این برخلاف کلام امام صادق (ع) است. حضرت نسخه درمان را چنین بیان فرموده اند: «به اندازه یک دانیق (هشت دانه گندم یا جو) سیاه دانه و نصف دانیق (چهار دانه گندم یا جو) کندوش آسیاب شود و در بینی بریزید (به شکل انفیه)؛ زیرا این انفیه سرماخوردگی را برطرف می کند.» و در ادامه می

فرماید: «وَ إِنْ أَمَكْنَا إِلَّا نَعَالِجَهُ بِشَيْءٍ فَأَفْعَلْ فَإِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ كَثِيرَةً ؛ اگر برایتان ممکن است سرماخوردگی را درمان نکنید؛ زیرا در سرماخوردگی منافع زیادی وجود دارد.» سیره پیامبر (ص) بر عدم درمان زکام بوده، به همین دلیل، امام صادق

۱. طب الاثمه، عبدالله و حسین ابنا بسطام، دارالشریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق، ص ۶۵.
۲. درس طب اسلامی استاد تبریزیان مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ باارگذاری در پایگاه مدرسه فقاهات ادرس <http://www.eshia.ir> قسمت سایر دروس.

(ع) از زکام به «جنود اللہ»؛ یعنی سربازان خدا تعبیر می فرمایند که درمان سرماخوردگی به نحوی مبارزه با سربازان خدا و تضعیف بدن در برابر سایر بیماری ها می باشد.

در روایتی دیگر در «رساله ذہبیه»^۱ حضرت رضا (ع) برای دفع زکام در تابستان خوردن خیار در هر روز و عدم نشستن در آفتاب و برای دفع زکام در زمستان، خوردن هر روز سه لقمه عسل همراه با موم را تجویز می نمایند. روغن بنفشه نیز در درمان بسیار مؤثر است، همچنان که امام صادق (ع) می

فرماید: «تَأْخُذُ دُهْنَ بِنَفْسِجٍ فِي قُطْنَةٍ فَأَحْتَمِلُهُ فِي سِفْلَتِكَ عِنْدَ مَنَامِكَ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِلزُّكَامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۲ پنبه ای را به روغن بنفشه آغشته می کنی و به هنگام خفتن در نشیمنگاہت می گذاری. به خواست خداوند، برای زکام سودمند است.»
شکم درد

فی الجملة بهترین درمان در مداوای درد شکم، ترکیب ۷ دانه

شونیز (سیاه دانه) با عسل می باشد که درمان دیگر آن داروی بسیار با ارزش است و نافع برای امراض مختلف که حضرت رضا (ع) به «احمد بن اسحاق» سفارش فرمودند و در روایتی با تعبیر «الدَّوَاءُ الْجَامِعُ» آمده است که حضرت می فرماید: این دارو «مَعْرُوفٌ عِنْدَ الشَّيْبَةِ»^۳ در گذشته شهرت داشته؛ اما متأسفانه به خاطر تبلیغات دشمن و ترویج داروهای شیمیایی، امروزه از این شهرت افتاده است.

گریه کودکی

بی قراری و گریه کردن طبیعی کودک، از جمله مواهب الہی در راستای سلامت جسم و روح اوست، همان طور که امام صادق (ع) در منافع گریه کردن کودک به «مفضل بن عمر» چنین می فرماید: «ای مفضل! از فایده گریه کودکان نیز مطلع باش! بدان که در مغز کودکان رطوبتی است که اگر باقی بماند، بیماری های سخت و بزرگی به بار می آورد، از جمله

نابینایی و غیره. پس گریه کودکی باعث می شود که این رطوبت از سر او

۱. طب الرضا % (الرسالة الذہبیه)، منسوب به امام رضا، دار الخيام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق، ص ۴۰.
۲. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، الشریف الرضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۸.

خارج شود و سلامتی تن و چشم نتیجه آن است. پدر و مادر که این مطلب را نمی دانند، تلاش می کنند که کودک را از این گریه سودمند بازدارند و خواسته های او را برآورده می کنند تا او گریه نکند، در حالی که آنها نمی دانند گریه به صلاح فرزندشان است و عاقبت نیکی دارد.^۱ اما اگر همین گریه از حالت طبیعی خارج شود، چه بسا موجب بیماری و ناآرامی کودک می گردد، بنابراین، در «طب الائمه»^۲ برای گریه فراوان و بی قراری شدید و همچنین زنی که از درد خوابش نمی برد، از امام صادق (ع) چنین روایت گردیده است که: تلاوت آیه ۱۱ و ۱۲ کهف: **فَصْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا** [مؤثر می باشد.

افزایش حافظه

افزایش حافظه یکی از دغدغه های اساسی در میان اهل علم، طلاب، مبلغان و به ویژه وعاظ

و اهل منبر می باشد. حجامت^۳ از جمله سفارشات است که رسول مکرّم اسلام (ص) در ازدیاد قدرت حافظه و افزایش عقل تجویز فرموده است. ایشان مداومت بر خوردن مویز^۴ به صورت ناشتا را موجب ازدیاد فهم، تقویت حافظه و قدرت ذهن می داند و در روای تی که از امیرالمؤمنین (ع)^۵ وارد گردیده، خوردن ۲۱ عدد مویز سرخ (زَبِيْبَةٌ حَمْرَاءَ) در صبح به صورت ناشتا، هر بیماری به جز مرگ را درمان می کند.

همچنین، در روایتی از پیامبر اسلام (ص) پنج چیز را از عوامل ازدیاد حافظه عنوان می فرماید: **«السَّوَاكُ وَ الصِّيَامُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَ الْعَسَلُ وَ اللَّبَانُ»**^۶ مسواک، روزه، قرائت قرآن، عسل و کندر.»

۱. طب جامع امام صادق %، سید محمدکاظم قزوینی، مترجمان، سعید و لطیف راشدی، نشر پیام عدالت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۷.
۲. طب الائمه، ص ۳۷.

۳. «الْحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ وَ تَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا» مکارم الاخلاق، ص ۷۶.
۴. به حبه های درشت خشک شده انگور سیاه، «مویز» گفته می شود.
۵. الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲.
۶. بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۹۱.



***مخالفت با نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دشمنان، د سخن و سیره علمای شیخه

غلامرضا گلی زواره

و هوسها و امیال خود
درآورد، در این نظام
نورانی و منظومه
درخشان پذیرفته نیست .
قرار گرفتن تحت چنین
سلطه ای انسان مؤمن را
از نور معرفت و فضیلت
و فروغ ربانی محروم می
سازد و او را در
ظلمتهای جهل، هوس،
غرور و طغیان محبوس و
اسیر می کند. در جامعه
آلوده به نیرنگهای
اجانب، شرایط مناسب
برای رشد و شکوفایی
مؤمنان و عابدان وجود
ندارد.

قرآن می فرماید: [لِلَّهِ
الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ]؛
«عزت مختص خداوند،
فرستاده اش و مؤمنین

مبانی نفس سلطه بیگانگان
اسلام دین یکتاپرستی
و تسلیم محض در برابر ر
خدای متعال است و
حاکمیت غیرالهی در
جامعه اسلامی به هر شکل
و شیوه ای، محکوم بوده
و با روح توحید منافات
دارد. نگرش الهی،
شناخت متعهد، بینشی
فعال و سازنده و طرز
فکری است که در بنای
جامعه و اداره آن و
ترسیم خط سیر، استقلال
و عزت، تعیین هدف و
تأمین عناصر حفظ و
ادامه آن دارای تأثیر
اساسی و بنیادین است .
بنابراین، هرگونه
عاملی که بر نیروهای
سازنده و توانهای آدمی
تسلط یابد و آنها را
در مجرای نقشه ها، هوا

است. « و نیز کلام وحی تأکید می نماید: [إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ]؛ «به درستی که خداوند [متعال] کار مفسدان را به صلاح در نمی آورد (تأیید نمی کند.» از سوی دیگر، قرآن کریم راه هرگونه نفوذی را از طرف غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی مسدود ساخته است: [وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا]؛ «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] نگشوده است.» فقهای شیعه از این آیه «قاعدۀ نفی سبیل» را استخراج نموده اند و معنا و مفهوم آن این است که هرگونه رابطه، معاهده و معامله ای که موجب گردد اشخاص، شرکتها، سازمانها یا دولتهای غیرمسلمان بر اجتماع اسلامی سلطه یابد، باطل و حرام می باشد.

امام خمینی ! می فرماید: «یکی از اصول مهم این است که مسلمین نباید تحت س لطفۀ کفار باشند .

خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار،

بر مسلمانان سلطه قرار نداده است .

مسلمانان نباید سلطه کفار را قبول کنند .

این از اصولی است که قرآن کریم مطرح [نموده] و مسلمانان را به آن دعوت کرده است.^۳

آن روح قدسی در مورد قراردادهای و همکاری هایی که زمینه های استیلای فکری و نفوذ فرهنگی و سیاسی کفار را بر مسلمانان فراهم می آورد، می فرماید: «اگر روابط سیاسی بین دولتهای اسلامی و بیگانگان، موجب تسلط آنان بر کشورها، شهرها یا نفوس و اموال مسلمانان شود و یا باعث اسارت سیاسی آنان گردد، برقراری این روابط و مناسبات بر زمامداران دولتها حرام و پیمانهایی که می بندند، باطل اند و بر مسلمانان واجب است که آنان را ارشاد کنند و دست کم با مبارزۀ منفی به ترک این نوع روابط

۳. حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی !، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی!، تهران، ۱۳۸۶ش، ص ۴۷.

۱. یونس / ۸۲ .
۲. نساء / ۱۴۱ .

و ادارشان سازند.»^۱
 امام! در جای دیگر
 هشدار داده اند: «اگر
 در روابط تجاری و
 غیرتجاری، ترس سلطه
 سیاسی و غیرسیاسی
 اجانب بر اسلام و
 زمینهای مسلمین باشد
 که موجب استعمار آنان
 گردد، هرچند این
 استعمار معنوی باشد،
 بر تمام مسلمانان واجب
 است از آن دوری کنند و
 چنین روابطی حرام
 است.»^۲

امام خامنه ای > نیز
 خاطرنشان می فرمایند:
 «دشمن به امید واهی
 پایان یافتن انقلاب، در
 فکر نفوذ، به خصوص
 نفوذ سیاسی - فرهنگی
 است که شناخت توطئه
 های دشمن، تقویت و
 استحکام روحیه انقلابی
 و حرکت مستمر به سمت
 تحقق آرمانها، این هدف
 [شوم] را ناکام خواهد
 گذاشت.»^۳

در اعصار گوناگون،
 شخصیت‌هایی عالی مقام،
 فرزندگان فداکار و
 مرزبانان حماسه های
 جاوید، برای صیانت از

ارزشهای الهی، در
 برابر دشمنان داخلی و
 خارجی، انحراف و نفاق،
 به مقاومت و پایداری
 برخاسته و هر بار که
 گرد و غبار جمود و
 ایستایی بر چهره دیانت
 نشسته و یا جامعه را
 غفلتی دست داده، به
 بیدارگری برخاسته و با
 تأسی بر سیره رسول
 اکرم (ص) و ائمه هدی (ع)
 در این راستا وظیفه
 سنگین خود را به درستی
 انجام داده اند.

در عصر صفویه،
 علمای شیعه که بر حسب
 مصالحی و برای رونق و
 گسترش تشیع، خود را به
 فرمانروایان وقت نزدیک
 کردند، اگر خلافتی از
 آنان می دیدند، هشدار
 می دادند و به افشاگری
 می پرداختند. به علاوه،
 کوشیدند شیوه ها و
 برنامه های حاکمان این
 سلسله را تحت نظر قرار
 داده و اصلاح نمایند و
 تشیع فقهاتی، علمی و
 پویا را جایگزین صوفی
 گری قزلباشان کنند. در
 عین حال، فقهای شیعه
 هرگز به سلطنت آنان
 مشروعیت نبخشیدند.

محقق کرکی(در تمام
 شئون دینی، سیاسی و
 اقتصادی دولت شاه
 طهماسب صفوی صا
 ح
 اختیار کامل گردید .

۱. تحریر الوسيله، سید روح الله
 موسوی خمینی (امام خمینی!)،
 انتشارات اسماعیلیان، قم،
 بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹.
 ۲. همان، ج ۱، ص ۴۸۶.
 ۳. فرازی از بی‌انات مقام معظم
 رهبری > در دیدار فرماندهان سپاه
 پاسداران انقلاب اسلامی، مورخ
 ۱۳۹۴/۶/۲۵.

این حاکم صفوی در یکی از فرامینی که برای شیخ علی کرکی صادر کرد، نوشت: «مخالفت با حکم مجتهدین که حافظان شرع سید المرسلین اند، با شرک در یک درجه است، پس هر که مخالفت خاتم المجتهدین، وارث علم سید المرسلین، نایب الائمة معصومین کند، در مقام متابعت نباشد، بی شائبه ملعون و در این آستانه ملایک آشیان، مطرود است.»^۱

علمای شیعه در عصر صفویه، در جهت دفاع از ارزشهای دینی، حفظ قلمرو، عزت و شکوه مسلمانان، تلاشهای فراوان کردند و در حد امکان اجازه ندادند بیگانگان بر سیاست، فرهنگ و اقتصاد کشور استیلا یابند.^۲

در عصر قاجاریه از یک طرف دستگاه حکومت نسبت به مصالح دینی و جامعه اسلامی توجه چندانی نداشت، و از جانب دیگر فرمانروایان این سلسله با علما و فقها رابط ه ای قوی همچون زمان صفویه

نداشتند و نظارتهای آنان را بر امور کشوری برنمی تابیدند ، بنابراین قدرت سیاسی در شخص شاه متمرکز گردیده، ضعف دستگاه اداری و طمع ورزی و فساد مالی کارگزاران، خود زمینه های نفوذ استعمار و سلطه همه جانبه بیگانگان را در سرزمین ایران به وجود آورد. محصول این روند اسفبار، تهاجم ابرقدهتها به قلمرو ایران و نیز غارت منابع مادی و فرهنگی از طریق قرار دادهای متعدد ذلت بار بود.^۳

چنین فضای آشفته و نگران کننده ای، علما را به عکس العملهای جدی، عینی و عملی وادار نمود که در این نوشتار به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد.

در خط مقدم جهاد علیه روسها

آیت الله سید محمد مجاهد (۱۱۸۰ - ۱۲۴۲ق)

۳. افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، جواد شیخ الاسلامی، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۶۹ش، صص ۱۴ - ۱۵؛ پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران، محمدعلی مهید، نشر میترا، تهران، ۱۳۶۱ش، صص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، علی اصغر شمیم، نشر ابن سینا، تهران، ۱۳۴۲ش، صص ۳۲۳ - ۳۲۴.

۱. روضات الجنات، محمدباقر خوانساری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۶۹.
 ۲. ریشه های انقلاب، نیکی آرگدی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹ش، ص ۶۰.

فرزند سید علی طباطبائی، از مشاہیر علمای شیعه در دوران قاجار و معاصر با فتحعلی شاہ بود کہ وقتی متوجہ شد بر اثر بی کفایتی این حکمران عیاش، روسہا چشم طمع بہ سرزمین ایران دوختہ اند، و احساس کرد بر اثر چنین یورش خصمانہ ای عزت، دیانت و ہویت مسلمانان و کیان مملکت مورد تہدید قرار گرفتہ است، علمای دیگر را از این وقایع مطلع گرداند، بہ گونه ای کہ آنان در صدور فتوای جہاد علیہ روسیہ متفق گردیدند . او در سال ۱۲۴۱ق بہ تہران آمد و در نامہ ای بہ علمای ایران، از آنان خواست مردم را بہ نبرد با این متجاوزان ترغیب نمایند . حضور ہمگانی روحانیان بہ ہمراہی مردم در دورہ دوم جنگہای ایران و روس، جنبشی فراگیر و زاید الوصف را در تمام نقاط این مرز و بوم بہ وجود آورده بود.^۱

در اردوگاہ سلطانیہ (مرکز فرماندہی

نیروہای ایران) بار دیگر علما با صدور بیانیہ ای اعلام کردند کہ جہاد با روسہا بر دستگاہ حکومت و تمامی مسلمانان واجب و ہرگونہ مسامحہ ای در این بارہ کفر و ضلالت است .^۲ در دورہ دوم جنگہای ایران و روس - کہ سہ سال طول کشید - اغلب نقاطی کہ بہ موجب عہدنامہ گلستان بہ متجاوزان روس تسلیم گردیدہ بود، بازپس گرفتہ شد و افراد زیادی از متجاوزان روسی کشتہ شدند . سید حسین طباطبائی زوارہ ای، از شاگردان سید محمد مجاہد در حوزہ اصفہان، احوالات اسرای روسی کہ بہ تہران انتقال دادہ بودند، را بہ نظم کشید؛^۳ اما از آنجا کہ شاہ قاجار در برابر روسہا مدنظر حمایت ابرقدرتہایی چون انگلستان و فرانسہ بود و بہ نیروہای خودی و امکانات مملک، اعتماد و اتکایی نداشت و نیروہای داوطلب مورد پشتیبانی عوامل دولتی قرار نگرفتند، بعد از

۱. جہاد دفاعی و جنگ صلیبی ایران و روس تزاری، علی ابوالحسنی (منذر)، دارالحسین، تہران، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۶.

۲. تاریخ روضۃ الصغای ناصری، رضا قلی خان ہدایت، انتشارات پیروز، قم، ۱۳۳۹ش، ج ۹، ص ۶۴۲.

۳. دیوان محمد، صص ۱۵۰ - ۱۵۱.

این فتح بزرگ که به برکت پایداری علما و مردم صورت گرفت، رفته رفته سپاه ایران را دچار شکست کرد و جنگ تا یک سال بعد از رحلت آیت الله مجاهد ادامه یافت و در این مدت مشخص گردید کارشکنی های عوامل حکومتی، سهل انگاری و دون همتی فتحعلی شاه قاجار، بی کفایتی آصف الدوله، فرمانده لشکر آذربایجان، و عدم نظم و انسجام نیروهای رزمی که از نقاط گوناگون اعزام گردیده بودند، عامل پیش روی روسها به سوی ایران بوده است، سرانجام در پنجم شعبان ۱۲۴۳ق عهدنامه ننگین ترکمانچای را در قریه ای به همین عنوان، از توابع تبریز، بین دولت ایران و روسیه به امضا رسانید. به موجب این عهدنامه، علاوه بر ایالاتی که طبق آن از ایران جدا شده بود، ایالات نخجوان، ایروان، طالش، قراباغ، شوره گل نیز به روسیه واگذار شد. از دیگر مفاد آن، پذیرش کاپیتولاسیون از سوی ایران بود.^۱

یادآور می گردد، پیشگامی علما و فقها در این جنگ نابرابر صرفاً به منظور باز پس گیری مناطقی که توسط روسها اشغال گردیده، نبود و آن فرزانیان و ارسته این تسخیر را تهدید برای خدمت مؤمنان و عظمت مسلمانان تلقی می کردند، چنانکه در فتوای جهاد سید علی طباطبایی، پدر سید محمد مجاهد، آمده بود: «این مطلب بر همگی واضح است که عزت و روح دین، به استقلال دولت اسلام است و هرگاه ضرری از کفار به دولت اسلام رسد، بدیهی است که به دین اسلام رسیده است، پس بر عموم مکلفان واجب است که به جد و جهد تمام، به اندازه توانایی و قدرت، به دفع کفار لئیم بپردازند.»^۲

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز در فتوای خود تصریح فرمود: «جهادی است که به منظور پاسداری از

۱. تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات سیمرغ، تهران،

۱۳۵۵ش، صص ۲۳۴ - ۲۳۶.
 ۲. جهاد دفاعی و جنگ صلیبی ایران، ص ۸؛ مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علم ای شیعه در دوره قاجار، محمدحسن رجبی، نشر نی، تهران، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۴۳.

کیان اسلام در آن زمان که کفار عزم هجوم به کشور اسلام را دارند، واجب می شود. کفاری که در این زمان خود را مهیای چنین هجومی نموده و تمام

نیروهایشان را گرد آورده اند تا لوای کفر را اعتلا بخشیده و اسلام را از بام بلند شکوه و شوکتش فرود آورند و ساقط سازند، شعائر کفر را ظاهر ساخته و به جای شریعت اسلامی، ادی آن تحریف شده را برقرار نمایند و با استیلای منکراتی که در حقیقت نافی توحید اسلامی و یگانگی صالح خیرات است، کفر شدت و تزیید یابد.»^۱
غیرت دینی در سیره مجتهد استرآبادی

«الکساندر گویچ گریبایدوف» خواهرزاده ژنرال «پاسکویچ» سردار گرجستان و حاکم قفقاز، برای اجرای برخی مواد و مفاد عهدنامه ترکمانچای، استرداد اسرا و دریافت غرامت، به ایران آمد و تمامی قوانین و مقررات متداول دیپلماسی کشور را که باید سفرا و

مأموران کشورهای خارجی مورد تبعیت قرار دهند، زیر پا نهاد و با نخوت و خامی به قانون شکنی و آزار مردم و هتک حرمت مسلمانان پرداخت.^۲

وی با جسارت تمام، به بهانه جستجوی گرجیان و روسیان پناهنده، به حریم خانه های مسلمین تجاوز می کرد و بانوان را از منازلشان بیرون می کشید. در بین این افراد عده ای بانوی گرجی و ارمنی (اهل ارمنستان) دیده می شدند که سالها قبل همراه بستگان خود به ایران آمده و مسلمان شده بودند و حالت اسیر را نداشتند؛ ولی سفیر روس اصرار داشت که اینها را نیز به روسیه بازگرداند، در حالی که آنان بعد از اختیار مذهب تشیع، به عقد ازدواج مسلمانان ایرانی درآمده و دارای فرزندان شده بودند؛ گریبایدوف این زنان را به داخل سفارت روس برده و ایشان را تحت فشار قرار می داد که

۲. ناسخ التواریخ، سپهر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، جزء دوم، بخش سلاطین قاجاریه، ص ۲۷.

۱. روضه الصفا، ناصری، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۳ ش، ج ۹، ص ۷۰۶.

از اسلام دست بردارند؛ اما بانوان با این تقاضای توأم با تهدید و فشار به شدت مخالفت کردند و با ذکر، دعا و تلاوت قرآن، آن هم با صدای بلند، تنفر خود را از این وضع ذلت بار اعلام کردند.^۱

این رفتار مذموم و حوادث اسفباری که در سفارت روس اتفاق می افتاد، به همراه سکوت و بی اعتنائی کارگزاران قاجار در این باره، علما و مؤمنان را به عکس العمل وادار ساخت.

روحانیت بیدار و آگاه، وظیفه خود دید که از شرف دینی در برابر آن شقاوت پیشگان دفاع کنند. در این ارتباط مردم تهران به سراغ مجتهدی رفتند که قبلاً با افشاگری های خود، مخالفت خویش را با تجاوز و سلطه اعلام کرده و در پارسایی، پرهیزگاری، علم و عمل یگانه دوران به شمار می آمد و او کسی جز مرجع عظیم الشان، فقیه فرزانه، آیت الله میرزا مسیح مجتهد

۱. میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، از نگارنده، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶ش، مه ۱۳۴ - ۱۳۵.

استرآبادی تهرانی (۱۱۹۲ - ۱۲۶۳ق) نبود. وی در مسجد جامع تهران از مسلمانان خواست که برای رهایی بانوان از اسارت وزیرمختار متکبر و خودخواه، اقدام کنند. این فرمان رفته رفته قیام فراگیر روز ششم شعبان ۱۲۴۴ق را رقم زد. هدف میرزا مسیح صرفاً مقابله با چند مأمور سیاسی و موضوع چند زن گرجی نبود؛ بلکه موضوع در مخاطره ق رار گرفتن عزت و کرامت انسانی، استقلال و هویت کشور اسلامی ایران در رأس این برنامه قرار داشت.

در پیشاپیش جمعیتی که از مسجد جامع تهران به این حرکت مقدس دست زدند، روحانیان و سادات دیده می شدند. وقتی جمعیت به مقر سفارت روس رسید، بالغ بر یکصد هزار نفر بودند. گریبایدوف به جای توجه به خواسته منطقی مردم، دستور حمله به آنان را داد و بر اثر درگیری خونینی که در حمله گروهی مهاجم مسلح به سرکردگی گریبایدوف و در جانب دیگر عده ای مسلمان

معتقد کہ می خواستند بانوان را از آن وضع ناروا برهانند قرار داشت، ۸۰ نفر از مردم ایران و ۳۸ نفر از اعضای سفارت کشته شدند.

در میان مقتولان روسی، گریبایدوف نیز دیده می شد و ساختمان سفارت توسط مردم به ویرانه ای مبدل گردید.^۱

گرچه حادثه مزبور شاه قاجار و اطرافیانش را در موجی از هراس افکند؛ ولی متجاوزین روس را وادار ساخت تا از این قیام خونین و باش کوه درس بگیرند و در تصمیم گیریهای خود درباره مسلمانان ایران تجدیدنظر کنند .

کارگزاران قاجار برای حفظ موقعیت خود و راضی کردن روسها ، میرزا مسیح مجتهد را به عتبات عراق تبعید کردند.^۲

مقاومت علیه امتیازی ذلت آور

آیت الله ملا علی کنی (۱۲۲۰ - ۱۰۳۶ق) فقیه فرزانه و مرجع عالی مقام شیعیان در قرن

سیزدهم هجری، در مقابل روابط خارجی حاکمان قاجار بسیار حساس بود و درباره خطر نفوذ بیگانگان در فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشور اسلامی ایران، به کارگزاران وقت هشدارهایی داده بود؛ اما از آن سوی میرزا حسین خان سپهسالار (مشیر الدوله) صدراعظم وقت ناصرالدین شاه قاجار، در پی تحقق اهداف شوم بیگانگان تلاش می کرد. از جمله خیانتهای وی، اعطای امتیاز به «بارون ژولیوس دو رویر» یهودی- آلمانی است که به تابعیت دولت انگلستان درآمده بود . صدراعظم مذکور، به دلیل این خوش خدمتی از رویتر رشوة کلانی دریافت کرد و ننگ بدنامی و خیانت را به جان خرید .^۳ به موجب این قرارداد، تمامی ثروت ملی ایران، از جمله معادن و جنگلها به این فرد بیگانه واگذار گردید . این امتیازنامه چنان شرم آور بود که «لرد

۳. قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، جواد شیخ الاسلامی، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۶۷ش، صص ۷۱ - ۷۲.

۱. همان.
۲. نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، حامد الگار، ترجمه : ابوالقاسم سری، نشر توس، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۱۴۳.

کرزن « اعلام کرد :
 «قرارداد رویترا کامل
 ترین و غیر عادی ترین
 تسلیم تمام منابع یک
 دولت به دست خارجی
 است که شاید بتوان آن
 را در خواب دید و در
 تاریخ کم تر نظیری
 دارد.»^۱

«گراهام استوری
 نیز اعتراف می کند که
 به موجب این امتیاز،
 به رویترا اجازه داده
 شد که بر تمام منابع
 ایران و اکثر افرادش
 در هفتاد سال، به طور
 واقعی حکومت کند . این
 امتیاز بود که دروازه
 های ایران را به روی
 غرب گشود.»^۲

تزار روسیه در
 ملاقات با ناصرالدین
 شاه به وی گفت : «اعلی
 حضرت با اعطای این
 امتیاز، تمام منابع
 ثروت کشورتان را در دست
 به بارون رویترا بخشیده
 اید، جز هوایی که
 ایرانیان برای نفس
 کشیدن لازم دارند، که
 آن هم قابل معامله
 نبوده است.»^۳

بعد از افشای ماهیت
 این قرارداد ننگین،

روحانیت آگاه و بیدار
 به صحنه آمد و ضمن
 متنّبہ کردن مردم نسبت
 به این فاجعة شوم، به
 مقابله با چنین سند
 ننگینی پرداختند که
 آیت الله حاج ملاعلی کنی ()
 در این خیزش ، نقش
 برجسته ای داشت و
 افکار عمومی را به سوی
 لغو این امتیاز هدایت
 کرد.^۴

آن فقیه فرزانه
 اعتقاد داشت که اجرای
 امتیاز رویترا موجب می
 شود اروپاییان به
 ایران سرازیر گردند و
 با هجوم اجانب در
 نقاط گوناگون، هویت
 دینی، فرهنگی، مذهبی و
 استقلال کشور مورد
 مخاطره قرار گیرد .
 نوشته اعتراض آمیز وی
 به شاه وقت قاجار، سند
 زنده ای از درایت،
 هوشیاری و فراست آن
 مرجع معظم شیعیان
 محسوب می شود . در
 فرازی از این نامه
 آمده است : «با شروط و
 تعهدات و موثیق چندی
 از قرار مسموع و مکتوب
 در عهدنامه، آنکه جمیع
 خلق مجبور به تسلیم
 اموال و املاک خود
 باشند، گمان ندارم [نه

۱. انگلستان در ایران، دنیس
 رایت، ص ۱۰۱.

۲. زندگینامه آیت الله ملا علی
 کنی، انصاری، مجله مشکوة، ش ۳،
 ص ۹۳.

۳. قتل اتابک و شانزده مقاله
 تحقیقی دیگر، ص ۷۷.

۴. عصر بی خبری یا تاریخ
 امتیازات در ایران، ابراهیم
 تیموری، نشر آقبال، تهر ان،
 ۱۳۲۲ش، صص ۱۲۱ - ۱۲۳.

تنها] در شرع [مقدس]؛ بلکه در سایر ادیان این قسم اجبارها شده باشد. با هجوم عموم فرنگیان در بلاد ایران، کدام عالمی در ایران خواهد ماند؟ و اگر بماند، جانی و نفس داشته باشد که یک دفعه وادینا و واملتا بگوید؟^۱

اقتدار معنوی، نفوذ اجتماعی و صلابت حاج ملاعلی کنی، خیزش اهالی تهران را در اعتراض به این قرارداد به همراه داشت. آنان برای انجام تکلیف دینی و پیروی از فرامین مرجع تقلید خویش، از هرگونه فداکاری مضایقه نداشتند. لغو امتیاز و عزل مهرة اصلی این قرارداد، دو خواسته ای بود که علما و مردم بر آن اصرار می ورزیدند. شاه به محض بازگشت از سفر اروپا و پی بردن به خیزش اهالی مرکز به رهبری علما، سپهسالار را از مقام صدراعظمی عزل و امتیاز رویترا که بر اساس مفاد آن ایران تحت سلطه سیاسی و فرهنگی بریتانیا درمی آمد، لغو کرد.^۲

باران بیداری
روشنگری سید جمال
یکی از رهبران نهضت‌های اصلاحی معاصر در جهان اسلام «سید جمال الدین اسدآبادی همدانی» است. همان عالم مبارز شیعی که بیدارگری را در کشورهای اسلامی آغاز و دردهای جوامع اسلامی را با واقع بینی ویژه ای تشریح کرد و راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد. او در صدد بود که در فکر و زندگی اجتماعی مسلمانان تحولی پدید آورد. شهید مطهری (نوشته است: «سید جمال الدین مهم ترین و مزمن ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد. با این دو به شدت مبارزه کرد. او برای مبارزه با این دو عامل فلج کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست لازم شمرد و برای تحصیل مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد

۱. همان، ص ۱۲۴.
۲. ملا علی کنی؛ مرزبان دین، محمدباقر پورامینی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۴ - ۱۲۶؛ عصر بی‌خبری، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.

مردۀ مسلمین حیاتی می دانست. بدعت زدایی و خرافه شویی را شرط آن بازگشت می شمرد. اتحاد اسلام را تبلیغ می کرد. دستهای مرئی و نامرئی استعمارگران را در نفاق افکنیهای مذهبی و غیر آن می دید و رو می کرد.^۱

وی علاوه بر مبارزه با استکبار، در بعد سیاسی و اقتصادی خطر استعمار فرهنگی را گوشزد می کرد و تأکید داشت که اجانب در پی استحالة فرهنگ اسلامی و ترویج بی اعتقادی به اسلام می باشند و بر عکس، فرهنگ غربی را یگانه فرهنگ انسانی و سعادت بخش معرفی می کنند. سید به مسلمانان هشدار داد که روح صلیبی همچنان در غرب مسیحی زنده و شعله ور است و اروپا علی رغم زدن ماسک آزادمنشی، هرگونه تعصّبی را نکوهش می کند؛ اما خود در دام تعصّبت و ام با خصومت علیه مسلمانان، سخت گرفتار است. او تصریح می کرد: چون اروپاییان اعتقاد دینی مسلمانان را

استوارترین پیوند میان آنان می بیند، می کوشند تا با نام مخالفت با تعصّب، این پیوند را سست کند. او انگلستان را صرفاً قدرتی استعماری نمی دانست؛ بلکه دولت بریتانیا را دشمن صُلّبی مسلمانان می دانست و عقیده داشت هدف انگلستان نابودی اسلام است و در برابر اجانبی که مصمّم به حذف اسلام هستند، می خواست روح جهاد و مقاومت را بر پیکر مسلمین بدمد و غیرت دینی آنان را به جوش آورد.^۲ سید جمال تلاش کرد مسلمانان را از خودباختگی در برابر غرب برهاند و از طرق گوناگون، از جمله انتشار مقالاتی در نشریة «عروة الوثقی» این هدف را پی گرفت. او می دانست تا زمانی که مسلمین خویشتن را از این عقدة خطرناک در برابر اجانب نرهانند، از ایشان نمی توان انتظار داشت که بر ضد استکبار به پیکار برخیزند. از این رو، در سراسر حیات فکری و سیاسی خویش می کوشید

۱. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۵۷ش، صص ۱۸ - ۱۹.

۲. سیری در اندیشه سیاسی غ رب، مهس ۱۰۱ - ۱۰۲.

مسلمانان را در مبارزه با بیگانگان ، قوی دل سازد و نشان دهد که اگر جوامع اسلامی متّحد گردیده و بسیج شوند، قادرند ابرقدرتها را از گسترش خواهی، زورگویی و جنگ فرهنگی علیه مسلمین باز دارند.^۱

او از پشت دیوارهای خون، اندوه، یأس و سکوت، ناگهان بانگ برداشت: ای مستکبران! دیگر بس است! مسلمانان را از اسارت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی خود آزاد کنید! به همین دلیل دو گزارش تکان دهنده از دو سوی آسیا (مصر و بمبئی) به انگلستان رسید و تصریح گردید مردی دانشمند و وارسته از قلمروی خاموش و ساکت به خصومت با بریتانیا برخاسته، روشنگری های او، آتشفشان خشم مقدس را فعال کرده است. او در «جامع الأ زهر» مصر شاگردانی شایسته تربیت کرد که توانستند بذر آزادی را در کشور خویش پاشیده و با انقلاب خونینی، زمام امور سرزمین اسلامی را به دست گیرند و پشت

استعمار گران انگلیسی را به خاک بسایند.^۲ سیدجمال هنگام اقامت در روسیه، در جراید این کشور، طی مقالاتی از سیاست ابرقدرتهای اروپایی، از جمله بریتانیا انتقاد کرد و نوشت:

«به این اژدها یا نهنگ بنگرید که فرو بردن صد میلیون نفر از مردم دنیا او را سیر نکرده و آبهای رودخانه های گنگ و سند وی را سیراب نساخته، چنان که مانند کفتاری دهان گشوده تا بازمانده جهان را فرو بلعد و آبهای رودخانه های نیل و جیحون را یکجا درآشامد.»^۳

وی در یکی از شماره های نشریه عرو^۴ الوثقی نوشت: «باید تمامی مسلمانان در حدود و طاقت و امکان در جهت خلاف مسیر انگلیسی ها به حرکت آیند و بر سر راه آنان موانعی به وجود آورند تا بدین ترتیب وظیفه دینی و ملی خود را به انجام برسانند.

۲. مبارزات ضد استعماری سید جمال الدین اسدآبادی، پرویز لوشانی، مؤسسه مطبوعاتی دین و دانش، قم، ۱۳۴۷ش، ص ۲۸ و ۶۷ - ۶۹.

۳. زندگی و سفرهای سیدجمال الدین اسدآبادی، علی اصغر حلبی، نشر زوار، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۳۵.

۱. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، صص ۳۷ - ۳۸.

شریعت محمد (ص) مرگ
 را در راه طرد
 متجاوزان به
 سرزمینهای اسلامی مجاز
 و حتی واجب می گرداند
 و هر صاحب اندیشه ای
 را به اتخاذ تدابیر
 لازم در برابر مکر
 حیلہ پردازان و پرهیز
 از ارواح شریر، و امی
 دارد که به اشکال
 گوناگونی درمی آیند و
 رونق ظاهری و جمال
 صوری آنها افکار را
 اسیر و چشمها را خیره
 و در واقع خمیرمایه
 بدیها، ریشه های فساد
 و باعث تحریک انواع
 فتنه ها و اخلال گری
 اند. این ارواح همان
 بیگانگان هست ند که
 ارزشهای مناطق اسلامی
 را زیر پا می گذارند
 و حقوق مردم را
 پایمال نموده، خلق و
 خوی افراد را فاسد و
 آنان را ذلیل و زبون
 می سازند. اگر طلب
 بزرگ و علو همّت شما
 را تحریک نمی کند،
 باید توقف یک بدبختی
 قریب الوقوع شما را
 به جنبش وادارد و در
 شما برتری و خصال
 بزرگی وجود دارد؛ دین
 شما، حمیّت، غیرت و
 دفع مصایب را از شما
 انتظار دارد. صاحب

دین به انتظار آن است
 که اعمالتان در راه
 نهضت اعلاّی کلمة دین و
 نجات آن از چنگال
 اجانب، بر وی عرضه
 گردد. خداوند در قرآن
 کریم می فرماید: [وَلَا
 تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ]؛ «سستی
 نوزید و اندوهناک
 مباشید و شما اگر (به
 درستی) ایمان آورده
 باشید (بر دشمنان)
 برتری خواهید جست.»
 با این مطالب،
 سیدجمال چنان احساسات
 مذهبی مسلمانان را
 برانگیخت و روحیه آنان
 را تقویت کرد که در
 همان زمان سبب نهضت
 و جنبشهایی علیه
 استکبار گردید.^۲
 ادامه دارد...

۱. آل عمران/ ۱۳۹.
 ۲. سید جمال الدین اسدآبادی؛
 بنیانگذار نهضت احیای تفکر
 دینی، محمد جواد صاحبی، صص ۱۳۱-
 ۱۳۲.

***حل بحران فلسطین در اندیشه امام خمینی

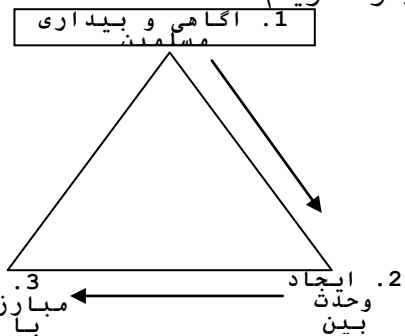
حسن دهقان

مقدمه

دیدگاه ها و اندیشه های پیشوای بزرگ مسلمین جهان، امام خمینی! پیرامون مسئله فلسطین، تنها راه نجات امت اسلامی است و در سراسر این مسئله و آرمان رهایی اولین قبله مسلمین عالم و قدس عزیز، از اصولی ترین و اساسی ترین مسائل جهان اسلام است. از منظر امام! بحران فلسطین در رأس مصیبت های عالم اسلام است و مسلمانان جهان باید به فکر نجات فلسطین باشند. نکته قابل تأمل اینجاست که بسیاری از شخصیت های حقیقی و حقوقی، محافل و مجامع منطقه ای و بین المللی، اسرائیل

را به رسمیت شناختند و حتی را برای این رژیم غاصب قائل شدند؛ اما از منظر امام!، این رژیم غاصب است و خطر آن نه تنها متوجه فلسطین؛ بلکه تمام منطقه است و کشورهای اسلامی را هدف قرار داده و راهی جز مبارزه با آن وجود ندارد. راه حل بحران فلسطین در اندیشه امام! را سه گزینه «آگاهی و بیداری مسلمین از بحران فلسطین»، «ایجاد وحدت بین مسلمانان» و «مبارزه با اسرائیل» تشکیل می دهد. بین این سه ضلع، ترتیب خاصی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، از منظر امام! برای نابودی اسرائیل،

ابتدا باید مسلمانان جهان نسبت به مسئله فلسطین به آگاهی و بیداری لازم برسند و بعد، نوبت به ایجاد وحدت بین مسلمانان می رسد و در گام نهایی، مبارزه با اسرائیل شکل می گیرد. در اینجا به بررسی این سه مرحله در اندیشه امام! می پردازیم.



1. آگاهی و بیداری مسلمانان از منظر امام خمینی! اولین قدم برای نجات مسلمانان و مستضعفان جهان، به ویژه ملت فلسطین، بیداری است. مسلمانان و مظلومان عالم، برای نجات خودشان باید به آگاهی و بیداری برسند و وضعیت رقّت بار خود را درک کرده، اراده ای برای تغییر در وضعیت و نجات خودشان ایجاد کنند. البته از منظر ایشان، این بیداری تا حدودی ایجاد شده است: «من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی،

به هم و ما و به هم مظلومین عالم و به هم مستضعفان جهان پیروزی عنایت کند، تا همه از زیر بار این ابرقدرتها خارج بشوند، و مسئله ای است که باید بشود. مسئله این طور شده است که دیگر مستضعفین در مقابل مستکبرین قیام کرده اند، بیدار شده اند. بیداری، اول قدم است. اول قدم، یقظه است.»^۱

یکی از آرزوهای امام راحل! بیداری ملت‌های مسلمان بوده است. از دیدگاه ایشان، مظلومان و مستضعفان عالم باید با فرهنگ و دین اسلام، به دشمنی استکبار و ابرقدرتهای دنیا پی ب‌برند و بدانند استکبار جهانی به دنبال غارت منافع مادی و معنوی ملت‌های مسلمان و غصب کشورهای اسلامی نظیر فلسطین است و برای رسیدن به اهداف خود طرحها و برنامه های مختلف ی دارد که رویارویی مسلمانان در برابر یکدیگر، یکی از آن طرحه‌است: «... اینها نقشه

۱. صحیفه امام! (مجموعه آثار امام خمینی!)، سید روح الله خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام!، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۱۲، صص ۳۸۲ - ۳۸۱.

ہایی بوده است کہ اینها درست کردند و کشیدند، و اینها را مقابل ہم قرار دادند و نمی دانم چه وقت می شود کہ مسلمین بیدار بشوند. چه وقت ممکن است کہ دولتهای ما، ملتهای اسلامی، چه وقت می خواهند چشمهایشان را باز کنند. آیا نمی فهمند؟ یا می فهمند و نمی کنند؟ اگر نمی فهمند، باید توجہ کنند بہ مسائل کہ ببینند بدبختی مسلمین از کجا شروع می شود، و چه هست آن دردی کہ مسلمین را این طور کرده کہ خزائن آنها را می برند و خودشان روی خزائن خودشان گرسنگی می خورند. این نفت بہ این سرشاری را بردند و ملت ما گرسنه ماندہ است و ہمہ جا ہمین طور. آیا مسلمین، و خصوصاً حکومتھای اسلامی، چه وقت می خواهند بیدار بشوند؛ چه وقتی می خواهند اغراض شخصیہ خودشان و آمال شخصی خودشان را کنار بگذارند و برای ملتها خدمت بکنند؟ مسلمین یک میلیارد تقریباً جمعیت اند. الآن یک میلیارد جمعیت دنیا را تشکیل

می دهند. با دارا بودن ہمہ چیز؛ ممالک غنی و وسیع.»^۱ یکی از این کشورها، فلسطین و قدس شریف است کہ در چنگال ظلم و ستم رژیم غاصب صھیونیستی گرفتار شدہ است. از دیدگاہ امام!، مسلمانان باید توجہ داشته باشند کہ اسرائیل تنها فلسطین را تهدید نمی کند؛ بلکہ تهدیدی برای تمام کشورهای عربی است: «... آیا با این وضع، مسلمین و دول کشورهای اسلامی در مقابل خداوند تعالی، در مقابل عقل و وجدان، تکلیفی ندارند؟ مردان فداکار فلسطین بہ دست عمّ ال استعمار در کشورهای مستعمرہ کوبیدہ شوند و اینها ساکت نشینند یا دامن بہ این مقصد کثیف زنند؟ آیا دول عربی و سکنۃ مسلمان این ممالک نمی دانند کہ با شکست این گروه، سایر کشورهای عربی از شرّ این غاصب خبیث آسودہ نخواهند ماند؟»^۲ ایشان از سران کشورهای اسلامی می خواهند توجہ داشته باشند کہ خطر این

۱. همان، ج ۷، صص ۳۹۳ - ۳۹۲.
 ۲. همان، ج ۲، ص ۴۶۲.

جرثومه فساد فقط متوجه ملت عرب نیست: «سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته اند، تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی باشد؛ بلکه خطر و ضرر آن متوجه هم خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیش تر سرزمینهای زرخیز و منابع سرش ار کشورهای اسلامی می باشد.»^۱

امام! معتقد بود که اسرائیل از مقصد شوم خود (حکومت از نیل تا فرات) دست بر نخواهد داشت. ایشان بیان می کنند که نسبت به حامیان اسرائیل، به ویژه آمریکا، باید هوشیار بود و بازیهای سیاسی اینان را از نظر دور نداشت: «مسلمانان، و خصوصاً مظلومان منطقه، بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره ها که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچ گاه از مقصد شوم خود که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل

تا فرات است، منصرف نخواهد شد و آمریکا که چنگ و دندان در منطقه نشان می دهد، از مهره ای چون اسرائیل که مجری جنایتهای آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می کند و بازیهای سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت.»^۲

امام! در مورد لزوم مقاومت مسلمانان در لبنان و فلسطین، به تمام مسلمین جهان اعلام می دارد: «امروز همه قدرتها و ابرقدرتها دست به دست یکدیگر ر داده اند که نگذارند فلسطینیهای مسلمان به هدفشان برسند. حتی بسیاری از کسانی که به ادعا، نسبت به فلسطینیها اظهار علاقه می کنند، علاقه شان به این نیست که مسلمانان فلسطینی بر اسرائیل غلبه کنند و متأسفانه با سکوت و سازش و تماشا دست به هم داده اند که نگذارند مسلمانان فلسطین پیروز بشوند؛ چراکه پیروزی آنان پیروزی اسلام است.»^۳ یعنی دشمنان اسلام می ترسند از اینکه لبنان و فلسطین

۱. همان، ج ۳، ص ۲.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۹۵.
۳. همان، ج ۲۰، صص ۴۸۶ - ۴۸۵.

به پیروزی برسند و بساط آنها را برچینند، همان گونه که اسلام در ایران به پیروزی رسید و بساط و منافع شان را بر هم زد. «... آنها می ترسند همان طوری که اسلام در ایران پیروز شد و همۀ بساط آنها را بر هم زد و منافع شان را از بین برد، همین طور اگر در لبنان و فلسطین اسلام به پیروزی برسد، همۀ بساط شان را در هم پیچد، لذا همۀ شیاطین مجتمع اند که نگذارند اسلام رشد کند.»^۱

امام! بیداری اسلامی و ملل اسلامی را وظیفۀ علما و دانشمندان اسلامی می داند و می فرماید: «باید کاری کرد که ملتها هر جا هستند، ملتها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندا بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاه های همۀ بلاد اسلامی بخواهند مشکلۀ اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند... باید از مغز ملتها این «نمی شودها» را بیرون کرد و به جای آن، «می شودها»

را گذاشت.»^۲

۲. ایجاد وحدت بین مسلمانان

از دیدگاه امام راحل!، بعد از ایجاد بیداری و آگاهی مسلمانان از بحران فلسطین، نوبت به وحدت جهان اسلام می رسد. وحدت بی ن مسلمین، دومین گام برای نجات ملت فلسطین است؛ زی را اساس برنامه های اسلام برای ایجاد وحدت و توحید کلمه است. ایشان اعلام می دارند که رمز تمام گرفتاری های مسلمین در تفرقه و جدایی است و رمز موفقیت در اتحاد کلمه و هماهنگی.

«... ای مسلمانان جهان! و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**»^۳ «اعتصام به حبل الله» بیان هماهنگی جمیع مسلمین است...»^۴

امام! معتقد است که

۲. همان، ج ۱۳، صص ۸۶ - ۸۵.
 ۳. آل عمران/ ۳.
 ۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶.

تمام مسلمانان باید متحد شوند و قدس را نجات دهند و شرّ جرثومه فساد، اسرائیل را از بلاد اسلامی رفع نمایند: «همه باید متحد شوند و متحداً در مقابل این جمعیت متجاوز بایستند و عمل کنند و دست غاصب او را قطع کنند. اصولاً این تکلیف همه مسلمین است که «قدس» را آزاد کنند و شرّ این جرثومه فساد را از سر بلاد اسلامی قطع کنند.»^۱

از منظر امام! با یک میلیارد مسلمان جهان اسلام؛ چرا قدس در دست صهیونیسم گرفتار شده است؟ چرا حکومت‌های دیگر نیز تحت سلطه صهیونیسم قرار گرفته اند؟ در صورتی که اگر مسلمانان تحت لوای اسلام قرار بگیرند، حکومت بزرگی خواهند شد و خودشان بر کشورهایشان حکومت خواهند کرد: «اینکه يك میلیارد جمعیت ما داریم؛ قدس ما را صهیونیستها ببرند، و حکومت‌های دیگر را هم در تحت سلطه قرار بدهند؟ در صورتی که اینها اگر با هم مجتمع باشند، حکومت بزرگی خواهند بود. هر

کدام در محل خودشان حکومت بر محل خودشان، و همه با هم زیر بیرق اسلام باشند.»^۲

ایشان اختلاف بین سران کشورهای عربی را باعث برطرف نشدن بحران فلسطین می دانند و متذکر می شوند که دولتهای عربی با این امکانات وسیع نتوانسته اند دست اسرائیل غاصب را از بلاد اسلامی کوتاه کنند.

از دیدگاه ایشان وحدت جهان اسلام در زمان معاصر که هجوم همه جانبه ابرقدرتها و استعمار جهانی به کشورهای اسلامی نظیر: افغانستان، لبنان و فلسطین را شاهدیم، بیش از پیش ضرورت دارد. در اندیشه امام! وحدت جهان اسلام برای حل بحران فلسطین، آنقدر حیاتی و مهم است که جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس اعلام نموده، همبستگی بین المللی مسلمانان را در دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین خواستار شدند:

«من از عموم مسلمانان جهان دولتهای اسلامی می

۱. همان، ج ۵، ص ۱۸۶.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

خواہم کہ برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیب آنان آن، به ہم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را کہ از ایام قدر است، و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی ہمبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند.»^۱

۳. مبارزه با اسرائیل

گام سوم برای نجات ملت مظلوم فلسطین، طبق اندیشه امام! مبارزه مسلمانان با رژیم اشغالگر صهیونیستی است. از نظر ایشان، بر تمام مسلمانان جهان لازم است تا برای نجات فلسطین و لبنان، خود را علیه اسرائیل، این غده سرطان، تجهیز کنند:

«امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و

به خاک و خون می کشد. امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی، تفرقه افکنی می کند. بر هر مسلمانی لازم است کہ خود را علیه اسرائیل مجهز کند.»^۲

به تعبیر امام! اسرائیل غده سرطانی است و تنها راه درمان سرطان، به کار بردن چاقوی جراحی است. به عبارت دیگر، تنها با جهاد و مبارزه مسلحانه می توان اسرائیل را از بین برد.^۳

ایشان به واسطه همین تفکر، معتقد است کہ باید از امکانات کشورهای اسلامی استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان، اسرائیل را از کرده اش پشیمان نمود:

«به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد (ص) و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار

۲. همان، ج ۱۰، صص ۱۶۰ - ۱۵۹.
 ۳. امام خمینی! و انتفاضه فلسطین، حمید پاشاپور یوالاری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، ص ۶۱.

خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد.»^۱
 امام! رمز پیروزی ملتها را شهادت می داند و بیان می کند که ملتها باید برای حیات مادی و حیوانی خود ارزشی قائل نباشند و به شهادت که رمز قرآنی است، متمسک شوند.^۲
 حرکت اسلامی و

انتفاضه مردم فلسطین به منظور رهایی از زیر یوغ اشغال و سلطه رژیم صهیونیستی نمونه ی قیام و مبارزه ای است که امام! از آن دفاع کردند و در واقع این شیوة مبارزه با دیدگاه ایشان در خصوص آرمان فلسطین تطابق دارد.
 امام! با یاد کردن از انتفاضه، با عنوان «شجره مبارکه و کوکب دزی» این شیوة را کارآمدترین استراتژی برای نابودی صهیونیسم دانسته، بر استمرار آن و عدم توقف قیام تأکید داشتند.^۳

در مقابل، امام! از سازش کاران اعلام انزجار کرده، می فرماید: «ملتهای

مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازش کاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند، به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه دار کنند، که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خودفروخته، به اسم آزادی قدس، به آمریکا و اسرائیل متوسل شده اند.»^۴

در اندیشه امام!، برای حل بحران فلسطین، هیچ گونه راه حل سیاسی و دیپلماتیکی پذیرفته نیست و دولتها و گروه های فلسطینی که برای احقاق حقوق ملت فلسطین، راه حل سیاسی و دیپلماتیک اتخاذ کرده اند را با عکس العمل شدید و ملامتهای تند خطاب کرده، می فرماید: «من به سران فلسطینی نصیحت می کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۰.
 ۲. همان، ج ۶، ص ۵۰۳.
 ۳. امام خمینی! و انتفاضه فلسطین، ص ۶۴.
 ۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۰.

و با اتکا به خداوند
متعال و مردم فلسطین و
اسلحه خویش تا حد مرگ
با اسرائیل بستیزند؛
چراکه این رفت و آمدها
موجب می شود که ملتهای
مبارز از شما دلسرد
شوند. شما اطمینان
داشته باشید که نه شرق
به درد شما می خورد و
نه غرب. با ایمان بر
خدا و تکیه بر سلاح، با
اسرائیل بجنگید، همچون
ملت و نیروهای مسلح
ایران که بی اتکا به
قدرتها و ابرقدرتها و
با ایمان به خدای
تعالی و قدرت لایزال او
تا حصول خواسته های
مشروع خویش دست از
اسلحه برنمی دارند.»^۱



****صاحبه با مبلّغ و خطیب توانمند؛ حجت الاسلام و المسلمین عبدالسیّد محمودی بهبهانی**

اداره کل امور رسانه‌ها

اشاره:

امروزه یکی از فرصت‌های بوجود آمده برای جامعه تبلیغی کشور، بهره گرفتن از تجربیات و شیوه‌های تبلیغی مبلغین بزرگ و با تجربه است؛ در همین راستا دقایقی پای صحبت‌های مبلّغ عزیز و گرامی حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالسیّد محمودی بهبهانی نشستیم؛ حاصل این گفتگو را در ادامه ارائه می‌کنیم.

*** سؤال اول: ضمن**

عرض سلام و تشکر از اینکه فرصتی را در اختیار ما هنامۀ «مبلّغان» قرار دادید؛

به عنوان سؤال اول اهمیت و جایگاه تبلیغ

از منظر آموزه‌های دینی را تشریح نمایید.

■ **جواب:** بسم الله

الرحمن الرحیم؛ در ابتدا از تشریف آوردن شما به منزل بنده، تشکر می‌کنم و از اینکه مرا مورد تفقد (دلجویی) قرار دادید، سپاسگذاری می‌کنم. در پاسخ به این سؤال باید به حدیث زیبای پیامبر گرامی اسلام (ص) اشاره کنم که می‌فرماید: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنَزَلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَى أَهْمٌ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۱؛ به درستی که بلند مرتبه ترین مردم نزد خداوند

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۵۸.

در روز قیامت کسی است که در زمین خدا برای خیرخواهی [و نصیحت] خلق، بیش تر دوندگی می کند.»

بنابراین باید گفت در روز قیامت آنهایی منزلت و جایگاه بلندتری دارند که برای دی ن خدا و تعالی بشریت تبلیغ بیش تری کردند! قرآن مجید نیز در آیه ای به جایگاه «مبلغ دین» اشاره می کند و می فرماید: [كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ]؛^۱ در این آیه با ظرافتی خاص ابتدا می گوید «امر به معروف»؛ سپس «نهی از منکر» و بعد از آن «تؤمنون بالله».

در جای دیگری از قرآن یکی از توصیه های «لقمان» به فرزندش چنین آمده: [يَا بُرَيْدُ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ]؛^۲ در این آیه چهار نکته وجود دارد:

نکته اول: «أَقِمِ الصَّلَاةَ»، کأن می خواهد بفرماید اول خودت مقید

باش؛
نکته دوم: امر به معروف؛
نکته سوم: نهی از منکر؛
نکته چهارم: «وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ».

با توجه به این آیه شریفه باید گفت کار «تبلیغ»، کار پرزحمتی است! گرفتاری و مشقتهای زیادی به دنبال دارد و همه آن اجر و پاداشهایی که در مقابل مشقتها نوید داده شده، در مقابل این زحمات و گرفتاری هاست؛ چنانکه پیامبر گرامی (ص) می فرماید: «حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ، وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ»؛^۳ پوشیده شده بهشت با سختی ها و جهنم با شهوات [و راحتی ها].

شاعر (سعدی) در توصیف این عبارت، چنین می سراید:
نا برده رنج گنج میسر نمی شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

این نکته نیز گفتنی است که امام حسین (ع) علت آمدنش از مدینه و مکه و قبول این همه خطرات و مشکلات را در

۳. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۰.

۱. آل عمران/۱۱۰.
۲. لقمان/۱۷.

یک جمله خلاصه می کند
و می فرماید : «أَتَيْ لَمْ
أَخْرَجَ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ
لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ
أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ
الْمُنْكَرِ؛^۱ من خارج نشدم
[و قیام نکردم] برای
سرکشی و عداوت و فساد
کردن و ظلم نمودن؛
بلکه فقط برای اصلاح
امت جدم (ص) بپا
خواستم؛ در نظر دارم
امر به معروف و نهی
از منکر کنم.»
آن حضرت می داند که
منتهای این امر به
معروف و نهی از من کر
چیست و با علم و
آگاهی کامل از فرجام
کار، قدم در این عرصه
می گذارد و این نشان
از عظمت راه امر به
معروف و نهی از منکر
است و از بلندی مرتبه
مبلّغین و مروجین
فرهنگ و دین حکایت
دارد.

*** سؤال دوم:** امروزه
چه مسئله ای است که
دنیای تبلیغ و عملکرد
مبلّغین دین را آسیب
پذیر می کند و به
عبارتی دیگر مبلّغین
دین نسبت به چه چیزی
بایستی دقت بیش تری

کنند؟

▪ **جواب:** نظر بنده
بر این است که باید
نسبت به آفات و عواقب
برخی از امور، به هوش
باشیم؛ یکی از آنها
«کم شدن معنویت و
تقوا» در برخی از طلاب
است؛ در گذشته یک
مبلّغ دین، نگاه هوش به
تبلیغ، نگاه «وظیفه»
بود؛ و در راه احیاء
این وظیفه، از هیچ
تلاشی دریغ نمی کرد؛
گاهی چند شهر و روستا
را سر می زد تا جایی
برای رساندن پیام دین
پیدا کند و دیگر برای
او مسائلی همچون «کم
و زیاد بودن جمعیت و
استقبال مردمی»،
«تکریم و تعظیم
مؤمنان»، «تقدیر و
تشکر از مبلّغ» و...
مطرح نبود! حال آنکه
امروزه برخی از
اینگونه مسائل، به
فعالیت تبلیغی برخی
از مبلّغین ورود کرده
و از کیفیت تبلیغ
آنها کاسته است.
به عبارتی دیگر یک
مبلّغ دین باید به چند
نکته توجه داشته باشد:
اولاً باید بداند که
تبلیغ دین خیلی اثر
دارد؛ یعنی اسلام است
و تبلیغ! و در این
راه همگی مسئول هستند

و مسائلی همچون «دولتی شدن امر به معروف و «تقسیمات سازمانی تبلیغ» نمی تواند از آنها سلب مسئولیت کند؛ چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «أَلَا كَلَّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرَأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَليِّهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكَلَّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ»^۱ بدانید که هر کدام از شما بمنزله شبانی هستید و تمام شما نسبت به رعیت خود مورد بازخواست قرار می گیرید، بنا بر این فرمانروای مردم از رعیت خود بازخواست می شود، و مرد نسبت به خانواده اش سرپرست است و مسئول، و زن سرپرست اهل خانه شوهر و فرزندان و مسئول آنهاست، و خدمتکار، ناظر بر مال آقای خود، و مسئول آن است. هان، همه شما شبانید و تمام شما از رعیت خود بازخواست می

شوید.»
ثانیاً بدانند پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيَْتَ»^۲ هیچ پیغمبری به مثل من اذیت نشد. «این همه پیغمبر (یکصد و بیست و چهار هزار) آمدند و اذیت شدند؛ یحیای زکریا را با ازه دو نصف کردند و آن مصائب بر پیامبران الهی وارد شد؛ با این حال پیغمبر اسلام (ص) می فرماید: «هی چ پیغمبری به اندازه ای که من اذیت شدم، اذیت نشد.» و یک مبلغ دین نیز باید همچون نبی گرامی، همه مشکلات را به جان بخرد؛ باید بدانند نان خور چه کسی است و باید در این راه به بزرگان دین تاسی نماید.
ثالثاً به این روایت توجه داشته باشد که امیرالمؤمنین علی (ع) از قول پیامبر گرامی (ص) می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوَقِّرْ كَبِيرَتَنَا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَتَنَا وَ يَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ نیست از ما کسی که به بزرگ سال

۲. کشف الغممه، علی بن عیسی اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۵۳۷.
۳. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور، نشر دارسیدالشهداء، قم، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۸.

۱. مجموعه وزام، وزام بن ابی فارس، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶.

ما احترام نکند و به خردسال ما توجه نکند و امر به معروف و نهی از منکر ننماید.»

یعنی کسی که امر به معروف و نهی از منکر نکند و در راه احیاء دین قدم برندارد، به فرمایش پیغمبر «از ما نیست.»

*** سؤال سوم :** شمه ای

از گذشته تبلیغی خود را بیان بفرمایید تا برای سایر مبلغین جنبه آموزشی و الگوبرداری داشته باشد.

■ جواب : از باب

«تَزْيِيَةِ الْمَرْءِ لِنَفْسِهِ قَبِيحٌ»
بہتر است سراغ سؤال بعدی برویم.

*** سؤال چهارم :**

فرمایش شما صحیح است؛ اما از آنجا که ماهنامه مبلغان کانال انتقال تجربیات و یافته های مبلغان بزرگ به عرصه تبلیغ است، مناسب است مطالبی در این زمینه به عنوان «نصحیتهای پدران» بیان فرمایید.

■ جواب : بنده در طول زندگی ام از الطاف الهی بسیار بهره مند شده ام و خداوند به من لطف بسیار عطا فرموده است؛ یکی از الطاف

الهی نسبت به اینجانب، نعمت «هوش سرشار» و «حافظه قوی» است به گونه ای که در دوران کودکی برخی از سوره های قرآن، ادعیه و زیارات را بدون گذراندن کلاس درس و مکتب و با شنیدن از منبری ها و روضه خوانان، حفظ شده ام.

در طول دوران تحصیل نیز به اذعان اساتید بزرگ حوزه (از زمان مرحوم آیت الله بروجردی) تا زمان حاضر (از

درجه علمی و دانشی خوبی برخوردار بوده ام؛ لکن با وجود موقعیت علمی و زمینه رشد و تحصیل، به

تبلیغ و منبر روی آوردم و تمامی تلاش خود را صرف ترویج و تبلیغ دین و آموزه های دینی کردم.

*** سؤال پنجم :** حاج

آقا از این که وارد عرصه تبلیغ دین شده اید و تحصیل و تدریس را رها ساختید، پشیمان نیستید؟

■ جواب: نه! به هیچ وجه! مگر نه این است که [أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ]؛ پس چه خوب است

۱. «هر کجا باشید، شما را مرگ درمی یابد.» نساء / ۷۸.

انسان به گونه ای زندگی کند که وقتی به مرحله «مرگ» رسید، سربلند و سرافراز باشد و رفتار او در دنیا، ضامن سعادت و خوشبختی اش در آخرت باشد.

*** سؤال ششم :** چه

چیزهایی را برای موفقیت یک مبلغ لازم می دانید تا با بهره گیری از آنها در تبلیغش موفق باشد؟

■ جواب : به نظر

بنده چند چیز است که باید مورد توجه مبلغ دین باشد:

اول آنکه بدون وضو

به منبر نرود؛ برای منبر و جایگاه تبلیغ، ارزش بسزایی قائل باشد؛ در گذشته منبری ها زمانی که می

خواستند منبر بروند، آدابی را رعایت می

کردند؛ چه آداب قبل

از منبر و چه آداب

حین منبر؛ به طور

مثال برخی منبری ها،

اول خم می شدند و

منبر را می بوسیدند.

دوم اینکه در مسیر

تبلیغ دین «حسد» را

کنار بگذارد؛ حسد، آفت

کار یک مبلغ است و او

را از مسیر اصلی خود

باز می دارد. بعضی از

منبری ها نسبت به

منبری و مبلغ دیگر حسد

می ورزند! و باید از آن دوری کنند.

سومین نکته هم

اینکه یک مبلغ باید

میان گفتار و رفتار

خود هماهنگی ایجاد

کند؛ یعنی هرآنچه بر

زبان جاری می سازد و

به مردم می گوید، خود

نیز به آنها عمل

نماید؛ و از افتادن

در دام «خواهای

نفسانی» بر حذر باشد؛

چنانکه پیامبر گرامی

اسلام (ص) فرمود: «الْهَوَاءُ

عِنْدَ اللَّهِ أَبْغَضُ مِنْ جَمِيعِ الْإِلَهَةِ؛^۱

هوا [ی نفس] نزد خداوند

مبغوض تر از همه پرستش

هاست.» یعنی بدترین

معبود نزد خداوند که

در زمین می پرستند،

خواهای نفسانی است.

گر بر سر نفس خود امیری

مردی

گر بر دگری نکته نگیری

مردی

مردی نبود فتاده را پای

زدن

گر دست فتاده را بگیری

مردی

*** سؤال هفتم :** چه

توصیه ای به عوامل و

برنامه ریزان بخش

تبلیغ در کشور دارید؟

به عبارتی دیگر چه

راهکاری را به مسئولان

بخش تبلیغ ارائه می

۱. تفسیر منهج الصادقین، ملاحظه الله کاشانی، انتشارات کتابفروشی علمی، تهران، ۱۳۳۶ش، ج ۲، ص ۹۹.

کنید که موجب ارتقاء وضعیت تبلیغ می شود؟

■ جواب: در کنار برنامه ریزی هایی که متولیان تبلیغ برای مبلغان و جامعه تبلیغی می کنند، «مشورت» و «مشاوره» با مبلغان بزرگ و منبری های قدیمی، می تواند راهگشا و تأثیرگذار باشد؛ بهتر است این افراد دعوت شوند و از هرکدام در هر تخصصی که هستند، نظرخواهی شود تا این تجربیات در اختیار دیگر طلاب و مبلغین قرار گیرد؛ برخی مبلغین متخصص در نهج البلاغه هستند، بعضی در تفسیر قرآن تخصص دارند، بعضی دیگر تخصصشان در نحوه استفاده از روایات اهل بیت (است، برخی نیز در مدل منبر رفتن تخصص دارند و توانایی منبر رفتن برای اقشار گوناگون و بخشهای مختلف جامعه را دارند؛ می توان از آنها کمک گرفت تا تجربیاتشان را به آموزش تبلیغ تبدیل کرد.

*** سؤال هشتم :** حاج آقا اگر به پنجاه سال

قبل برگردید؛ یعنی اوائل طلبگی، باز هم منبر و تبلیغ را انتخاب می کنید؟ یا به دیگر بخشهای زندگی یک طلبه می پردازید؛ هم چون تدریس، تحصیل و...

■ جواب: اگر این اتفاق بیفتد، من دوباره منبر و تبلیغ را انتخاب می کنم؛ اما نه به این مقدار از حجم که در گذشته بود! در گذشته بنا به نیاز جامعه، یک مبلغ مجبور بود منبرهای متعددی را در یک روز برود و این حجم از فعالیت گاهی بر مطالعه و تحصیل او غلبه می کرد و حال که اگر در کنار تبلیغ دین، تحصیل و مطالعه هم به همان میزان و یا بیش تر از آن وجود داشته باشد، موجب ارتقاء منبر می شود.

*** سؤال نهم :** بخشی از فعالیت تبلیغی مبلغان و طلاب این است که در مجالس و برنامه ها و منبرها، به اهل بیت (بالأخص امام حسین (ع) توسل می جویند؛ نقش این توسل و روضه را در زندگی شخصی طلبه ها و در

موفقیتشان و در
تأثیرگذاری تبلیغی
شان چقدر می دانید؟
■ جواب: پاسخ به این
سؤال را با نقل دو
داستان از زندگی علماء
گذشته عرض می کنم:
۱. یکی از فرزندان
مرحوم حاج شیخ عباس
قمی که منبری خوبی هم
بود، برای امرار معاش
خود با یکی از
محضرداران قرار
گذاشته بود که روزی
چند ساعت برای او کار
کند تا درآمدی داشته
باشد و برخی از هزینه
های زندگی اش را
تأمین نماید؛ زمانی
که حاج شیخ فهمیده
بود، به فرزندش گفته
بود: چرا این کار را
کردی؟ اگر دولت بر ای
کارمندانش آینده نگری
می کند و برای آینده
آنها فکر می کند،
امام حسین (ع) برای
روضة خوانهایش فکر
نمی کند؟
۲. یکی از شاگردان
مرحوم آقای بروجردی)
می گوید یک شب در
خواب دیدیم خانۀ آقای
بروجردی خیلی آمد و
شد هست از فردی
پرسیدم چه خبر است؟
گفت آقا امروز میهمان
دارد. گفتم: چه کسی

است؟ گفتم: نمی دانم!
رفتم داخل دیدم آقای
بروجردی کنار دیوار
بر روی تشک همیشگی
خود تکیه داده، گفتم
آقا میهمان دارید؟
فرمود: بله. گفتم: چه
کسی هست؟ فرمود: حضرت
زہرا (س).
در همین بین دیدم
سر و صدا بلند شد و
آقای بروجردی با عجله
رفت بیرون! دیدم حضرت
زہرا (س) جلو و آقای
بروجردی پشت سر آن
حضرت آمدند و در اتاقی
که آقای بروجردی نشسته
بود، نشستند. بعد آن
حضرت به آقای بروجردی
فرمود: آقا سید حسین
بعد از پدرم، خانه ام
را آتش زدند و بعد از
پدرم سیلی به صورت من
زدند، بعد از پدرم بچۀ
من را کشتند و حق ما
را غصب کردند!
خُب حال که این
روضة ها مورد عنایت
حضرت زہراست، چرا
باید از آنها گذشت؟
آیا نپرداختن به روضه
خوانی و مرثیہ سرایی
یا کم رنگ کردن آنها،
شایستہ شاگرد مکتب
اہل بیت است؟
* در پایان از تشکر
و قدردانی می کنیم کہ
این فرصت را در اختیار

ماہنامہ میلّ غان قرار
دادید.

گزارش و مصاحبہ - مصاحبہ با مبلغ و خطیب توانمند

میلّ غان

125

***گلشن احکام؛ سی و پنج مجلس بیان احکام

سید جعفر ربانی

است، روزه اول رمضان باشد و چنانچه ماه شعبان باشد، روزه قضا یا مستحبی محسوب شود. بین فقها صحت اینگونه نیت کردن محل بحث بوده، احتیاط در ترک چنین نیتی است. (نیت ما فی الذمه نیز اشکال دارد.)

۴. در یوم الشک می توان نیت روزه قضا کرد و اگر شخص روزه قضا ندارد، روزه مستحبی نیت کند و چنانچه بعداً معلوم شود آن روز، اول ماه رمضان بوده، خود به خود از ماه رمضان محسوب می شود.

۵. اگر در یوم الشک نیت روزه قضا یا مستحبی کند و بین روز معلوم شود ماه رمضان است، باید نیت را به

در اینجا برخی از احکام مبتلابه را که بتوان در ماه مبارک رمضان، بین الصلواتین یا در ابتدای سخنرانی مطرح نمود، خدمت مبلغین گرامی عرضه می داریم:

مجلس اول: یوم الشک

روزی که معلوم نیست آخر شعبان است یا اول ماه مبارک رمضان، «یوم الشک» نامیده می شود و دارای احکام زیر است:

۱. روزه یوم الشک واجب نیست.

۲. اگر روزه یوم الشک به نیت اول ماه رمضان گرفته شود، حرام و باطل است.

۳. احتیاط این است که انسان در یوم الشک «تردید در نیت» نکند؛ یعنی از اینکه نیت کند: اگر ماه رمضان

ماه رمضان برگرداند.^۱

۶. يوم الشك امری نسبی است؛ یعنی برای کسانی که ماه را دیده اند، يوم الشك نیست؛ بلکه باید نیت روزه ماه رمضان کنند.

مجلس دوم: روزه خواری

در مورد روزه خواری لازم است به این نکات زیر توجه شود:

۱. روزه خواری بدون عذر، افتخار نیست؛ بلکه شقاوت و بدبختی است.

۲. کسی که منکر اصل وجوب روزه است، مرتد به شمار می رود؛ زیرا وجوب روزه از ضروریات اسلام و مورد تصریح قرآن است؛ ولی کسی که روزه را قبول دارد؛ اما نمی گیرد، مرتد نیست؛ بلکه گناه کار است و باید قضا کرده و کفاره دهد.

۳. اگر زن یا مرد در خوردن روزه عذر شرعی دارند، حق ندارند همسر خود را مجبور به باطل کردن روزه خود نمایند.

۴. مجوز ترک روزه، تمارض (خود را به مریضی زدن) نیست؛ بلکه مریض واقعی بودن است.

۵. عارض شدن «ضعف»

نیز مجوز ترک روزه نیست؛ زیرا طبعاً بر روزه گیر ضعف عارض می شود.

۶. دختر بچه ای که وارد سال دهم شده، روزه بر او واجب است؛ ولی اگر بر اثر روزه گرفتن دچار مشقتی می شود که نوعاً قابل تحمل نیست، می تواند روزه را بخورد و بعداً قضای آنها را بگیرد. در مورد پسر بچه ای که وارد شانزده سالگی شده نیز مسئله از همین قرار است.

تذکر:

الف) ممکن است پسر بچه زودتر از شانزده سالگی بالغ شود.

ب) چنانچه دختر یا پسر بچه، توانایی گرفتن روزه بعضی از روزها را دارند، لازم است آن روزها را روزه بگیرند و روزه هایی را که نگرفته اند، بعد از ماه رمضان قضا نمایند.

مجلس سوم: روزه بدون نیت

با اینکه روزه از عبادات است و باید همراه با نیت باشد؛ ولی در مواردی که نیت تمام روزه بدون نیت انجام می شود و صحیح است:

۱. اگر کسی که در

۱. توضیح المسائل محشی، حسین بروجردی، نشر جاویدان، قم، بی تا، ج ۱، ص ۸۸۹.

در سفر کاری که روزہ را باطل می کند، انجام نداده باشد، باید نیت روزہ کند و روزہ اش صحیح است. لازم به ذکر است که در سفر نمی توان نیت روزہ کرد؛ زیرا روزہ در سفر حرام است.

۲. اگر مریض قبل از ظهر خوب شود و تا آن وقت کاری که روزہ را باطل می کند، انجام نداده باشد، لازم است از همان وقت نیت روزہ کند و روزہ اش صحیح است.

۳. کسی که نیت روزہ داشت؛ ولی یک روز کامل را خواب ماند، یا اینکه در طول روز نیت نکرده، روزہ اش صحیح است، البته نمازهایی را که نخوانده، باید قضا کند.

۴. برای روزة قضا تا قبل از ظهر می توان نیت روزہ کرد، به شرط اینکه تا آن وقت کاری که روزہ را باطل می کند، انجام نداده باشد.

۵. برای روزة مستحبی تا دقایقی قبل از «غروب» می توان نیت روزہ کرد، به شرط اینکه تا آن وقت کاری که روزہ را باطل می کند، انجام نداده

باشد.

مجلس چهارم: مریضی و روزہ
در رابطه با مرض و روزہ لازم است به چند نکته توجه شود:

۱. معیار در تشخیص مُضَرّ بودن روزہ، خود شخص روزہ گیرنده است، نه دیگران. بله، اگر خود شخص نمی تواند تشخیص دهد، به پزشک مراجعه می کند و سخن پزشک برای او حجت است؛ چه آن پزشک مسلمان باشد یا کافر.

۲. تمارض، مجوز خوردن روزہ نیست.

۳. اگر مریض پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزہ را باطل می کند، انجام نداده باشد، باید نیت روزہ کند و روزة آن روز را بگیرد.

۴. اگر شخصی که روزہ برایش ضرر دارد، روزہ بگیرد، روزہ اش باطل است و بعد از برطرف شدن مرض، باید همان روزہ را قضا کند.
تذکر:

مقصود فقها از مرض مجوز خوردن روزہ، چند مورد است:

(الف) شخص سالم است؛ ولی با گرفتن روزہ مریض می شود؛

(ب) شخص مریض است و با گرفتن روزہ، مرضش شدت پیدا می کند؛

(ج) شخص مریض است و

با گرفتن روزه ، علاجش مشکل می گردد؛

(د) شخص مریض است و با گرفتن روزه دیرتر خوب می شود؛

بر این اساس،

چنانچه روزه گرفتن در مرض شخص هیچ تأثیری ندارد، روزه گرفتن بر او واجب است.

مجلس پنجم: تفکیک بین نماز کامل و روزه

گرچه فقها فرموده

ان د: هرکس در مسافرت نماز چهار رکعتی را دو رکعتی می خواند، نباید روزه بگیرد؛ ولی این قانون در مواردی استثنا شده:

مورد اول: در حرم

امام حسین (ع) و مسجد کوفه و مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)؛ به فتوای بیش تر فقها انسان مخیر است نماز را دو رکعتی بخواند

یا چهار رکعتی در حالی که نباید روزه بگیرد، مگر این که قصد ده روز کند.^۱

مورد دوم: انسان

مسافر می تواند سه

روز روزه حاجت در مدینه بگیرد (احتیاط

در این است که

چهارشنبه و پنجشنبه و

جمعه باشد) در حالی

که به فتوای اکثر

فقها در شهر مدینه

مخیر است نماز را

چهار رکعتی بخواند یا دو رکعتی.^۲

مورد سوم: کسی که

بعد از ظهر از وطن خود

حرکت کند، روزه اش به

هم نمی خورد در حالی

که باید نمازش را دو

رکعتی بخواند.^۳

مورد چهارم: به

فتوای بیش تر فقها کسی

که نذر کند در سفر

روزه مستحبی بگیرد،

موظف است به نذر خود

عمل نماید درحالی که

نمازش را بای دو

رکعتی بخواند.^۴

مجلس ششم: آنچه برای روزه

دار اشکال ندارد

این موارد برای

روزه دار اشکال

ندارد:

۱. چشیدن غذا، به

شرط اینکه مطمئن باشد

غذا وارد حلقش نمی

شود.

۲. ریختن دارو و

قطره در چشم و گوش.

۳. عطر زدن، که نه

تنها برای روزه اشکال

ندارد؛ بلکه استحباب

آن در موارد مورد

اشاره شارع پابرجاست.

تنها بوییدن گلها و

۱. نجات العباد، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی!)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ص ۲۲۸.

۲. همان، ص ۹۵۳.

۳. همان.

۴. همان.

گیاهان معطر برای روزه دار مکروه است؛ یعنی ثواب روزه اش را کم می کند.

۴. سفر؛ البته مسافرت کردن برای فرار از روزه، کراهت دارد (خوب نیست).

۵. حمام رفتن و دوش گرفتن؛ به شرط اطمینان به اینکه آب وارد حلق نمی شود.

۶. مسواک زدن؛ به شرط اطمینان به اینکه آب وارد حلق نمی شود.

۷. ارتکاب یکی از مبطلات، بدون عمد (سهواً)

۸. کسی که در حین روزه، در عالم خواب محتمل شود. در این صورت، حتی لازم نیست فوراً غسل کند. فقها می فرمایند: اگر شب جنب شود، باید غسل کند و با جناب ت وارد صبح نشود.

مجلس هفتم : شغل های سخت و روزه

کسانی که در مکان های حرارتی یا زیر آفتاب مشغول کار هستند و روزه گرفتن برای آنها غیر ممکن یا همراه با مشقت بسیار می باشد، در این صورتها لازم است روزه بگیرند:

الف) می توانند شب مشغول کار شوند؛ در

این صورت باید شب را کار کنند و روز به استراحت و روزه بپردازند؛

ب) ذخیره و پس اندازی دارند که بتوانند از آن استفاده کنند؛ در این صورت لازم است روزه بگیرند و برای امرار معاش خود از آن پس انداز استفاده کنند؛

ج) می توانند در ماه رمضان تغییر شغل دهند؛ در این صورت نیز لازم است شغل خود را در ماه مبارک رمضان تغییر دهند تا بتوانند روزه بگیرند.

و اما اگر هیچ یک از موارد فوق ممکن نیست، می توانند روزه خود را خورده، به کار ادامه دهند و پس از ماه مبارک رمضان قضای آن را بگیرند. البته در مورد اینکه لازم است به قدر ضرورت اکتفا کنند یا نه؟ باید به رساله مراجع تقلید خود مراجعه کنند.

مجلس هشتم : مواردی که مسافر لازم است روزه بگیرد

روزه در سفر حرام است؛ ولی در مواردی مسافر باید روزه بگیرد:

۱. مسافری که تصمیم دارد ده روز یا بیش تر در مکانی بماند؛

۲. مسافری که تصمیم ندارد هشت فرسخ برود ، البته چنانچه چهار فرسخ می رود و چهار فرسخ بر می گردد، در حکم هشت فرسخ خواهد بود؛

۳. سفر معصیت؛

۴. مسافری که سی روز در یک مکان مردد است و نمی داند تا کی می خواهد در آنجا بماند. این شخص تا سی روز نمازهای خود را شکسته می خواند و روزه نمی گیرد؛ اما از روز سی و یکم به بعد، هم نمازهای خود را کامل می خواند و هم روزه می گیرد، ولو بداند که در روز سی و دوم از آن مکان می رود؛

۵. مسافری که بعد از ظهر از وطن حرکت می کند، روزه آن روزش صحیح است؛

۶. اگر کسی نذر کند در سفر روزه بگیرد . این شخص موظف است به نذر خود عمل نموده و روزه را در سفر به جا آورد، البته نذر مزبور مختص به روزه مستحبی است و شامل روزه واجب نمی گردد؛ یعنی نمی تواند نذر کند که مثلاً فردا روز پنجم ماه مبارک است و قصد مسافرت دارد،

روزه بگیرد؛
۷. مسافری که تصمیم گرفت ه است ده روز در مکانی بماند ؛ ولی پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی از تصمیم خود منصرف شود. این شخص تا وقتی در آن مکان است، باید نمازها را کامل بخواند و روزه ها را بگیرد؛
۸. کثیر السفر.

مجلس نهم : کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
روزه گرفتن بر نه نفر واجب نیست:

۱. مریضی که روز ه برای او ضرر دارد؛ در این صورت نه تنها روزه بر او واجب نیست؛ بلکه اگر روزه بگیرد ، روزه اش باطل است؛
۲. کسی که دائم

السفر نیست و همچنین نمی خواهد ده روز در یک مکان بماند؛ در این صورت نه تنها روزه واجب نیست؛ بلکه نباید روزه بگیرد؛

۳. اشخاص پیر که روزه برای آنها مشقت دارد؛ ولی اگر مشقت ندارد، لا زم است روزه بگیرند؛

۴. زن حامله ای که روزه برای خودش یا حملش ضرر دارد؛ در این صورت روزه اش را بخورد و بعد قضای آن را به جا آورد و برای

ہر روزی کہ می خورد،
یک مد (۷۵۰ گرم) طعام
به فقیر بدهد؛

۵. زنی کہ بچه شیر
می دهد و با روزه
گرفتن شیرش کم می شود؛
می تواند روزه خود را
بخورد و بعد قضای آن
را به جا آورد و برای
هر روزی کہ می خورد،
۷۵۰ گرم طعام به فقیر
بدهد؛^۱

۶. کودکان (اعم از
دختر و پسر) کہ هنوز
به حد بلوغ نرسیده
اند؛

۷. دیوانه؛
۸. خانمی کہ در
ایام عادت ماهانه است؛
نباید روزه بگیرد و پس
از ماه رمضان قضای آن
را به جا می آورد؛
۹. خانمی کہ در

ایام نفاس (ایام خاصی
پس از زایمان) است،
این مورد نیز مانند
مورد قبل می باشد.^۲
**مجلس دهم: فرقهای نماز و
روزه**

بین نماز و روزه

چند تفاوت وجود دارد:
۱. کسی کہ مریض یا
در سفر است، نباید
روزه بگیرد؛ ولی با
سفر و مرض نماز از
انسان ساقط نمی شود؛
۲. کسی کہ نماز قضا

بر عهده اوست، می
تواند نماز مستحبی
بخواند؛ ولی کسی کہ
روزه قضا بر عهده اش
است، نباید روز
مستحبی بگیرد؛^۳

۳. بانوان در حال
حیض و نفاس روزه و
نماز ندارند؛ ولی بعد
از پاک شدن، قضای روزه
ها را باید بگیرند؛
اما قضای نمازها لازم
نیست؛^۴

۴. گرچه ترک نماز و
روزه بدون عذر گناه
زیادی دارد؛ ولی ترک
نماز کفاره ندارد؛ اما
ترک روزه کفاره دارد؛

۵. خوابیدن، حتی
برای یک لحظه نماز را
باطل می کند؛ ولی روزه
را باطل نمی کند، حتی
اگر شب قبل تصمیم
داشته باشد فردا را

روزه بگیرد و روز بعد
تمام روز را خواب
باشد، روزه اش صحیح
است.^۵

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۸۵.
۳. همان، ص ۲۶۷.
۴. نجات العباد، ص ۱۵۲.

۱. ترجمه و شرح تبصرة المتعلمين في احكام الدين، علامه حلی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. این مباحث را فقها تحت عنوان: کسانی که روزه بر آنها واجب نیست و نیز در ضمن سایر مباحث مطرح فرموده اند. (مجمع الرسائل المحشی لصاحب الجواهر، شیخ محمدحسن نجفی، مؤسسه صاحب الزمان (عج)، مشهد، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۴).

مجلس یازدهم : فرو بردن تمام سر در آب

در مورد فرو بردن سر در آب، به نکات زیر توجه شود:

۱. زیر دوش حمام رفتن غیر از فرو بردن سر در آب است. فقها می فرمایند: اگر در جایی مانند حوض و امثال آن، آب جمع شده باشد، چنانچه سر را یک مرتبه در آن فرو برد، روزه اش باطل می شود؛

۲. نظر بیش تر فقها در مورد فرو بردن سر در آب این است که روزه را باطل می کند؛ ولی دیدگاه برخی فقها این است که فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی کند. بر این اساس، لازم است به رساله مرجع خود مراجعه شود؛

۳. اگر کسی در آب بیفتد یا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، روزه اش باطل نیست؛ ولی به مجرد اینکه قدرت پیدا کرد یا یادش آمد، باید سر را از آب بیرون آورد؛

۴. کسی که در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، هم غسلش باطل است و هم روزه اش. گاهی نیز سه عمل را هم زمان باطل می

کند، مثل اینکه در حال اعتکاف غسل ارتماسی انجام دهد؛ هم غسلش باطل است، هم روزه اش و هم اعتکافش؛ زیرا شرط صحت اعتکاف، روزه است.

مجلس دوازدهم : دروغ بستن به خدا، پیامبر (ص) و ائمه

در مورد دروغ بستن به خدا و پیامبر (ص) نکاتی وجود دارد:

۱. دروغ گفتن گناه است؛ ولی روزه را باطل نمی کند. تنها دروغ بستن به خدا، پیامبر (ص)، ائمه (ع) و حضرت زهرا (س) است که علاوه بر معصیت، روزه را نیز باطل می کند؛

۲. در این دروغ بستن، فرقی بین دروغ گفتاری، با نوشتاری، اشاره، نثر و شعر نیست؛ بلکه به هر صورت که باشد، روزه را باطل می کند؛

۳. کسی که فکر می کرد حدیثی راست است، بعد معلوم شود دروغ بوده، یا اینکه دروغی را که دیگری ساخته، از قول او نقل کند

(بگوید: فلانی چنین گفته) روزه اش باطل نیست؛

۴. اشتباه تلاوت کردن قرآن از روی سهو،

دروغ بستن به خدا محسوب نمی شود؛
 ۵. در اینکه آیا دروغ بستن کفارہ دارد یا نه؟ بین فقہا سه نظریہ وجود دارد:
 الف) کفارہ ندارد و فقط گناہ کردہ ؛ ولی روزة آن روز را باید قضا کند؛
 ب) کفارہ تخییر دارد؛ یعنی علاوہ بر قضا، باید یا شصت روز روزہ بگیرد، یا شصت فقیر را اطعام کند و یا یک بندہ در راہ خدا آزاد نماید؛
 ج) کفارہ جمع دارد؛ یعنی ہم باید شصت روز روزہ بگیرد و ہم شصت فقیر را اطعام نماید و ہم یک بندہ در راہ خدا آزاد کند.
 پس در این مورد باید بہ رسالہ مراجع تقلید مراجعہ شود.
مجلس سیزدہم: روزة قضا
 روزة قضا دارای احکامی است:
 ۱. روزة قضا، واجب موسع است؛ یعنی لازم نیست فوری بہ جا آورده شود، البتہ بہ تأخیر انداختن زیاد، بہ گونه ای کہ سهل انگاری در انجام واجب محسوب شود، جایز نیست؛
 ۲. کسی کہ در تعداد

روزہ های قضا بین کم تر و بیش تر شک دارد، می تواند بہ کم تر اکتفا کند. مثلاً اگر شک دارد پنج روز روزة قضا بر عہدہ اوست یا شش روز، پنج روز کفایت می کند؛
 ۳. روزة قضای پدری کہ فوت کردہ، بر پسر بزرگ تر واجب است. در این زمینہ نظرات تفصیلی بسیار است و لازم است بہ رسالہ مراجع تقلید مراجعہ شود؛
 ۴. کسی کہ روزة قضا بر عہدہ اوست، نباید روزة مستحبی بگیرد؛
 ۵. در ماہ رمضان روزة قضا یا غیر قضا را نمی شود گرفت؛ زیرا در این ماہ فقط باید روزة ماہ رمضان گرفته شود؛
 ۶. کسی کہ از سال پیش، روزة قضا بر عہدہ اوست، چنانچہ تا قبل از ماہ رمضان سال بعد روزہ های قضا را نگیرد، لازم است برای ہر روز ۷۵۰ گرم طعام بہ فقیر بدهد و بہ این، «کفارہ تأخیر» گفته می شود.
مجلس چہاردهم: اعضای شستنی و مسح کردنی وضو
 وضو شامل دو بخش است: شستنیها (صورت و

دستها) و مسح کردن آنها (سر و پاها). بین اعضای شستن و مسح کردن وضو، سه تفاوت وجود دارد:

۱. در شستنیهای

وضو، لازم نیست اعضای آن قبل از وضو خشک باشد؛ ولی اعضای مسح، باید قبل از مسح کردن خشک باشد، به طوری که رطوبت از اعضای مسح به دست منتقل نشود؛^۱

۲. در اعضای شستنی،

لازم است تمام آنها شسته شود (مثلاً تمام پهنای صورت شسته شود)؛ اما در اعضای مسح، لازم نیست همه آنها مسح گردد. مثلاً در مسح سر لازم نیست همه آن را مسح نماییم؛ بلکه مقداری

از جلوی سر که مسح شود، کفایت می کند؛^۲

۳. در اعضای شستنی،

نباید مانع وجود داشته باشد. مثلاً نباید در گوشه های چشم، جرم باشد و همچنین در دستها نباید مانع وجود داشته باشد؛ اما اگر در اعضای مسح مقدار کمی مانع باشد، اشکال

ندارد. مثلاً اگر مقدار کمی روی پا مانع باشد، به طوری که بتوان بقیه پا را از سرانگشت تا مفصل (یا برآمدگی روی پا) مسح کرد، کافی است.^۳

مجلس پانزدهم: شک در وضو

شک در اینکه انسان وضو دارد یا نه؟ دو قسم است:

الف) قبلاً وضو داشته و نمی داند وضویش باطل شده است یا نه؟ این شخص با همین حالت می تواند نماز بخواند، چه شک قبل از ورود در نماز پیش آید یا در بین یا بعد از نماز.^۴

ب) قبلاً وضو نداشته و نمی داند وضو گرفته است یا نه؟ این حالت سه قسم است:

۱. قبل از اینکه وارد نماز شود، شک کند وضو گرفته است یا نه؟ برای نماز وضو بگیرد.^۵

۲. در حال نماز شک کند که وضو گرفته بود یا نه؟ بنا بگذارد که وضو ندارد؛ یعنی لازم است وضو بگیرد و نماز را از اول شروع کند.^۶

۳. بعد از نماز شک کند وضو گرفته بود یا

۱. قواعد الاحکام، علامه حلی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۸.
۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۵۶.
۳. نجات العباد، ص ۲۳.
۴. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۷۹.
۵. همان.
۶. همان، ص ۱۸۰.

نہ؟ نمازی کہ خواندہ ، درست است؛ ولی برای نماز بعد باید وضو بگیرد . مثلاً بعد از نماز ظهر شک کرد نمازش را با وضوخواندہ یا نہ ، نماز ظہری کہ خواندہ صحیح است ؛ ولی برای نماز عصرش باید وضو بگیرد.^۱

مجلس شانزدهم : تماس بدن با کلمات مقدس

در مورد رساندن عضوی از بدن، بدون وضو به کلمات مقدس (نام خدا، آیات قرآن و نام معصومین))، به این نکات توجه کنیم:

۱. رساندن جایی از بدن به آیات قرآن و اسم خداوند و بنا بر احتیاط، نام معصومین (که بر روی مُهر، انگشتر یا هر جای دیگر نقش شده، بدون وضو جایز نیست. همچنین، در مورد پلاکھایی کہ به گردن آویخته می شود و روی آن کلمات مقدس نوشته شده، لازم است انسان همیشه با وضو باشد یا بر روی نوشته مانعی قرار دهد؛^۲

۲. کسی کہ به وسیلہ صفحه کلید کامپیوتر آیات قرآن را تایپ می

کند، لازم نیست با وضو باشد؛ زیرا دکمه های صفحه کلید، نقش قلم را دارند، نہ اینکه خود حروف باشند؛

۳. رساندن اعضای

بدن بدون وضو، به کلمات مقدسی کہ روی صفحه کامپیوتر و موبایل نقش می بندد نیز اشکال ندارد؛ زیرا عضو به خود خط برخورد نمی کند.

۴. اگر بچه یا

دیوانه، عضوی از بدن خود را به خط قرآن یا دیگر کلمات مقدس بزند، لازم نیست او را منع کنند؛ زیرا تکلیف ی ندارد.^۳

۵. اگر شک شود در

صفحة کتاب کلمات مقدس وجود دارد یا نہ ، رساندن اعضای بدن بدون وضو به خطوط اشکال ندارد؛ ولی اگر یقین داریم آیات قرآن است و نمی دانیم کجای صفحه است، نباید عضوی از اعضای بدن به آن صفحه رسانده شود.^۴

مجلس هفدهم: اضطرار

در تکلیف اضطراری

لازم است به قدر ضرورت اکتفا کرد . به عنوان نمونه:

۱. کسی کہ می تواند

۳. همان.

۴. به علت وجود علم اجمالی

۱. همان.
۲. همان، ص ۱۸۷.

قسمت ی از نماز را ایستاده بخواند ، باید به مق داری که می تواند ، نماز را ایستاده بخواند؛

۲. در موارد ضرورت که نوشیدنی یا خوردنی حرام جایز می شود (مثل اینکه شخص در حال تلف شدن است) لازم است به قدر ضرورت اکتفا شود؛

۳. کسی که مُ حرم شده است؛ اگر فقط طواف را نمی تواند انجام دهد، لازم است فقط برای طواف نایب بگیرد و سعی صفا و مروه و بقیة کارها را خودش انجام دهد؛

۴. معتکف باید در مسجد بماند و فقط به مقدار ضرورت می تواند از مسجد خارج شود؛

۵. کسی که تیمم کرده است، تا وقتی که عذرش باقی است (مثلاً دسترسی به آب ندارد یا آب برایش ضرر دارد) می تواند با تیمم نماز بخواند؛ اما به مجرد اینکه ضرورت تمام شد، با وضو نماز بخواند؛

۶. چنانچه طبیب یا غیر طبیب، برای نجات جان مسلمان، اضطرار به لمس بدن نامحرم دارد، فقط به مقدار اضطرار می تواند لمس نماید، نه بیش تر از

آن . نتیجه : هرگاه انسان ناچار به انجام تکلیف اضطراری شد، به قدر ضرورت اکتفا کند.^۱

مجلس هجدهم: برخورد نجس و پاک

در مواردی برخورد دو چیز نجس و پاک با یکدیگر ، سبب نجس شدن چیز پاک نمی شود:

۱. وقتی هر دو خشک باشند؛^۲

۲. اگر - مثلاً - می دانیم فرشی نجس شده؛ ولی معلوم نیست کدام قسمت آن نجس شده است؛ چنانچه پای خیس روی یک قس مت آن گذاشته شود، سبب نمی شود که پا نجس شود . البته در موقع شستشو باید تمام فرش را آب کشید؛^۳

۳. اگر شک شود چیز نجس و پاک به هم برخورد کرده اند یا نه و همچنین، اگر شک شود یکی از آن دو رطوبت سرایت کننده داشته یا نه ، چیز پاک نجس نمی شود.^۴

۱. مدرک تمام آنچه در بالا آوردیم این است که فقها می فرمایند: «الضرورات تنقذ بقدرها».

۲. از مشهورات بین فقهاست: «کل یابس زکی». به عنوان نمونه ر.ک: تسهیل المسالك الی المدارک، ملاحیب الله کاشانی، چاپخانه علمیه، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۳.

۳. به علت وجود علم اجمالی

۴. به خاطر قاعده «کل شیئی لک ظاهر حتی تعلم انه قدر.» ر.ک:

۴. بخاری که از چیز نجس یا متنجس بلند می شود، به فتوای بسیاری از مراجع پاک است . البته این نکته مورد اتفاق همه فقها نیست و باید به رساله مراجع تقلید مراجعه شود.

مجلس نوزدهم: مستثنیات از قاعده طهارت

گرچه وقتی معلوم نیست چیزی پاک است یا نجس، بنا بر پاک بودن آن گذارده می شود؛ ولی در چند مورد بنا بر نجس بودن گذاشته می شود:

۱. چیزی که قبلاً نجس بوده و معلوم نیست آب کشیده شده یا نه، مگر اینکه مطمئن شویم قبلاً آن را آب کشیده ایم؛^۱
۲. می دانیم یکی از دو چیز نجس شده؛ اما مشخص نیست کدام است؛ در این صورت، نمی توان بنا بر پاک بودن هیچ یک گذارد؛ بلکه باید هر دو را آب کشید؛^۲
۳. کسی که شیئی در اختیارش بوده، بگوید نجس است و برای انسان به گفته او اطمینان حاصل شود؛^۳
۴. دو شخص عادل

مدرک قبلی.
 ۱. به علت قاعده استحباب
 ۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۹.
 ۳. همان، ص ۸۵.

شهادت بر نجس بودن چیزی دهند.^۴

مجلس بیستم: احکام فرادا و جماعت در نماز

نمازها به سه قسم تقسیم می شود:

۱. نمازی که واج ب است به جماعت خوانده شود و فرادا خواندن آن باطل است، و آن نماز جمعه است؛^۵

۲. نمازی که هم می شود فرادا خواند و هم به جماعت، و آن نمازهای یومیه است . البته سفارش بسیار شده که نمازهای یومیه به جماعت خوانده شود . برخی از فقها می فرمایند: شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست؛^۶

۳. نمازی که واجب است فرادا خوانده شود و به جماعت باطل است، و آن نماز مستحبی است، مگر چهار نماز که عبارتند از:
 الف) وقتی که جماعت بر پا می شود، مستحب

۴. زیرا بینه حجت است.
 ۵. ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، محقق حلی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۴۸.
 ۶. همان - لازم به ذکر است صحت و جواز خواندن نماز طواف به طور جماعت محل اشکال است - نماز میت را نیز می شود به جماعت خواند؛ ولی هر کسی برای صحت نمازش لازم است دعاهای نماز را خودش بخواند.

است کسی که نمازش را فرادا خوانده، دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد كه ه نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است؛^۱

(ب) نماز عید فطر؛
(ج) نماز عید قربان؛
(د) نماز استسقاء (باران).

مجلس بیست و یکم : تکبیرة الاحرام

تکبیرة الاحرام

دارای احکامی است:

۱. همان گونه که حاجیها با گفتن «لبیک» محرم می شوند، نمازگزار نیز با گفتن تکبیرة الاحرام وارد نماز می شود. اهمیت تکبیرة الاحرام به قدری است که هیچ نمازی بدون آن آغاز نمی شود؛

۲. کسی که وارد قرائت (حمد و سوره) شود و شک کند تکبیرة الاحرام را گفته یا نه، بنا بگذارد که گفته است و نباید به شک خود اعتنا کند و همچنین است اگر شک کند درست گفته است یا نه؛^۲

۳. نه تنها تکبیرة الاحرام واجب است؛ بلکه

رکن می باشد؛ یعنی چه عمداً ترک یا تکرار شود، و چه سهواً، نماز باطل است. بر خلاف سایر تکبیرهای نماز که نه تنها رکن نیستند؛ بلکه مستحب اند؛ یعنی ترک آنها سهواً یا عمداً برای نماز اشکالی ندارد. مثل تکبیر قبل و بعد از رکوع و سجده؛^۳

۴. مستحب است

نمازگزار هنگام گفتن تکبیرة الاحرام و بقية تکبیرهای نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا بیاورد؛^۴

۵. هنگام گفتن

تکبیرة الاحرام باید بدن آرام باشد، مگر در نماز مستحبی، برای کسی که می خواهد در حال حرکت نماز

بخواند؛ زیرا نماز مس تحبی را در حال حرکت می شود خواند و آرامش بدن یا رو به قبله بودن در آن لازم نیست؛^۵

۶. برای سجده سهو، تکبیرة الاحرام واجب نیست؛ ولی احتیاط در گفتن آن است؛

۳. تحریر الوسيله، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۱۶۱.

۴. همان.

۵. همان.

۶. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۶۸.

۲. العروة الوثقی المحشی، ج ۳، ص ۲۳۴.

۷. انسان آزاد است کہ تکبیر ة الاحرام را آہستہ یا بلند بگوید؛
۸. قبل از امام جماعت نباید تکبیر ة الاحرام گفتم شود.^۱
مجلس بیست و دوم : مواردی کہ پس از خواندن سورۃ حمد نباید سورۃ دیگری خواندہ شود

در مواردی بعد از پایان حمد بہ رکوع می رویم و نباید سورہ خواندہ شود:
۱. نماز احتیاط : مثلاً کسی کہ در حال نماز شک می کند در رکعت سوم است یا چہارم، بنا را بر رکعت چہارم می گذارد و پس از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستادہ می خواند . در این نماز نباید سورہ خواندہ شود؛ بلکہ لازم است پس از حمد بہ رکوع برود؛^۲
۲. نماز جماعت : مثلاً اگر امام جماعت در رکعت سوم و مأموم در رکعت دوم باشد، لازم است مأموم حمد و سورہ بخواند؛ ولی اگر بہ رکوع امام نمی رسد، حمد را بدون سورہ بخواند و خود را بہ

رکوع امام برساند؛^۳
۳. ضیق وقت : اگر نماز در حال قضا شدن باشد، لازم است سریع خواندہ شود و نہ تنها مستحبات نماز را بہ جا نیاورد؛ بلکہ سورہ را نیز ترک کند و بعد از حمد بہ رکوع رود؛^۴
۴. رکعت سوم و

چہارم : نم از گزار در رکعت سوم و چہارم مخیر است کہ حمد بخواند یا تسبیحات اربعہ بگوید؛ ولی اگر حمد خواند ، باید بہ آن قناعت کند و سورہ نخواند.^۵

مجلس بیست و سوم : جہر و اخفات

حمد و سورۃ بعضی از نمازها بلند خواندہ می شود (صبح و مغرب و عشا) کہ بہ آنها نمازهای «جہری» می گویند . و بعضی باید آہستہ خواندہ شود (ظہر و عصر) کہ بہ آنها نمازهای «اخفاتی» می گویند.^۶

در مورد جہر و اخفات نمازها بہ نکات

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۸۵.
۴. المعترف فی شرح المختصر، محقق حلی، مؤسسہ سید الشهداء، قم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۱.
۵. کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، فاضل ابی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۹.
۶. مجمع الرسائل، نجفی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱. همان، ص ۷۹۵.
۲. غنائم الایام فیما يتعلق بالحلال و الحرام، ج ۳، ص ۳۰۰.

زیر توجه کنیم:

۱. فقط حمد و سوره نمازها را باید آهسته یا بلند خواند و در بقیه نماز (غیر از تسبیحات اربعه) انسان بین بلند و آهسته خواندن مخیر است. مثل ذکر رکوع و سجده و تشهد و امثال اینها.^۱

۲. در نمازهای جهری باید «بسم الله الرحمن الرحيم» آن را نیز بلند خواند؛ اما در نمازهای اخفاتی، مستحب است «بسم الله الرحمن الرحيم» آن بلند گفته شود؛^۲

۳. فقط نمازهای یومیه جهر و اخفات دارند، پس در سایر نمازه ای واجب و مستحبی، مثل نماز آیات و طواف، اختیار با نمازگزار است که آهسته بخواند یا بلند.^۳

۴. در رکعت سوم و چهارم، چه بخواد حمد بخواند یا تسبیحات اربعه، لازم است آهسته بخواند و اگر حمد را اختیار کرد، حتی «بسم

الله الرحمن الرحيم» آن را نیز باید آهسته بخواند؛^۴

۵. مستحب است حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه بلند خوانده شود؛ ولی احتیاط آن است که آهسته بخوانند؛^۵

۶. قضای نمازهای جهری، جهری است و قضای نمازهای اخفاتی، اخفاتی.^۶ مثلاً اگر قضای نماز صبح را می خواند، باید حمد و سوره آن را بلند بخواند، ولو به هنگام ظهر بخواند.

مجلس بیست و چهارم: تفاوت رکوع نسبت به افراد مختلف رکوع نسبت به کیفیت نماز، مختلف می شود. مثلاً:

۱. کسی که نمازش را ایستاده می خواند، رکوع باید به قدری خم شود که دستهایش به زانو برسد؛^۷

۲. کسی که نمازش را نشسته می خواند، برای رکوع باید به قدری خم شود که صورت مقابل زانوها قرار گیرد؛^۸

۳. کسی که در حال

۱. زیرا فقها فقط در مورد حمد و سوره جهر و اخفات را مطرح کرده اند.

۲. الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی، محدث قمی، منشورات صبح پیروزی، قم، ۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۱۷.

۳. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۲۵۴.

۴. مجمع الرسائل، ج ۱، ص ۲۶۲.

۵. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۶۵.

۶. زیرا فقها فرموده اند: «حکم القضاء حکم الاداء».

۷. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۶۱.

۸. همان، ص ۵۶۲.

راہ رفتن نماز می خواند، برای رکوع بای دست سر را مقداری پایین آورد و با اشاره سر رکوع را انجام دهد. همچنین است عجزی که فقط توانایی تکان دادن سر را دارد؛

۴. کسی که در بستر افتاده و حتی قدرت ندارد سر را تکان دهد، برای رکوع بای دست به نیت رکوع چشمها را بر هم بگذارد و ذکر رکوع را بگوید.^۲

مجلس بیست و پنجم : سلام نماز

سلام نماز دارای احکام زیر است:

۱. سلام جزء نماز و واجب است؛^۳
۲. پس از سلام نماز، مستحب نیست صورت را به سمت راست و چپ بچرخانیم؛

۳. در بعضی موارد جایز نیست نمازگزار پس از سلام، صورت را از قبله برگرداند، مثل اینکه بر او نماز احتیاط یا سجده سهو واجب شده یا موظف است قضای سجده و تشهد فراموش شده را به جا آورد؛

۴. اگر نمازگزار، سلام نماز را فراموش کند، چنانچه کاری که مبطل نماز است انجام نداده باشد، باید سلام نماز را بگوید، وگرنه احتیاط کند و نماز را دو مرتبه بخواند؛^۴

۵. زودتر از امام جماعت می توان سلام نماز را گفت؛ ولی خوب است در این زمینه احتیاط شود؛

۶. مستحب است بعد از گفتن سلام نماز، سه مرتبه دستها را تا مقابل گوشها بالا

بیاورد و در هر مرتبه یک بار «الله اکبر» بگوید.^۵ بر این اساس، برخی افراد که پس از سلام نماز دستها را به پاها می زنند و یا غیر آنچه را که بیان کردیم انجام می دهند، توجه داشته باشند که این امور سند و مدرک ندارد؛

۷. سلام واجب نماز همان «السلام علیکم ورحمة الله و برکاته» یا «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» است؛^۶

۸. اگر نمازگزار از

۴. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۹۹.
۵. الغایة القصوی، ج ۲، ص ۱۰.
۶. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۹۹.

۱. زیرا نمازهای مستحبی را می شود در حال حرکت و راه رفتن خواند.
۲. همان، ص ۵۶۶.
۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۸۱.

روی سهو ، جایی که
 نباید نماز را سلام
 داد ، سلام نماز را
 بگوید ؛ ولی رو را از
 قبله برنگرداند ، نمازش
 صحیح است و باید نماز
 را ادامه دهد و پس از
 پایان نماز ، سجده سهو
 به جا آورد.^۱

مجلس بیست و ششم : نماز خارج از وقت

در مواردی خواندن
 نماز در خارج از وقت
 صحیح است:

۱. کسی که یقین کرد
 وقت داخل شده و مشغول
 نماز شد و بین نماز
 متوجه گردید الآن وقت
 داخل شد ، به فتوای بیش
 تر فقها نمازش صحیح
 است ؛^۲ ولی لازم است در
 این زمینه به رساله
 مرجع تقلید خود مراجعه
 شود ؛

۲. کسی که یقین
 داشت وقت داخل شده و
 نماز را خواند ؛ ولی
 بعد از نماز فهمید که
 بین نماز وقت داخل شده
 بوده ، نمازش صحیح
 است ؛^۳

۳. در نماز قضا ،
 نماز خارج از وقت
 خوانده می شود و صحیح
 است ، البته قضا کردن
 عمدی نماز جایز نیست ؛

ولی اگر قضا شد ، باید
 قضای آن را به جا
 آورد ؛

۴. کسی که به قدر
 یک رکعت وقت دارد و
 بقیه نمازش خارج از
 وقت انجام می شود ،
 باید نیت ادا کند ، نه
 قضا ، البته انسان
 نباید نمازش را تا این
 مقدار تأخیر بیندازد.^۴
مجلس بیست و هفتم :
نماز خانمها

نماز خانمها دارای
 احکام زیر است:

۱. خانمی که در حال
 نماز احساس می کند
 موهایش از زیر چادر یا
 مقنعه بی رون آمده ،
 نباید نمازش را بشکند ؛
 بلکه باید در حال نماز
 موهای خود را بپوشاند
 و نماز را ادامه دهد ؛^۵
 ۲. اگر خانمی سر از
 سجده بردارد و متوجه
 شود روی چادرش سجده
 کرده ، نمازش صحیح است
 و باید آن را ادامه
 دهد.^۶

۳. اگر خانمی در
 حال سجده متوجه شود
 روی چادرش سجده کرده ،
 نباید سر را بردارد ؛
 بلکه در حال سجده با
 دست آهسته آهسته چادر

۴. به علت قاعده «من ادرك» که
 مورد اتفاق بین فقهاست
 ۵. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص
 ۴۴۳.
 ۶. همان، ص ۵۹۰.

۱. همان، ص ۶۶۹.
 ۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص
 ۴۱۳.
 ۳. همان.

را کنار می زند تا پیشانی روی مهر قرار گیرد و بعد ذکر سجده را می گوید؛^۱

۴. واجب بودن ستر بدن و مو (پوشاندن بدن و مو) در نماز برای خانمها، نسبت به دیگران است، نه خودشان. بنابراین، اگر خانمی در حال رکوع موهای خود را می بیند؛ ولی از دیگران پوشیده است، نمازش صحیح می باشد.

مجلس بیست و هشتم : فرق نماز زن و مرد

نماز زن و مرد دارای فرقهایی است:

۱. مرد باید حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند؛ ولی بر زن بلند خواندن واجب نیست؛ بلکه مختار است آهسته بخواند یا بلند؛ اما اگر نامحرم صدایش را می شنود، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند؛^۲

۲. مرد در نماز لازم است پوشش متعارف را داشته باشد؛ یعنی حداقل باید عورت را بپوشاند؛ اما زن در نماز باید تمام بدن را بپوشاند و فقط می تواند صورت و دستها را

تا مچ نپوشاند؛^۳

۳. بر مرد همیشه نماز واجب است و هیچ گاه نماز از وی ساقط نمی شود؛ ولی خانمها در ایام عادت ماهانه و ایام خاصی پس از زایمان (نفاس) موظف اند نماز نخوانند و قضا هم ندارد.^۴

مجلس بیست و نهم : اتصال صفوف

در مورد اتصال صفها در نماز جماعت به نکات زیر توجه کنیم:

۱. اگر از یک طرف (راست، چپ، جلو یا پایین پا) اتصال برقرار باشد، کافی است و نماز را می توان به جماعت خواند؛^۵

۲. اگر بین نماز شک شود اتصال برقرار است یا قطع شده، بنا بر بقای اتصال گذاشته می شود و می توان نماز را به جماعت ادامه داد؛^۶

۳. اگر بین افراد به مقدار یک متر یا کم تر فاصله باشد، اشکال ندارد، مگر اینکه اتصال از پایین پا

باشد. مثل اینکه شخص در طبقه دوم ایستاده و امام جماعت و مأمومین در طبقه اول هستند؛ در

۳. همان، ص ۴۴۱.
 ۴. همان، ص ۲۶۰.
 ۵. همان، ص ۸۵۸.
 ۶. به علت استصحاب بقاء جماعت

۱. همان، ص ۵۸۹.
 ۲. همان، ص ۵۴۹.

این صورت، فاصله تا چند متر نیز می تواند باشد؛^۱

۴. تاریک شدن مکان یا پیدایش گرد و غبار یا وجود افرادی که به علت عجز نماز خود را نشسته می خوانند، اتصال جماعت را از بین نمی برد؛^۲

۵. اگر بین نماز اتصال از هر چهار طرف قطع شود، نماز صحیح است؛ ولی به صورت فرادا ادامه داده می شود.^۳

مجلس سی ام: نماز مسافر

نماز مسافر دارای احکامی است:

۱. نمازهای چهار رکعتی در سف ر، کوتاه (دو رکعتی) می شود؛ ولی نماز صبح و مغرب تغییر نمی کنند؛ یعنی نماز صبح همیشه دو رکعت است و نماز مغرب همیشه سه رکعت؛ چه در وطن و چه در سفر؛^۴
۲. مسافری که باید نماز خود را دو رکعتی بخواند، اگر فراموش کند و نمازش را چهار رکعتی بخواند، دو صورت دارد:

الف) زمانی پی به اشتباه خود ببرد که هنوز وقت نماز نگذشته؛ در این صورت لازم است نماز را به صورت دو رکعتی به جا آورد؛
ب) زمانی پی به اشتباه خود ببرد که وقت نماز گذشته؛ در این صورت بنا بر احتیاط، لازم است نماز را به صورت دو رکعتی به جا آورد؛ اما به دلیل اختلاف فتوا به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایید!

۳. کسی که وظیفه اش نماز چهار رکعتی بوده، اگر اشتباه کند و نماز را دو رکعتی سلام دهد، دو صورت دارد:

الف) پس از سلام نماز، کاری که نماز یا وضو را باطل می کند، انجام داده؛ در این صورت نماز باطل است و باید آن را به صورت چهار رکعتی بخواند؛

ب) پس از سلام نماز، کاری که نماز و وضو را باطل می کند، انجام نداده؛ در این صورت نمازش صحیح است و بلند می شود دو رکعت دیگر

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۸۴.
۲. وسیلة النجاة، ص ۲۲۵.
۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۸۴.
۴. همان، ص ۶۸۳.

۵. مانند رو گرداندن از قبله و حرف زدن.

را می خواند و پس از سلام نماز، برای سلام بی جا سجده سهو انجام می دهد.^۱

۴. مسافری که وظیفه اش نماز دو رکعتی است، اگر نمازش دو رکعتی قضا شود، لازم است آن را دو رکعتی قضا نماید؛ اگرچه در وطن بخواند قضا آن را به جا آورد. و چنانچه نمازی که از دست رفته، چهار رکعتی بوده، قضا آن را لازم است به صورت چهار رکعتی انجام دهد؛ اگرچه در سفر بخواند آن را قضا نماید.^۲

مجلس سی و یکم: مواد غذایی داخلی و خارجی

می دانیم برخی از مواد غذایی از مملکتهایی که کفار^۳ در آنها زندگی می کنند، وارد می گردد؛ به این گونه

سرزمینها، «کشورهای کفر» گفته می شود.

یکی از سؤالاتی که به طور طبیعی برای

دست اندرکاران مواد غذایی و نیز عموم

جامعه مطرح می باشد این است که آیا

استفاده از مواد

غذایی که از کشورهای کُفر وارد می شود جایز است یا نه؟

پاسخ این است که

فرقی بین مواد داخلی و خارجی نیست و استفاده از همه آنها شرعاً جایز می باشد، به سه شرط:

اول آن که چیز نجس در آنها وجود نداشته باشد و نیز به نجس برخورد نکرده باشد.

دوم این که آن مواد غذایی از اعضای بدن حیوانات نباشد.

سوم آن که در

استفاده از آن مواد

غذائی، مجتهد جامع

الشرایط «حکم به منع»

ننموده باشد. اعم از

اینکه ممنوعیّت آن به

دلیل جلوگیری از تقویت

دولت کفر باشد و یا هر

مفسده دیگر. (ان شاء

الله در مورد هریک به طور

مفصل، بحث خواهیم

نمود.)

از اینجا می توان

پی به نکته دیگری برد

و آن اینکه استفاده از

خوراکی های محصول خارج

نیز با همان سه شرط،

اشکال ندارد مانند

آدامس، شکلات، سبزیجات،

نان، لبنیات با تمام

مشتقات آن، و... .

مجلس سی و دوم: نشستن در

۱. همان، ص ۷۲۹.

۲. همان، ص ۷۳۳.

۳. مقصود این است که مردم آن سرزمین کافر هستند، اعم از این که دولت آنها هم کافر باشد یا نه.

نماز

نشستن در حال نماز احکامی دارد:

۱. نماز قضای واجب را نباید نشسته خواند و اگر نشسته خواندیم، باطل است. بلکه کسی که عاجز است از ایستادن به طوری که نماز های یومیه خود را ناچار است نشسته بخواند، نماز قضای خود را نیز نشسته می خواند.^۱

۲. سر از سجده اول که بر می داریم، باید بنشینیم بعد به سجده دوم برویم؛ چه در نماز واجب و چه در نماز مستحب؛ چه به حالت ایستاده نماز می خوانیم و چه به حالت نشسته؛ زیرا نشستن بین دو سجده لازم است.^۲

۳. تمام نمازهای واجب را باید ایستاده بخوانیم. اصولاً ما نماز نشسته نداریم، مگر در دو مورد: نماز مستحبی و شخص عاجز.

۴. سر از سجده دوم که بر می داریم، لازم است بنشینیم بعد بلند شویم.^۳

مجلس سی و سوم: ترجمه
ترجمه احکامی دارد:

۱. ترجمه کردن کتاب و مقاله دیگران بدون اجازه از مؤلف، محل اشکال است و نیاز به مراجعه به مراجع تقلید دارد تا حکم آن روشن شود.

۲. اگر ترجمه آیه سجده خوانده شود سجده واجب نمی شود؛ زیرا فقها وجوب سجده را برای تلاوت خود آیه مطرح فرموده اند.

۳. دست بی وضو زدن به ترجمه آیات قرآن اشکال ندارد (مگر نام خدا که به هر زبان باشد حرام است)؛ زیرا ترجمه قرآن، قرآن محسوب نمی شود. فقها فرموده اند: «ترجمة القرآن لیست منه بأيّ لغة کانت فلا بأس بمسّها علی المحدث.»^۴

۴. نماز باید به عربی و آن هم عربی صحیح خوانده شود نه ترجمه آن؛ البته قنوت و همین طور اذکار مستحبی نماز را به فتوای بسیاری از فقها می شود به غیر عربی خواند.^۵

۵. کسی که تلبیه (لبیک در حج و عمره)

۲. زیرا فقها فرموده اند: «حکم القضاء حکم الاداء».
۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۷۳.
۴. همان، ص ۵۸۴.
۵. موسوعة الامام الخوئی، ج ۱، ص ۴۸۹.
۶. موسوعة الامام الخوئی، ج ۱۵، ص ۳۸۵.

۴. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۹۲ - موسوعة الامام الخوئی، ج ۴، ص ۴۸۹.
۵. موسوعة الامام الخوئی، ج ۱۵، ص ۳۸۵.

را نمی تواند به طور صحیح بگوید، احتیاط در این است که هر طور می تواند آن را گفته ؛ ترجمه آن را نیز بگوید.^۱

۶. کسی که اجیر شده برای ختم قرآن ، نمی تواند ترجمه قرآن را بخواند؛ بلکه باید خود آیات قرآن را بخواند.
۷. ثواب بسیاری که برای خواندن قرآن است، مربوط به خواندن خود قرآن است نه ترجمه آن.
مجلس سی و چهارم: فرق نماز زن و مرد

نماز زن و مرد دارای فرقهایی است:
۱. مرد باید حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند، ولی بر زن بلند خواندن واجب نیست.^۲

۲. مرد در نماز باید پوشش متعارف را داشته باشد؛ یعنی حداقل با ید عورت را بپوشاند، اما زن در نماز لازم است تمام بدن را بپوشاند و فقط می تواند صورت و دستها را تا مچ بپوشاند.^۳

۳. بر مرد همیشه

نماز واجب است و هیچ گاه نماز از وی ساقط نمی شود، ولی خانمها در ایام عادت ماهانه و ایام خاصی پس از زایمان موظفند نماز نخوانند.^۴
دو تذکر:

۱. در اینکه آیا مرد در نماز باید جلوتر از زن بایستد، لازم است به رساله فقها مراجعه شود یا اینکه احتیاط رعایت شود و زن جلوتر از مرد نایستد.
۲. در مسأله ایستادن زن و مرد در کنار یکدیگر در نماز نیز لازم است به رساله فقها مراجعه شده یا رعایت پنج متر فاصله بشود.
مجلس سی و پنجم: شرائط قصر نماز

انسان مسافر باید نمازهای چهار رکعتی خود را دو رکعت بخواند . این حکم ، دارای هشت شرط می باشد:
اول آن که سفر او کم تر از هشت فرسخ شرعی نباشد (هر فرسخ شش کیلومتر است).
دوم آن که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد.
سوم آن که در بین

۱. مناسک محشی، ص ۱۲۵.
۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۴۹.
۳. همان، ص ۴۴۱.

۴. همان، ص ۲۶۰.

راه از قصد خود
 برنگردد.
 چهارم آن که نخواهد
 پیش از رسیدن به هشت
 فرسخ ، از وطن خود
 بگذرد یا ده روز یا
 بیش تر در جایی بماند.
 پنجم آن که برای کار
 حرام سفر نکند.
 ششم آنکه از
 صحرائین هایی نباشد
 که در بیابانها گردش
 می کنند و هر جا آب و
 خوراک برای خود و
 حیوانات همراهشان پیدا
 کنند، می مانند و بعد
 از چندی به جای دیگر
 می روند.
 هفتم آن که شغل او
 مسافرت نباشد.
 هشتم آن که به حد
 ترخص برسد ؛ یعنی از
 وطنش یا جایی که قصد
 کرده ده روز در آنجا
 بماند به قدری دور شود
 که دیوار شهر را نبیند
 و صدای اذان آن را
 نشنود^۱.

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

*** بررسی فقهی مراجعه به پزشک جنس مخالف

حسین وجدانی

مقدمه

یکی از خصوصیات جسم ما عارض شدن درد و الم بر آن می باشد . انسانها از بدو خلقت همواره با بیماریهای گوناگون مواجه بوده اند و پیچیدگی بدن انسان و تعدد بیماریها، کار تشخیص بیماریها و درمان آنها را سخت می کند . به همین دلیل، عده ای روشهای درمان را آموخته و به مداوای مردم می پردازند و افراد موظف اند برای بهبود بیماریهای خود به این اشخاص مراجعه کنند.

امام صادق (ع) مراجعه به طبیب را در کنار مراجعه به فقیه ، از نیازمندیهای واجب

زندگی برمی شمرد و می فرماید: «لَا يَسْتَعْرِى أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنِ ثَلَاثِهِ يَفْزَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمَ وَادَّلَكَ كَارُوا هَمَجًا: فَفَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعٍ، وَآمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ، وَطَبِيبٍ بَصِيرٍ ثِقَّةٍ»^۱ مردم هر شهری از سه چیز در امور دنی و آخرت خود بی نیاز نیستند و باید به آنها رجوع کنند و چنانچه آن سه را نداشته باشند ، گرفتار جهل [و نابسامانی] می شوند : دین شناس دانای پرهیزکار، حاکم نیکوکاری که مردم از او اطاعت کنند و پزشک بصیر مورد اعتماد.»
با ظهور اسلام، اهمیت پزشکی دو چندان

۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، نشر اسوه، قم، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷۸.

گردید و برای این حرفه احکام و حدودی معین شد، از جمله احکام معالجه بیمار توسط جنس مخالف. در دنیای امروز با توجه به گستره زندگی اجتماعی و تنوع طبیبان و مراجعه کنندگان، این سؤال مطرح می شود که آیا در مسئله رجوع به طبیب، همجنس بودن با طبیب شرط است یا خیر؟ در اینجا با توجه به فتاوی علمای، علاوه بر تحلیل و بررسی فقهی جواز یا عدم جواز مراجعه به پزشک جنس مخالف، به موضوعاتی همچون بیان ضرورت مراجعه به پزشک غیر همجنس، حدود لمس و نظر نامحرم، تکلیف در زمان عدم دسترسی به پزشک همجنس و نیز شمول مسئله درمان بر جراحی زیبایی و لیزرینگ و... اشاره می شود.

لمس و نظر نامحرم برای پزشک

علت حرمت مراجعه به پزشک جنس مخالف، ممنوعیت نگاه و لمس نامحرم می باشد؛ و الا اگر لمس و نظر حرامی

اتفاق نیفتد، نفس مراجعه به پزشک غیر همجنس خالی از اشکال خواهد بود. بنابراین، در اینجا حدود و مستثنیات ارتباط با نامحرم ذکر می شود.

۱. حدود ارتباط با نامحرم

ارتباط با نامحرم در مسئله پزشکی و درمان به سه صورت متصور است:

الف) ارتباط کلامی:

امروزه حضور زنان در اجتماع اجتناب ناپذیر است و معمولاً حضور در جامعه، ملازم با گفتار و ارتباط با نامحرم می باشد. با مراجعه به کتاب و سنت و مشاهده نقل قولهای قرآنی از گفتگوهای (انبیاء) با زنان و یا گفتگوهای برخی زنان پاکدامن با مردان نامحرم، به این نتیجه می رسیم که اصل ارتباط گفتاری زن و مرد اشکالی ندارد؛ چون نقل این گفتگوها در قرآن، بدون مذمت و رد، دلیل بر عدم ممنوعیت آن است.

امام خمینی (شنیدن صدای نامحرم را جایز دانسته، می فرماید: «برای زن جایز است که صوتش را به مردان

بیگانہ بشنواند، در صورتی کہ ترس فتنہ نباشد؛ اگرچہ احوط در غیر مقام ضرورت، ترک آن است، خصوصاً اگر زن جوان باشد.»^۱

ب) نگاه بہ نامحرم

برخلاف گفتار با نامحرم کہ جایز و در صورت مفسدہ حرام شمرده شدہ است، نظر بہ نامحرم * ابتدایی حرام می باشد؛ چراکہ اگر نگاه را رها کنیم تا بہ ہرچہ نفس فرمان دہد، نگاه کند، زیانہای متعددی متوجہ انسان خواہد شد و تفاوت «نگاہ» و «گناہ» در جابہ جایی یک حرف است.

رسول اکرم (ص) می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظَرِ؛ فَإِنَّهُ يَبْدُرُ الْهَوَى وَيُوَلِّدُ الْعَفْلَةَ»^۲ از نگاه های زیادی پرهیزید؛ زیرا تخم هوس را می پراکند و غفلت می زاید.»

۱. تحریر الوسيلة، سید روح الله موسوی خمینی، مترجم: علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۴۳۹. * منظور از نظر، نگاه بہ غیر از کفین و صورت می باشد کہ طبق نظر مراجع، نگاه بہ کفین و صورت در صورتی کہ بدون مفسدہ باشد، اشکال نخواہد داشت
۲. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسہ طبع و نشر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق، ج ۷۲، ص ۱۹۹، ج ۷۹.

ج) لمس نامحرم
می توان گفت :
ارتباطات نامشروع با نامحرم از گفتار شروع می شود. اگر پا را کمی فراتر بگذاریم، بہ ن گاہ بہ نامحرم می رسیم کہ اشکال آن را بیان کردیم.
بنابراین، تکلیف لمس نامحرم مشخص می گردد؛ چون لمس، مافوق نگاه می باشد و لمس بدن نامحرم مطلقاً حرام است؛ چہ با قصد لذت و چہ بدون آن.
دلیل بر حرمت لمس نامحرم، دلیل اولویت است؛ از روایات حرمت نگاه بہ نامحرم را بہ دلیل تہییج و فساد ثابت کردیم، پر واضح است کہ لمس بدن نامحرم در تہییج و ایجاد فساد و ارتکاب عمل حرام بہ مراتب از نگاه شدیدتر است، پس با دلیل اولویت، حرمت لمس ثابت می شود.

امام خمینی (می فرماید: «هر کسی کہ نگاه کردن بہ او حرام است، مسّ او ہم حرام می باشد، پس مس مرد بیگانہ، زن بیگانہ را و بر عکس، جایز نمی باشد؛ بلکہ اگر ہم بگوییم کہ نگاه کردن بہ صورت و دو کف دست

از زن بیگانه جایز است، مسّ صورت و دو کف دست او را جایز نمی دانیم، پس مصافحه او برای مرد جایز نیست، البته از پشت لباس اشکالی ندارد؛ لیکن احتیاطاً نباید کف دست او را بفشارد.^۱

۲. مستثنیات لمس و نظر

از عدم لمس و نظر نامحرم، مواردی همچون: معالجه، شهادت، اهل ذمه، بچه غیر ممیز و... استثنا شده اند. بحرانی می نویسد: «یستثنی من عدم جواز

النظر من الأجنبی و الأجنبیة

مواضع؛ منها مقام المعالجة... مقام معارضة کلم ا هو أهم فی نظر

الشارع مراعاته من مراعات حرمة

النظر أو اللمس و مقام الشهادة

تحملاً أو أداءً؛^۲ استثناء

شده از عدم جواز نگاه

به مرد و زن نامحرم،

چند مورد؛ یکی از

آنها هنگام معالجه...

و دیگری هنگامی که

معارضه بود بین اهم و

مهم در نظر شارع بدین

گونه که هر کدام از

نگاه و لمس مراعات

حرمتشان مهم تر بود،

به همان عمل می شود و

دیگری [از موارد استثنا] زمان شهادت دادن است. «در این میان، مسئله معالجه توسط نامحرم در فقه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد که در ذیل اشاره می شود.

مراجعه به پزشک غیر همجنس

غالب افراد بر این

باورند که پزشک محرم

است و به راحتی و

بدون اینکه ضرورتی

داشته باشد، به پزشک

غیرهمجنس مراجعه می

کنند و شاید در همان

مکان، پزشک حاذق

همجنس نیز وجود داشته

باشد؛ اما او حتی

بگوید: دکتر مرد با

زن چه تفاوتی دارد؟

شاید این شخص خیلی

مذهبی باشد؛ اما به

خاطر ندانستن م سئله،

مرتکب حرام شود، و چه

بسا اگر زوایای قضیه

کاملاً تبیین گردد،

جلوی ارتکاب چنین

حرامهایی گرفته شود.

۱. شرایط رجوع به پزشک غیر

همجنس:

تقریباً تمام فقهای

متقدم و معاصر در باب

معالجه افراد توسط

نامحرم، شرط اساسی

ضرورت و اضطرار را ذکر

می کنند. اضطرار در

لغ ت، مصدر باب

۱. تحریر الوسیله، ص ۴۳۳.
 ۲. سند العروة الوثقی - کتاب النکاح، محمد بحرانی، مکتبه فک، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۱.

افتعال و از ریشه «ضرر» به معنی ناچار بودن از پذیرش آسیب و گزند است. ضرورت اسم برای مصدر اضطرار و به معنای احتیاج و نیاز می باشد. ضرورت نیاز شدیدی را گویند که برآورده نشدن آن ممکن است خطر جانی یا زیان مالی جبران ناپذیری را پدید آورد و از نظر فقها: حالتی است که با شرایطی برخی از محرمات را مباح، و برخی از ممنوعات را مجاز می سازد (الضرورات تبيح

المحظورات)، به عبارت دیگر، امری ضروری است که زندگی انسان قائم بدان است. مثل اینکه عمل جراحی خانمی مستلزم نظر پزشک نامحرم باشد و...

در این باب روایات زیادی رسیده است که به یک مورد اشاره می کنیم: «عَنْ الْبَاقِرِ (ع) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصِيبُهَا الْعِلْلُ فِي جَسَدِهَا أَيُصَلِّحُ أَنْ يُعَالَجَهَا الرَّجُلُ قَالَ: إِذَا اضْطَرَّتْ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ؛^۱ از امام باقر (ع) سؤال شد در مورد زنی که بیمار شده، آیا سزاوار است که

مرد او را معالجه کند؟ حضرت فرمود: هرگاه زن ناچار از معاینه مرد باشد، مانعی ندارد.» در این روایت «اذا اضطرت» آمده که «اذا» شرطیه است؛ یعنی به شرطی که اضطرار باشد.

فقها نیز اصل اولیه را حرمت می دانند، مگر در زمان اضطرار. امام خمینی (می فرماید: «از حرمت نگاه کردن و لمس در مرد بیگانه و زن بیگانه، مقام معالجه استثنا می شود، در صورتی که با مماثل خود ممکن نباشد. مانند معرفت نبض، در صورتی که با وسیله ای مانند درجه و غیر آن ممکن نباشد و مانند خون گرفتن و حجامت و بستن شکستگی و مانند آن.»^۲

مقام معظم رهبری > نیز می فرماید: «اگر معاینه و درمان منوط به نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست، مگر در صورتی که مراجعه به پزشک زن حاذق و متخصص غیرممکن باشد.»^۳ با توجه به مطالب

۲. تحریر الوسيله، ص ۴۳۵.
 ۳. پایگاه اطلاع رسانی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه علوم پزشکی
 : muq.nahad.ir/page/احکام+مماثل.

فوق، یکی از مواردی که می توان به پزشک غیر همجنس مراجعه کرد، در مواقع ضرورت است که بیمار به خاطر قرار گرفتن در شرایط اضطراری مجبور می شود مورد نگاه و لمس فرد نامحرم قرار گیرد.

سؤال: این اضطرار چه زمانی اتفاق می افتد؟ به عبارتی دیگر، ما چه زمانی می توانیم بگوییم که ضرورت ایجاب می کند به پزشک غیر همجنس مراجعه شود؟ باید دانست که ضرورتها اندازه ای دارند و در تمسک به آنها برای دفع ضرر باید به حداقل اکتفا کرد. می گویند: «الضرورات تدفع بقدر الامکان؛ ضرر را به قدر امکان باید دفع کرد.»

بنابراین، ضرورت حالتی نادر و استثنای است و در تفسیر آن باید سختگیری و دقت کرد، پس اباحه ای که به سبب ضرورت ایجاد می گردد، مطلق نیست؛ بلکه به اندازه لازم و برای رفع دشواری است. به همین جهت، جمهور فقها خوردن گوشت میته را برای گرسنه به اندازه ای که رمق بگیرد، جایز

دانسته اند.»^۱ برخی احکام شرعی، به اصطلاح اهل منطق، تَشکیکی هستند. مانند موضوع قاعدة مورد بحث ما؛ یعنی اضطرار. از این رو، دیده می شود که فقها در مصادیق قاعدة اختلاف دارند؛ زیرا برخی از فقها در مواردی قاعدة را جاری می دانند که دیگران قبول ندارند، اگرچه مرجع شناخت مفاهیم موضوعات احکام شرعی، عرف است، مگر اینکه خود شارع برای آن تعریف مشخصی ارائه داده باشد، مانند مفهوم سفر. در شناخت مصادیق اضطرار این اختلاف وجود دارد. و گفتگو در حد و مرز و مصادیق این مفهوم ضروری است.

بی شک اضطراری که موضوع قاعدة واقع شده، در تمامی مصادیق آن یکسان نیست و شاید بتوان گفت که از نظر کبروی، ملاک در اضطرار شخصی است، نه نوعی؛ زیرا پیش از این گذشت که ادلة قاعدة بر ادلة دیگر حاکم اند.

۱. مقاله بررسی فقهی اضطرار و ضرورت، امیر وطنی، مجله مقالات و بررسیها، تابستان ۱۳۸۱ش، ص ۷۱.

معنای حکومت این است که در هر موردی و در هر شخصی که اضطرار صادق باشد، حکمش برداشته شده و ممکن است نسبت به شخصی اضطرار صادق باشد و نسبت به شخصی دیگر، نباشد.^۱

حاذق بودن پزشک جنس مخالف نیز از مصادیق اضطرار است؛ یعنی اگر مریض ضرورت دارد که به پزشک حاذق مراجعه کند و آن پزشک غیرهمجنس است، مراجعه جایز است.

۲. مراجعه به روانشناس

مراجعه به روانشناسان که غالباً نیازی به لمس و نظر (به استثنای گردی صورت) نیست، جایز خواهد بود و خانمها می توانند به روانشناس مرد مراجعه کنند، به شرطی اینکه خوف فتنه نباشد. برای روشن شدن این مطلب به اصول درمان در روانشناسی اشاره می کنیم:

یکی از اصول مهم در مشاوره، ایجاد ارتباط بین بیمار و مشاور می باشد و مشاور برای تسخیر روحی مراجعه کننده بایستی علاوه بر

کلام، بدون کلام نیز وی را تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً نگاه محبت آمیز به چشمان مراجعه کننده و یا حرکات خاصی که نشان از درک مشکلات وی می دهد و با مهربانی مورد بررسی قرار می گیرد... با این اوصاف، احتمال مفسده وجود دارد و حرف زدن با این حالت شاید باعث فتنه گردد، بنابراین، علما با فرض فتنه در این مسئله، حکم به حرمت خواهند کرد.

امام خمینی (می نویسد: «برای زن جایز است که صوتش را به مردان بیگانه بشنواند، در صورتی که ترس فتنه نباشد.»^۲ این در حالی است که در ارتباطات صمیمی احتمال فتنه بسیار بالاتر است.

۳. مسائل مستحدثه پزشکی:

در دهه های اخیر، در پی تحولات شگرف پدید آمده در تمام ابعاد زندگی، به ویژه در زمینه پزشکی، مسائل جدیدی به وجود آمده است که در اصطلاح فقها «مسائل مستحدثه» نامیده می شوند. از

۲. اشاره به قول شهید ثانی (می نویسد: «بحرم علی المرأة أن تنظر إلى الأجنبي أو تس مع صوته إلا لضرورة.»

۱. مقاله نقش قاعده اضطرار در تبیین ضوابط پزشکی، محمد زروندی رحمانی، ص ۸.

جمله مسائل مستحدثة در پزشکی عبارت اند از: لیزرینگ، جراحیهای زیبایی، تلقیح مصنوعی، تغییر جنسیت و... در اینجا جا دارد احکام این مسائل نیز روشن گردد. حرمت لمس و نظر نامحرم بدون ضرورت و همچنین معنی ضرورت را اثبات کردیم. در این بحث باید ببینیم آیا این مسائل مستحدثة جزء ضروریات هستند یا خیر؟ غالب جراحی های زیبایی، علاوه بر اینکه ضروری نیستند، موجب آسیب بدنی نیز می شوند. بنابراین، نفس چنین جراحیهایی با اشکال شرعی مواجه است، چه رسد به اینکه این مسائل را جز ضروریات بدانیم! مگر در موارد خاص که پزشک متخصص شاید چنین عملی را لازم و ضروری بداند که در این صورت مثل بقیة مسائل پزشکی اولویت با همجنس است و در نبودش - در صورت اضطرار - می توان به غیر همجنس مراجعه کرد؛ اما وقتی این امور هیچ گونه ضرورتی نداشته باشند، در صورتی که توسط پزشک غیر همجنس جراحی شود،

حرام خواهد بود. در ذیل به فتاوی دو تن از مراجع در مورد این موضوع اشاره می کنیم: آیت الله مکارم شیرازی: «جراحی زیبایی در صوتی که خطر و ضرر مهمی نداشته باشد و توسط همجنس صورت گیرد و مفسدة دیگری بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.»^۱ آیت الله سیستانی: «با پرهیز از لمس و نظر حرام، جایز است.»^۲ اما در مورد مسئله لیزرینگ باید گفت: اگر این عمل در ناحیه زی ر شکم انجام شود و شخص بخواهد موهای زائد عورت را لیزر کند؛ چون این امر مستلزم کشف عورت می باشد، حتی برای پزشک یا آرایشگر همجنس نیز مجاز نخواهد بود. این مسئله بین مشهور فقها اجماعی است و گفته می شود: نگاه کردن به عورت مسلمان، جز افرادی که استثنا شده اند، همج و ن زن و شوهر، حرام است.^۳

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی: makarem.ir
 ۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی: www.sistani.org/persian
 ۳. عروة الوثقی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، دار التفسیر، قم، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۳۰۵ - ۳۰۶.

آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: «این عمل خلاف شرع است؛ زیرا درست است که این عمل توسط همجنس انجام می شود؛ ولی همجنس شرعاً مجاز نیست به عورت همجنس خود نگاه کند. مگر اینکه انجام عملی ضرورت پزشکی داشته باشد.»^۱

با توجه به مطالب فوق، ب عضی از مسائل جدید هیچ گونه ضرورتی ندارند و شارع مقدس اجازه مراجعه به پزشک غیر همجنس و در مواردی حتی همجنس را نمی دهد. بررسی فقهی لمس و نظر در **معالجه**

استثنا شدن معالجه از حرمت لمس و نظر نامحرم در فقه امامیه و حتی عامه، اجماعی است. در ذیل چند مورد از آرای فقهایی که در این موضوع ادعای اجماع دارند، بیان می شود. شهید ثانی (بعد از بیان حرمت لمس و نظر در مورد استثنا بودن

معالجه، می فرماید: «و يجوز عند الضرورة قد عرفت أنّ موضع المنع من نظر كل من الرجل والمرأة إلى الآخر، مشروط بعدم الحاجة إليه، أمّا معها فيجوز

میزبان

إجماعاً^۲؛ لمس و نظر در موقع ضرورت جایز می باشد؛ چراکه حرمت لمس و نظر نامحرم در جایی است که حاجت و نیازی نباشد؛ اما در صورت ضرورت، اشکالی نخواهد داشت و این مسئله اجماعی است.»

صاحب «انوار الفقاهه» می فرماید: «علامه این موضوع را اجماعی می داند و می نویسد: «وقال العلامة في التذكرة: القسم الثاني، أن يكون هناك حاجة إلى النظر، فيجوز إجماعاً ثم ذكر أمثلة مختلفة نظير إرادة النكاح وإرادة البيع المحتاجة إلى معرفة المشتري أو البائع، و مقام الشهادة و المعالجة. ثم قال: و لا يشترط في جواز نظره، خوف فوات العضو، بل المشقة بترك العلاج، خلافاً لبعض الشافعية.»^۳ یعنی در زمان ضرورت لمس و نظر جایز است، اگرچه ضرورت در حد قطع عضو نباشد؛ بلکه اگر ترک معالجه مشقت داشته باشد، ضرورت محسوب می شود، پس لمس و نظر برای معالجه

۲. انوار الفقاهة في شرح تحرير الوسيلة، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۲۴؛ به نقل از مسالك الافهام، شهید ثانی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۹.
۳. همان، به نقل از تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۳.

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی: makarem.ir.

جایز است.

صاحب عروه می نویسد: «از حرمت نظر هر کدام از اجنبی و اجنبیه چند جا استثنا شده است: اول، مقام معالجه، در صورتی که توقف داشته باشد معرفت نبض یا جبر شکستگی یا جرح یا فصد یا حجامت و نحو آن به نظر و مماثل برای معالجه پیدا نشود؛ بلکه در این حال، لمس و لمس نیز جایز است، به مقدار ضرورت.»^۱
ادلة فقها:

از دو دسته روایات می توان به جواز مراجعه به پزشک جنس مخالف در موقع ضرورت رسید:

۱. روایات دال بر حلیت محرمات در مواقع ضرورت که تکیه بر اصل «الضرورات تبیح المحظورات» دارند؛

۲. روایات دال بر جواز لمس و نظر در معالجه که در ذیل بررسی می کنیم:

الف) روایات دال بر حلیت محرمات در مواقع ضرورت

۱. «رَوَى أَبُو بَصْرِيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرِيضِ هَلْ تَمَسُّكَ لَهُ الْمَرْأَةُ شَبِيًّا، فَيَسْجُدُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُضْطَرًّا

لَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُهَا وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ؛^۲ ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم از مریض [که نمی تواند سجده کند] آیا می توان کمک گرفت از زنی تا مهر برای او قرار دهد و سجده کند؟ امام فرمود: نه مگر آنکه مضطر باشد و غیر آن زن کسی نزدش نباشد؛ [چرا که] هیچ یک از حرامهای الهی نیست (حلال نمی شود)، مگر برای کسی که اضطرار دارد.»

این حدیث راجع به مریضی است که نمی تواند سجده کند، زنی مهر را جلوی پیشانی اش می گیرد تا او سجده کند، حضرت می فرماید: جایز نیست، مگر اینکه مضطر باشد و غیر آن زن کسی نزد او نباشد.

۲. «رَوَى سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي عَيْنَيْهِ الْمَاءُ فَيَنْتَزِعُ الْمَاءَ مِنْهَا فَيَسْتَلْقِي عَلَى ظَهْرِهِ الْأَيَّامَ الْكَثِيرَةَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَيَمْتَنِعُ مِنَ الصَّرَاةِ الْأَيَّامَ إِلَّا إِيْمَاءً وَ هُوَ عَلَى حَالِهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ؛^۳

۲. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۸۱.
۳. همان.

۱. عروة الوثقى، ج ۵، ص ۴۹۶.

سماعہ بن مهران از امام صادق (ع) درباره شخصی پرسید کہ چشمش آب آورده و آب چشم را خارج می کند و باید مدت چهل روز کم تر یا بیش تر به پشت بخوابد، نمی تواند نماز بخواند، مگر با اشاره و با همان حال. امام فرمودند: اشکالی ندارد و چیزی از آنچه خداوند حرام کرده، حلال نمی شود مگر برای کسی کہ اضطرار بر او وارد شده است.»

(ب) روایات دال بر جواز لمس و نظر در معالجه:

۱. «روی ابو حمزة الثمالی

عن أبي جعفر (ع) قال: سألته عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها، أما كسر واما جرح في مكان لا يصلح النظر إليه، يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء، أ يصلح له النظر إليها؟ قال: إذا اضطرت رت إليه، فلعلجّه إن

شأته؛^۱ أبو حمزة ثمالی از امام باقر (ع)

سؤال کرد در مورد زنی کہ مریض شده یا زخم

یا شکستگی در نقطه

خاصی از بدن وی به

وجود آمده و پزشک مرد

حاذق تر از پزشک زن

است، آیا جایز است کہ

پزشک مرد به بدن او نگاه کند؟ حضرت فرمود: اگر زنی برای رجوع به پزشک م رضطر است، می تواند برای معالجه اگر بخواهد به او مراجعه کند.»

۲. «روی ابن وهب، عن أبي

عبد الله (ع) قال: قال أمير المؤمنين (ع): إذا ماتت المرأة و في بطنها ولد يتحرك شق بطنها و يخرج الولد و قال في المرأة تموت في بطنها الولد فيخوف عليها قال لا بأس أن يدخل الرجل يده فيقطعها و يخرجها؛^۲ ابن وهب از

امام صادق (ع) و او از امام علی (ع) نقل می

کند کہ فرمود: اگر زنی بمیرد و فرزند در شکمش

زنده باشد، شکمش را

باز کنند و فرزند را

خارج نمایند و زنی کہ

بچه در داخل شکمش

مرده و برای وی خطرناک

است، اشکالی نیست بر

اینکه مرد دستش را

داخل و آن را خارج

کند.»

علاوه بر ادله

روایی، از منظر عقل

نیز در صورت ضرورت و

حفظ جان می توان به

پزشک غیر همجنس

۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۶۱.

۱. همان، ص ۱۲۹، به نقل از وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۳.

مراجعه کرد . دلیل عقلی در جواز رجوع به پزشک نامحرم در صورت ضرورت «قاعده اهمّ و مهمّ» است؛ عقل سلیم و سیره عقلا حکم می کند اگر احراز شود که مسئله معالجه از قبیل اهمّ است و ترک نگاه و لمس از قبیل مهم، شکی در ترجیح مورد اول بر ترک لمس و نظر باقی نخواهد ماند . این قاعده عقلی و قطعی است که متشکل از کبرا و صغراست:

این اهم است و آن مهم، اهم بر مهم ترجیح دارد، پس عقل سلیم به صحت کبرای قضیه گواهی می دهد، اگرچه ممکن است در تشخیص مصادیق آن دچار اشتباه شود^۱. البته این حکم زمانی است که اضطرار وجود دارد، وگرنه حکم عقل بر عکس خواهد بود و به عدم مراجعه حکم خواهد کرد.

نتیجه

مبحث مراجعه به پزشک غیر همجنس یکی از مسائل مهم جامعه امروزی است که حرمت این مسئله را ثابت کردیم و این موضوع را

ذیل مسئله ارتباط با نامحرم مورد بررسی قرار دادیم، به همین خاطر در ابتدا موضوع ارتباط با نامحرم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این مطلب را به سه بخش : ۱. ارتباط کلامی؛ ۲. ارتباط بصری؛ ۳. ارتباط لمسی تقسیم کردیم. فقها در زمینه ارتباط کلامی اختلاف نظر داشتند و بعضی از فقها همچون شهید ثانی (شنیدن و شنواندن صدای نامحرم را حرام دانستند؛ ولی امام خمینی (این امر را جایز دانست که با نظر مشهور م وافق است؛ اما در مورد ارتباط بصری و نظر به اجنبیه، اجماع علما بر حرمت است، الا در زمان ضرورت مثل معالجه که از این قاعده استثنا می شود.

مسئله مهم درباره ضرورت این است که باید به حداقل اکتفا شود. مثلاً اگر بتوان با نظر کردن درمان کرد، لمس وی حرام خواهد بود. در بررسی آرای فقها مشخص شد که مراجعه به پزشک غیر همجنس، در صورتی که معاینه

۱. انوار الفقاهه، ص ۱۲۵.

مستلزم لمس و نظر
باشد، حرام است، الا
در زمان ضرورت که از
حکم اولیه حرمت
استثنا می شود و
اجماعی است.
در مسائل مستحدثة
پزشکی، همچون لیزرینگ
و جراحیهای زیبایی،
ضرورتی وجود ندارد،
پس حرمت ابتدایی این
مسائل همچنان باقی می
ماند و به وسیله
قاعده ضرورت برداشته
نمی شود. این مسئله
نیز بین فقها اجماعی
است.



ره‌نمودها و خبرها

- * برنامۀ دشمن برای حوزه
- * عدم پابندی به ولایت فقیه؛ دلیل مشکلات منطقه
- * مساجد، سنگر مبارزه با شبهات مجازی
- * تبلیغ باید در مناظر خود از اهل بیت علیهم‌السلام بگویند
- * ضرورت بهره‌گیری از قرآن و روایات ائمه علیهم‌السلام در تبلیغ
- * تبلیغ به لباس مقدس روحانیت
- * برگزاری جلسه شورای تبلیغ استان هرمزگان
- * علمای شهید، رسالۀ عملیۀ خود را با خون خود نوشتند
- * برگزاری مراسم روز معلم
- * اصلاح تصوّرات غلط از اسلام در همایش کانادا
- * بانوی محجبه؛ برنده جایزه پرستاری
- * بانوی مسلمان دانمارکی؛ برنده جایزه بهترین معلم
- * برگزاری مراسم ملاقات با همسایۀ مسلمان در آمریکا
- * انتظار ماه رمضان
- * پرتاب بطری‌های مشروب به سمت مسجدی در انگلستان
- * تاریخ کلیسا ما را خجالت زده می‌کند
- * تبعیض B.B.C علیه اسلام و سایر ادیان
- * تروریستها؛ دشمن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- * اقدام دانش‌آموزان آمریکایی در مقابل اسلام‌هراسی
- * بازماندن دختر هندی از مترو به خاطر حجاب
- * روزه، مانع ایجاد و پیش‌روی چربی‌های مضر
- * ساخت یک شهر اسلامی در چین
- * مسلمان شدن سه تن از اساتید دانشگاه آمریکایی
- * سوءاستفاده اخلاقی کشیش آمریکایی از یک خردسال
- * شیعیان قرآن را به رسمیت نمی‌شناسند!
- * فروشگاه حجاب اسلامی در آمریکا
- * کمپین همبستگی دانش‌آموزان با دختر محجبه در جمهوری چک
- * کنفرانس آشنایی با اسلام در کانادا
- * مردم آمریکای لاتین خواهان مطالعه درباره اسلام
- * مشکل ما با ایران، ارزشهاست، نه سیاستها
- * تأکید مفتی سعودی بر گسترش اندیشه وهابیت
- * برگزاری نشست «همسایۀ مسلمان خود را بشناسید» در کانادا

***خبرها و هشدارها

برنامه دشمن برای حوزه

حضرت آیت الله مکارم شیرازی > درباره خطر نفوذ در حوزه، فرمود: «دستهای در حوزه است که می خواهد نفوذ کند. دشمن برای حوزه برنامه دارد. باید مراقب باشیم! وسایل مباحث ضد اخلاقی زیاد شده، باید ایستاد و خدا هم وعده یاری داده است. نگویند فساد از سر گذشته است! باید تلاش کرد.»^۱

عدم پایبندی به ولایت فقیه؛ دلیل مشکلات منطقه

حضرت آیت الله نوری همدانی > با بی ان اهمیت بصیرت و نقش ولایت فقیه، افزودند: «حوزویان باید با مردم برخورد مناسب

داشته باشند، اهل بصیرت باشند، این بصیرت را در جامعه نیز به وجود بیاورند.» ایشان در ادامه یادآور شد: «انقلاب از سه رکن مردم، اسلام و ولایت فقیه، تشکیل شده، لذا این مردم حق دارند مشکلات آنها برطرف شود. رکن مهم انقلاب، ولایت فقیه است. اگر کشورهای منطقه در رأس حکومت خود ولی فقیه داشتند، این همه گرفتار نبودند.»^۲

مساجد، سنگر مبارزه با شبهات مجازی

حضرت آیت الله جعفر سبحانی > خواستار پاسخ به شبهات فضای مجازی در مساجد شد و فرمود:

۲. همان، کد: ۳۷۹۸۷۵.

۱. خبرگزاری حوزه، کد: ۳۷۸۹۳۰.

«امروز فض ای مجازی برای جامعه خیلی خطرناک و خرساز شده است. بیگانگان با استفاده از این فضا شب و روز دارند جوانان ما را با ایجاد و طرح شبهات بمباران می کنند. هدف آنها از بین بردن بنیان خانواده است. در غرب قوم و خویشی معنایی ندارد. چه بسا اقوام نزدیک یکدیگر را نمی شناسند. مبارزه و مقابله با این برخوردها باید در مسجد شکل بگیرد.»^۱

مبلغان باید در منابر خود از اهل بیت بگویند

حضرت آیت الله علوی گرگانی > با بیان اینکه اهل علم باید از تمامی جهات الگو باشند، اظهار داشت: «اهل علم باید از نظر کردار و گفتار در جامعه الگو باشند. مبلغان باید در منابر خود از اهل بیت سخن بگویند و از مسائلی که مردم را با رفتار و منش آن بزرگوران آشنا می کند، صحبت کنند؛ چراکه باید در روز قیامت پاسخگو

باشیم.»^۲
ضرورت بهره گیری از قرآن و روایات ائمه در تبلیغ

حضرت آیت الله نوری همدانی > با بیان ضرورت اله ام گیری از قرآن و سنت در امر تبلیغ، بیان کردند: «باید برای تبلیغ و ترویج دین از قرآن و بیانات ائمه (معصومین) الهام و درس بگی ریم، تا بتوانیم در جامعه تاثیرگذار باشیم. مبلغان باید بدانند چگونه پاسخگوی شبهات و مشکلات باشد! باید دارای ذوق و سلیقه بود. مبلغان باید بر مباحث احاطه علمی داشته باشد تا بتواند تاثیرگذار باشد.»^۳

تلبس به لباس مقدس روحانیت

به مناسبت میلاد با سعادت حضرت اباعبدالله الحسین و حضرت ابوالفضل العباس (ع)، ۹۴ نفر از طلاب مدرسه علمیه سفیران هدایت قم و مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ به دست مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی سبحانی > ملبس به لباس مقدس روحانیت شدند. در این مراسم، آیت

۱. خبرگزاری فارس، کد: ۰۲۶۶۰۰۲۲۶۵۰۱۳۹۵.

۲. خبرگزاری موج، کد: ۰۴۲۲۸۵.
 ۳. خبرگزاری حوزه، کد: ۰۳۷۹۵۶۵.

اللہ العظمیٰ سبحانی > ضمن بیان روایتی از رسول اکرم (ص) خطاب بہ امیرالمؤمنین (ع)، نسبت بہ اہمیت تبلیغ فرمودند: «اگر یک نفر بہ دست تو ہدایت شود، بہتر از آن چیزی است کہ خورشید بر آن می تابد.» گرچہ این روایت را پیامبر (ص) خطاب بہ امیرالمؤمنین (ع) فرمودہ اند؛ ولی بہ زمان ایشان اختصاص ندارد، و اگر چنانچہ شما نیز یک نفر را ہدایت کنید، ہمین گونه است.

ایشان خاطر نشان کردند: در عصر حاضر کہ رسانہ های بیگانہ پیامهای خود را با وسایل ارتباطی و با آمادگی کامل بہ خانہ های ما می فرستند، ما نیز باید پیامهای دینی خود را با ہمین ابزارها بہ مخاطبین آنان برسانیم.

آیت اللہ سبحانی > ملبس شدن بہ لباس مقدس روحانیت را افتخار سربازی حضرت ولی عصر (ع) دانستہ و فرمودند: من افتخار می کنم کہ وقتی از دنیا می روم، نامم جزء سربازان امام زمان (ع) ثبت شدہ باشد.

در این جلسہ حجت الاسلام و المسلمین نبوی، معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه و رئیس مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، بہ معرفی فعالیتہای این مرکز و مدارس علمیه سفیران ہدایت پرداخت و گفت: مدارس علمی سفیران ہدایت، مداری است کہ ۱۷ سال پیش با مصوبہ شورای عالی حوزه های علمیه و زیر نظر مرکز مدیریت حوزه های علمیه تاسیس شد و در حال حاضر تعداد آنها در کل کشور ۱۱۲ مدرسہ می باشد.

ایشان از جملہ خصوصیات این مدارس را تربیت طلابی ولا یی، بآبصیرت و مشتاق تبلیغ بیان کرد و گفتند: از ویژگیهای دیگر طلاب این مدارس، تلاش جدی در درس و کسب مهارتہای لازم، گذراندن یک دورہ کامل تفسیر قرآن، مباحث تاریخی و مسائل اعتقادی، و همچنین دروس روز مورد نیاز می باشد.

حجت الاسلام و المسلمین نبوی در پایان افزود: در این مدارس بیش از ۶۲۰۰ طلبہ مشغول تحصیل

هستند و در سالهای گذشته هم بیش از ۳۲۰۰ فارغ التحصیل شده و در حال حاضر در نقاط مختلف کشور و در عرصه های مورد نیاز مشغول خدمت تبلیغی می باشند.^۱

برگزاری جلسه شورای تبلیغ استان هرمزگان

جلسه شورای تبلیغ استان هرمزگان با حضور حجت الاسلام و المسلمین نبوی، معاون م حترم تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه برگزار شد:

در این جلسه مدیر حوزه علمی استان هرمزگان، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان، مسئول ستاد اقامه نماز و جمعی از علمای حوزه حضور داشتند.

مدیر حوزه علمی استان، به همکاری خوب مسئولین شهر برای اعزام روحانیون هجرت، طلاب فعال در مدارس امین و سایر مبلغین اشاره کرد.

در این همایش معاون تبلیغ حوزه های علمیه ضمن ارائه راهکار برای رفع برخی مشکلات تبلیغی استان هرمزگان، افزود: علی

رغم مشکلاتی که وجود دارد، برای این استان مجوز به کارگیری ۲۰ مبلغ جدید و اضافه شدن دو برابری مبلغان مدارس امین داده می شود. وی با بیان اینکه راه برون رفت از مشکلات تبلیغی، جذب و به کارگیری طلاب و اساتید در طرح بیانات است، خواستار توجه جدی به این طرح شد.^۲

علمای شهید، رساله عملیه خود را با خون خود نوشتند

حضرت آیت الله نوری همدانی > ضمن بیان ضرورت حفظ و نشر آثار شهدا، گفتند: «به یاد شهدا باشیم و آنها را فراموش نکنیم و از اعمال آنها درس بزرگی بگیریم؛ چراکه راه شهدا راه انبیای الهی است و باید سعی کنیم روحیة شهادت طلبی را در جامعه استمرار ببخشیم. عالمان شهید رساله علمیه و عملیه را با مرکب خون خود نوشته اند و شهادت طلبی را به عنوان دستور دینی خود قرار داده اند، بنابرین، ما به عنوان کسانی که می خواهیم راه شهیدان

۱. روابط عمومی معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه.

۲. همان.

را ادامه دهیم، باید تنور شهادت را به سبب نشر آثار شهدا گرم نگهداریم تا همیشه فرهنگ شهادت طلبی و ایثار زنده بماند.»^۱

برگزاری مراسم روز معلم

مراسم بزرگداشت علامه شهید ، استاد مطهری (و گرامی داشت مقام معلم در نمازخانه مدرسه علمی سفیران هدایت قم برگزار شد.

در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین نبوی رئیس مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ با اشاره به آیه ۱۰۵ سوره توبه^۲ یادآوری کرد: هر کاری می خواهید انجام

بدهید، در نظر داشته باشید که خدا و رسولش اعمال شما را می بینند. مؤمنان نیز کارهایتان را مشاهده می کنند. بر اساس

روایات، امام زمان (ع) نیز اعمال ما را می بینند و چنانچه این مسئله در ذهن ما باشد، بسیار بهتر و جدی تر کارهایمان را انجام

خواهیم داد. آنهایی که علاقه شان به امام زمان (ع) قوی است، ناراحتی

ایشان را درک می کنند و این ناراحتی به آنها منتقل می شود.

ایشان ضمن تاکید بر اهمیت گرامی داشت مقام معلم و رعایت احترام و حقوق معلم، خاطر نشان کرد: هنوز هم پس از سالها که به دیدار اساتیدم می روم، اگر احساس کنم این عزیزان از من راضی هست ند، بسیار خوشحال می شوم. در پایان برنامه به نفرات برتر مدرسه سفیران هدایت در رشته های مختلف، هدایایی اهدا شد.^۳

اصلاح تصوّرات غلط از اسلام در همایش کانادا

در شهر «کلگری» کانادا همایشی برگزار شد که اسلام هراسی و تصوّرات غلط از اسلام و مسلمانان را مورد بررسی قرار داد. در این همایش، موضوعات متعددی از جمله «لزوم احترام پیروان ادیان مختلف به یکدیگر» مورد بررسی قرار گرفت. بنا بر آمارهای سال ۲۰۱۱م، مسلمانان با بیش از یک میلیون نفر ۳/۲ درصد جمعیت کانادا را در آن سال تشکیل می دادند. البته تعداد مسلمانان

۱. خیرگزاری حوزه، کد: ۳۷۸۶۴۱.
 ۲. «وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ...»

۳. همان.

در سالهای اخیر افزایش یافته و گفته می شود جمعیت آنها تا سال ۲۰۳۰م به حدود ۳ میلیون نفر خواهد رسید.^۱

بانوی محجبه؛ برنده جایزه پرستاری

یک بانوی پرستار مسلمان کانادایی، به دلیل نشان دادن مهربانی و شفقت به بی خانمانها و کمک به زندگی باعزت آنان، برنده جایزه «نایتینگل تورنتو استار ۲۰۱۶» شد. ناریق احمد، پرستار مسلمان و محجبه کانادایی و هماهنگ کننده مرکز امور آموزشی و مراقبتی بی خانمان بود که مسئولیت ۲۰ تا ۲۵ بی خانمان و آموزش کارمندان پناهگاه در پرستاری و مراقبت از بیماران را نی ز بر عهده داشته است.^۲

بانوی مسلمان دانمارکی؛ برنده جایزه بهترین معلم

«لوریس الحج» بانوی مسلمان دانمارکی، به خاطر تلاشهایش در کمک به کودکان پناهنده در

مدارس ابتدایی، جایزه بهترین معلم کشور دانمارک را دریافت کرد. روزنامه های دانمارک با انتشار مقاله ای درباره این بانوی محجبه دانمارکی نوشتند: «او معلمی است که دوست دارد با ارتقا و توسعه شیوه های آموزشی اش به دانش آموزان در یادگیری و درک بیش تر به شیوه های مختلف کمک کند.»^۳

برگزاری مراسم ملاقات با همسایه مسلمان در آمریکا

مسلمانان مسجد شهر «فرامینگهام» واقع در ایالت ماساچوست آمریکا، مراسمی با عنوان «همسایه مسلمانان» را ملاقات کنید! برگزاری کردند. در این مراسم که «روز درهای باز مسجد فرامینگهام» محسوب می شد، اعضای مسجد بازدیدکنندگان متنوعی را پذیرا بودند، به این امید که بتوانند به دوستان و همسایگان شان در به دست آوردن درک بهتری از فرهنگ و سنت اسلامی کمک کنند. این مراسم با حمایت جامع اسلامی فرامینگهام و جوانان

۱. خبرگزاری رسا، کد خبر : ۴۲۶۹۳۵
۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر : ۳۷۹۳۹۱

۳. همان، کد: ۳۷۹۲۰۸.

مسجد برنامه ریزی شدہ
بود.^۱

انتظار ماہ رمضان

جوان مالزیایی، اہل
کائولا ترنگانو کہ
اوایل این ماہ در
ہنگام سخنرانی یکی از
اندیشمندان مسلمان،
به دین اسلام گروید ،
می گوید : مسلمان شدن
سبب شدہ او در زندگی
به آرامش و شادمانی
بیش تری دست یابد .
«نور نینا فاریشا وو
عبدالله» کہ پیش از این
مسیحی بودہ، به
خبرنگاران گفته است :
«حال کہ مسلمان شدہ
ام، در زندگی احساس
آرامش و شادی بیش تری
دارم و بی صبرانه
منتظر روزہ گرفتن در
ماہ مبارک رمضان
ہستم.»^۲

پرتاب بطری های مشروب به سمت مسجدی در انگلستان

در واقعہ
نژادپرستانہ، فرد
ناشناسی چندین بطری
مشروبات الکلی را به
سمت مسجدی در روستایی
نزدیک لندن پرتاب کرد
کہ به گفتہ پلیس این
اقدام در ردیف جرایم
نفرت محور طبقہ بندی
شدہ است . علاوه بر

اینکہ این حادثہ
زمانی رخ داد کہ
نمازگزاران داخل مسجد
در حال اقامت نماز
جماعت بودہ اند.^۳

تاریخ کلیسا ما را خجالت زده می کند

پاپ فرانسیس ، رهبر
کاتولیکهای جهان ، در
مراسم عبادی صبحگاهی
در کلیسای «سنتا
مارتا» ی رم، گفت :
«اتحاد جوامع مسیحی
عملاً شادی بر فرستادن
عیسی توسط خداست .
بسیاری اوقات، تاریخ
ما ؛ تاریخ کلیسا، ما
را خجالت زده می
کند.»^۴

تبعیض B.B.C علیه اسلام و سایر ادیان

یک گزارش داخلی کہ
به وسیلہ بخش مدیریت
ادیان و مذاهب شبکہ
بی.بی.سی منتشر شد،
نشان می دہد کہ این
شبکہ بیش از حد مسیحی
بودہ و در برنامه های
پخش شدہ از این بنگاہ
خبر پراکنی، به دین
اسلام و سایر ادیان
توجہ چندانی نمی شود.
مدیر بخش مدیریت
ادیان و مذاهب در
شبکہ بی بی سی کہ این
گزارش را منتشر کردہ

۳. همان، کد: ۳۷۷۲۸۳.
۴. همان، کد: ۳۷۹۷۴۷.

۱. همان، کد: ۳۷۷۱۹۹.
۲. همان، کد: ۳۷۷۳۳۹.

است، در بیانیه ای اعلام کرد : مسیحیت همچنان مهم ترین دین در برنامه های پخش شده بی بی سی تلقی می شود و ساعات بیش تری را نسبت به ادیان دیگر به خود اختصاص می دهد.^۱

تروریستها؛ دشمن رسول خدا (ص)

شیخ علی جمعه ، مفتی سابق مصر و عضو هیئت علمای بزرگ الازهر ، در برنامه تلویزیونی «والله اعلم» در شبکه «سی بی سی» گفت: «تروریستهایی که شهروندان بی گناه را می کشند، گویی پیامبر (ص) را می کشند . کسانی که شهروندان بی گناه را تهدید می کنند و خون آنها را بر زمین می ریزند ، دشمنان رسول خدا (ص) هستند و گویی پیامبر (ص) را کشته اند، حتی اگر کسانی که به دست آنها کشته شده اند، گناهکار و میان خود و خدای خود مقصر باشند.»^۲

اقدام دانش آموزان آمریکایی در مقابل اسلام هراسی

دانش آموزان مسلمان

دبیرستانهای آمریکا در شهر «سیاتل» واقع در ایالت واشنگتن، پس از ماه ها برنامه ریزی، قرار است با عنوان «روز جهانی آگاهی اسلام هراسی» دور هم جمع شوند . این گردهمایی شامل کارگاه های آموزشی در پارک «ویکتور استین بروک» می باشد و به موضوعات مهمی از جمله : تاریخچه اسلام هراسی و مشارکتها و دستاوردهای اسلامی در جامعه می پردازد . برگزارکنندگان این تجمع، دانش آموزان محجبه ای هستند که خودشان نیز پیش تر مورد حملات و پیش داوریهای اسلام هراسی قرار گرفته اند.^۳

بازماندن دختر هندی از مترو به خاطر حجاب

یک دختر جوان محجبه به خاطر داشتن پوشش اسلامی اجازه ورود به متروی دهلی را نیافت . در پی این تبعیض دینی، این دختر مسلمان که به بهانه مسائل امنیتی اجازه سوار شدن به قطار را نداشت ، از مسئولین مترو شکایت

۳. همان، کد: ۳۷۹۶۵۸.

۱. خبرگزاری رسا، کد: ۴۲۶۹۸۱.
۲. خبرگزاری حوزه، کد: ۳۷۹۳۸۸.

کرد.^۱

روزه، مانع ایجاد و پیش روی چربی های مضر

محققان آلمانی در تحقیقات اخیر خود به این نتیجه رسیده اند که روزه بر بدن انسان تأثیر مثبتی می گذارد. آنان اعلام کردند: روزه می تواند جلوی بسیاری از بیماریهای کبدی و به خصوص چربی کبد را بگیرد. چربی کبد از شایع ترین بیماریهای کبدی در جهان محسوب می شود.^۲

ساخت یک شهر اسلامی در چین

مقامات چینی سعی دارند با تغییر ظاهر یکی از شهرهای این کشور، به معماری اسلامی و ساخت یک مسجد در آن، بر بدرفتاریهای خود نسبت به اقلیت مسلمان اویغور در این کشور سرپوش بگذارند و توریستهای کشورهای عربی را نیز به مسافرت به چین ترغیب کنند.^۳

مسلمان شدن سه تن از اساتید دانشگاه آمریکایی

سه تن از دانشیاران دانشگاه آمریکایی «نیجریه یولا» به دین

اسلام گرویدند : دکتر لیونل راولینز، دکتر گابریل فاستر و دکتر تریستان پورویس ، از مدرسین ارشد این دانشگاه، پس از مسلمان شدن، نامهای خود را نیز به اسامی اسلامی تغییر داده اند. داود بلو، روحانی ارشد مسجد جمعه دانشگاه یولا طی مراسمی این تازه مسلمانان را رسماً به جامع اسلامی معرفی کرده و سپس امامت جماعت نخستین نماز را برای آنها عهده دار شد. این اساتید دانشگاهی می گویند تصمیم آنها برای گرویدن به دین اسلام ، پس از مطالعات دقیق مذهبی بوده است و آنها پس از ارزیابیهای دقیق به این نتیجه رسیده اند که اسلام بهترین شیوة زندگی است.^۴

سوء استفاده اخلاقی کشیش آمریکایی از یک خردسال

در ادامه انتشار خبرهایی درباره سوء استفاده های اخلاقی کشیشان در غرب، خبر رسیده است که یک کشیش آمریکایی، کودکی خردسال را مورد آزار

۱. همان، کد: ۳۷۹۴۹۹.

۲. خبرگزاری اپنا، کد: ۷۰۳۳۱۷.

۳. خبرگزاری رسا، کد: ۴۲۶۹۵۱.

۴. خبرگزاری حوزه، کد: ۳۷۹۴۴۸.

قرار داده است. شبکه ان بی سی خبر داد: یک کشیش و رئیس سابق دبیرستان کاتولیک لانگ آیلند آمریکا، پس از آنکه مشخص شد اتهامها درباره آزار جنسی یک خردسال توسط او، اتهامهای معتبری بوده، از کار معلق شد. گفته می شود که نام این کشیش آمریکایی «جیمز ویلیامز» است. قربانی این کشیش که قبلاً دانش آموز این مدرسه بوده، سال گذشته با دادستانهای محلی تماس گرفته و ماجرا را با آنان در میان گذاشته بود.^۱

شیعیان قرآن را به رسمیت نمی شناسند!

«محمد عوض» یکی از اعضای «انصار السنة» دولت مصر، در واکنشی توهین آمیز، نسبت به تأسیس پایگاه تقریب مذاهب از سوی «احمد کریمه» مدعی شد: جنایت احمد کریمه در تأسیس پایگاه تقریب مذاهب، شایسته محاکمه است؛ زیرا این اقدام، باب ترویج اندیشه و

باورهای منحرف تشیع را به جامعه مصر بازخواهد کرد و امنیت اجتماعی را با مشکل مواجه خواهد ساخت.^۲

فروشگاه حجاب اسلامی در آمریکا

زنان مسلمان آمریکایی در ایالت فلوریدای آمریکا، خرید لباسهای محجوب و اسلامی خود را در مغازه جدید «ورونا» که به تازگی تأسیس شده است، انجام می دهند. این فروشگاه جدید در میدان بازار فشن، در شهر مرکزی اورلاندو واقع شده است که تا بزرگ ترین مسجد فلوریدا فاصله کمی دارد. زنان و دختران مسلمان محجبه فلوریدا بسیاری از لباسهای بلند و روسریهایشان را از این پس از این مرکز فروش می خرند و این در حالی است که بسیاری از آنان معتقدند فروشگاه های آمریکایی باید بیش تر به فکر فروش اجناس و پوششهای اسلامی باشند.^۳

کمپین همبستگی دانش آموزان با دختر محجبه در جمهوری چک
دانش آموزان

۲. شیعه نیوز، کد: ۱۱۸۳۰۸.
۳. خبرگزاری حوزه، کد: ۳۷۹۹۳۸.

۱. خبرگزاری فارس، کد: ۱۳۹۵۰۲۲۶۰۰۰۰۴۶.

دبیرستان پراگ، پایتخت جمهوری چک، کمپین وید یوی برای حمایت از پوشش اسلامی و حجاب ہم کلاسی مسلمانان «امان غالب» که چندی پیش به خاطر حجاب در آستانہ اخراج قرار داشت، تشکیل دادند.^۱

کنفرانس آشنایی با اسلام در کانادا

کنفرانس آشنایی با اسلام در شهر ساسکاتون، بزرگ ترین شهر استان سسکچوان کانادا برگزار شد تا غیرمسلمانان از مهاجران مسلمان تازه وارد به این شهر درک بہتری داشته باشند.^۲

مردم آمریکای لاتین خواهان مطالعه درباره اسلام

روزنامہ گاردین با انتشار گزارشی از یک مراسم جشن در مکزیک، تأکید کرد کہ مسلمانان این کشور بر حفظ هویت اسلامی خود تأکید دارند، به ویژه تعداد زیادی از مردم آمریکای لاتین می خواهند درباره اسلام بیش تر بدانند و مسلمانان مکزیک نیز در تقای برنامه های گوناگون برای معرفی

اسلام و تبیین هوی اسلامی برآمده اند.^۳

مشکل ما با ایران، ارزشهاست، نه سیاستها

«بنیامین نتانیاهو» در ادامہ اظهارات بی پایه و اساس خود در مورد هولوکاست، تأکید کرد: مشکل صهیونیستها با ایران فقط سیاستهایش نیست؛ بلکه ارزشهایی است کہ بر آن استوار است.^۴

تأکید مفتی سعودی بر گسترش اندیشہ وهابیت

«شیخ صالح الفوزان» عضو هیئت کبارالعلماء و عضو کمیته دایمی افتاء در عربستان، در سخنرانی خود کہ در دانشگاه دارالعلوم شهر ریاض برگزار شد، بر لزوم گسترش اندیشہ وهابیت در این کشور و سایر کشورهای جهان - کہ سرمنشأ تکفیر و افراط گرایی و مسلمان کشی به شمار می آید - تأکید کرد.^۵

برگزاری نشست «همسایہ مسلمان خود را بشناسید» در کانادا

گروه عام المنفعہ «فکر برای عمل» در شهر

۳. خبرگزاری حوزه، کد: ۳۷۹۴۶۴.
 ۴. خبرگزاری رسا، کد: ۴۲۶۹۵۹.
 ۵. همان، کد: ۴۲۶۹۵۰.

۱. همان، کد: ۳۷۷۱۹۶.
 ۲. خبرگزاری رسا، کد: ۴۲۶۹۷۴.

کلگری در جنوب آلبرتا ،
واقع در کانادا، نشستی
با عنوان «همسایه
مسلمان خود را
بشناسید» برگزار کرد
که در آن صدها تن از
مسلمانان و
غیرمسلمانان، با هدف
مبارزه با اسلام‌هراسی
در کشور کانادا، شرکت
کردند.^۱

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه های فرهنگی و تبلیغی می توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی تر شدن سؤالات، با اغوش باز می پذیریم.

پرسشها

۱. این جمله از کیست؟ «زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.»

الف. امام خمینی! ب. مقام معظم رهبری > ج. شهید مطهری)

2. آیه [قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ] دلالت بر کدام یک از اصول تبلیغی دارد؟

الف. اصل تدریج ب. اصل بصیرت بخشی ج. اصل نرمی و مدارا

3. این سخن از کیست؟

«معصوم کسی است که به حبل الهی اعتصام می کند، و حبل الله همان قرآن است.»

الف. امام سجاد (ع) ب. امام جواد (ع) ج. امام زمان (ع)

4. [وَ أَوْحَيْتُ إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ] .

این آیه دلالت بر کدام یک از روشهای تبلیغی حضرت موسی (ع) دارد؟

الف. هجرت ب. امید دادن به مردم و پرهیزی اُس و نومیدی ج. آغاز تبلیغ از منشا تأثیر

5. مهم ترین آفات و خطرات برای هر مکتب است.

الف. انحراف مسئولین و آگاه نبودن آنها به سیاست

ب. انحراف مردم پس از دست یابی به پیروزی

ج. هر دو مورد

6. بنا بر قول مشهور، جنگ «بدر» در چه ماه و سالی واقع شد؟

الف. چهاردهم رمضان المبارک سال دوم هجرت

ب. هفدهم رمضان المبارک سال دوم هجرت

ج. بیست و چهارم شوال سال دوم هجرت

7. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَجَابَ دَعْوَتِي فِيهِ»

پیامبر (ص) این جمله را چه زمانی فرمودند؟
الف. وقتی که «نوفل بن خویلد» به دست حضرت علی (ع) به
هلاکت رسید.

ب. وقتی که «ولید» به دست حضرت علی (ع) به هلاکت رسید.
ج. هنگامی که عبدالله بن مسعود، سر بریده ابوجهل را خدمت
پیامبر (ص) آورد

8. روایت «إِنَّ الشَّرَّابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) وَهُوَ أَفْضَلُ مَا
اسْتَشْفِي بِهِ» از کیست؟

الف. امام سجاد (ع) ب. امام باقر (ع) ج. امام رضا (ع)

9. کدام یک از علمای شیعه در عصر صفویه در تمام شئون
دینی، سیاسی و اقتصادی دولت شاه طهماسب صفوی صاحب اختیار
گردید؟

الف. محقق کرکی) ب. محقق حلی) ج. شیخ طوسی)

10. سید جمال الدین مهم ترین و مزمن ترین درد جامعه اسلامی
را تشخیص داد.

الف. استبداد داخلی و استعمار خارجی ب. بدعت زدایی
و خرافه شویی ج. استعمار فرهنگی

11. اگر روزه یوم الشک به نیت اول ماه رمضان گرفته شود چه
حکمی دارد؟

الف. صحیح ب. حرام و باطل ج. مکروه

12. ریختن دارو و قطره در چشم و گوش برای شخص روزه دار چه
حکمی دارد

الف. حرام ب. اشکال ندارد ج. مکروه

13. ... از جمله سفارشات است که رسول مکرم اسلام (ص) در
ازدیاد قدرت حافظه و افزایش عقل تجویز فرموده است
الف. انجام حجامت ب. خوردن مویز در اول صبح ج.
خوردن کندر

14. این جمله در مورد چه کسی صدق می کند؟ «بَلَى أَنْتَ أَوْلُ شَهِيدٍ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي»

الف. حمزه ب. عبیده ج. حارث بن
عبدالمطلب

15. علت رخ دادن «غزوه بدر الاولی» چه بود؟
الف. برای تعقیب «کرز بن جابر فهري» که گله مدینه را
غارت کرده بود.

ب. برای تعقیب کاروان قریش بود.
ج. برای جنگ با قبیله «بنی ضمیره»

پاسخنامه مجله مبلغان شماره ۲۰۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج

نام : نام خانوادگی :
کد یا



نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان»

در سراسر کشور

۱. بوشهر، خورموج، چهارراه مدرسه علمیه، حوزه علمیه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سفیران هدایت.
۲. تهران، اسلامشهر، شهرک اووان، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۳. خراسان جنوبی، قائن، خیابان امام خمینی علیه السلام، درب شرقی جنب مسجد جامع، حوزه علمیه عالم آل محمد علیه السلام.
۴. خراسان رضوی، مشهد، بلوار شهید مدرس، اداره کل تبلیغات اسلامی، اتاق ۱۳۰.
۵. خراسان رضوی، مشهد، چهارراه خسروی، خ شهید رجایی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. خوزستان، امیدیه، خیابان زینبیه، حوزه علمیه سفیران هدایت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام.
۷. خوزستان، اهواز، خیابان شریعتی، کوچه علم، بین عظیم و مسجدی، حوزه علمیه خواهران، ساختمان شماره ۲.
۸. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیها السلام.
۹. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۱۰. قزوین، خیابان امام خمینی علیه السلام، نبش عبید زاکانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۱۱. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۱۲. قم، زنبیل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، کتابفروشی.
۱۳. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۴. کرمان، رفسنجان، خیابان شهداء کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام.
۱۵. کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج، راهنمایی، خیابان شهید باهنر ۳، پلاک ۱۹، حوزه علمیه علی بن موسی الرضا علیه السلام.
۱۶. گیلان، آستانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۱۷. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۸. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۱۹. همدان، ملایر، خیابان سعدی، حوزه علمیه خواهران.
۲۰. همدان، همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهراء علیها السلام.
۲۱. یزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۲۲. یزد، یزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیه السلام، واحد تربیتی.
۲۳. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۲۴. یزد، یزد، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.

ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه

در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه،

به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰ تماس گرفته و یا درخواست خود را به

شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶ فکس نمایید.



بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان)
- مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۶۰/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۳۰/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.



نشانی فرستنده:

.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:

اینجانب: مبلغ: ریال

طی فیش شماره: از طریق بانک:

شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای

دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید.

**نیاز به الصاق
تمبر ندارد**

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه

ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید

